

# کیمهان ۳۸۰

KAYHAN.LONDON

بیتانگوار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۱ تا ۷ مهر ماه ۱۴۰۱ خورشیدی

سال نسی و نهم - شماره ۱۸۴۶

# زن زندگی آزادی





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۴۶ (۳۸۰)

جمعه ۱ تا ۷ مهرماه ۱۴۰۱  
۲۶ سپتامبر تا ۱ اکتبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

**دارالترجمه بین المللی فریس**

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

[www.assot.co.uk](http://www.assot.co.uk) / Email: [assot@aol.com](mailto:assot@aol.com)

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

# کیمسان

## \*\* فهرست مطالب \*\*

سر مقاله - آغوش مردم به روی ریزشی‌ها باز است زیرا... / الا‌هه بقراط ..... ۴

زن، زندگی، آزادی ... / روشنک آسترکی ..... ۴-۵

---

بیانیه شهبانو فرح پهلوی: دوروز عزای عمومی و سوگواری به نام ژینا... / ..... ۵

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی: قدرت ملیتی متحد از هر حکومت سرکوبگری، ... / ..... ۶

شاهزاده رضا پهلوی: دوروز عزای عمومی در همراهی با سوگ ملی برای ... / ..... ۶

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به مردم ایران: خیابان دست شماست؛ نگهش دارید!... / ..... ۷

پیام شاهدخت نور پهلوی به مردم ایران: به شجاعت شما افتخار می‌کنم و... / ..... ۷

مهسا بر اثر شدت جراحات وارده کشته شد! خشم و اعتراض علیه خشونت دولتی... / ..... ۸-۹

قتل حکومتی مهسا امینی؛ جناحین در خدمت نظام: از فرافکنی اصولگرایان تا... / ..... ۹-۱۰

کالبدشکافی یک طغیان (۱۸) ... / احمد احرار ..... ۱۱

معمايي به نام هویدا (۲) ... / عباس میلانی ..... ۱۲-۱۳

خاکسپاری مهسا امینی با سر کوب مسلحانه شهر وندان... / ..... ۱۴

انتشار سی تی اسکن مهسا امینی؛ سوگ ملی، ادامه اعتراضات و ... / ..... ۱۵-۱۶

اعتراضات گسترده در ایران و واکنش‌های بین‌المللی در پی قتل حکومتی مهسا ... / ..... ۱۶-۱۷

ادامه واکنش‌های بین‌المللی به قتل حکومتی مهسا امینی و سرکوب مردم... / ..... ۱۸

هشتک # مهسا\_ امینی ترند جهانی شد؛ اعلام دوروز سوگ ملی و ... / ..... ۱۹

پیام ترور میکونوس: هیچ ایرانی در برون مرز نباید... / میثاقیل تومن (دیشایت) ..... ۲۰

جمهوری اسلامی در انتظار «زمستان سرد» اروپا بود که گرفتار «پاییز داغ»... / ..... ۲۱

ویژگی‌های فاشیسم مذهبی معاصر... / محمود مسائلی ..... ۲۲-۲۳

درباره شعر مشروطیت ایران (۱۲) ... / محمد جلالی چیمه (م. سحر) ..... ۲۴-۲۵

اعتراضات سراسری در ایران؛ سکوت خامنه‌ای، اعلام قطع اینترنت، ... / ..... ۲۶-۲۷

جنگ سایبری گروه هکری «انانیموس» علیه جمهوری اسلامی در... / ..... ۲۷

گزارش ویژه؛ «اربعین ۱۴۰۱»؛ یا گناه می‌کنند و می‌روند تا... / فیروزه نوردستروم ..... ۲۸-۲۹

وندی شرمین: مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به بن‌بست رسید... / ..... ۲۹

جزییاتی از شرایط مهسا در بیمارستان از زبان پدرش... / ..... ۳۰-۳۱

قتل حکومتی مهسا امینی؛ «احتمال» برکناری رئیس «پلیس امنیت اخلاقی»... / ..... ۳۱

۱۳۰ استان ایران با کمبود آموزگار در مدارس روبروست... / ..... ۳۲

موج مهاجرت از کشور به طراحان بازی‌های کامپیوتری رسید... / ..... ۳۳

گزارش میدانی؛ تجاربی از گشت ارشاد اسلامی... / فیروزه نوردستروم ..... ۳۴-۳۵

پیشنهاد معترضان برای ایستادگی در مقابل سرکوبگران؛ از «خرابکاری»... / ..... ۳۵

فرش دستباف ایرانی در بازار داخلی هم جای خود را به... / ..... ۳۶

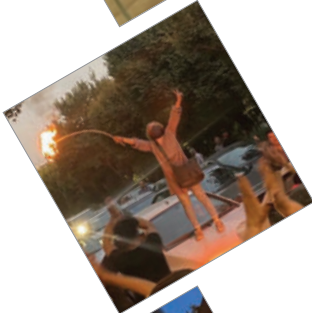
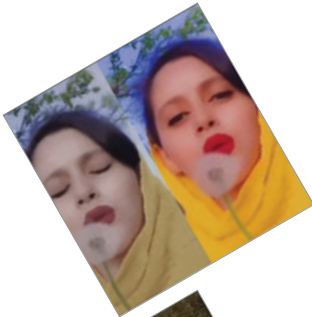
شامگاه «۳۰ شهریور» ۱۴۰۱؛ شبی که مردم قُرق نیروهای مسلح... / ..... ۳۷

اعتراضات سراسری در بیش از ۱۰۰ شهر؛ با وجود سرکوب مسلحانه، خیابان هادر دست... / ..... ۳۸-۳۹

پشت جلد - عکس هفته / شهر یور ۱۴۰۱ در ایران ..... ۴۰

بازنشر

بازنشر



سرمقاله

آغوش مردم به روی ریزشی‌ها باز است زیرا...



ایران دیر یا زود به مرحله‌ای می‌رسد که با نظام فاشیست مذهبی حاکم بر مردم تعیین تکلیف کند. در تمام سال‌های گذشته از جمله در کیهان لندن بر این نکته تأکید شد که جمهوری اسلامی سرنوشت محتوم ایرانیان نیست. سرنوشت مردم برای همیشه در دستان خونین این رژیم تعیین نمی‌شود. اما اینکه مردم جمهوری اسلامی را چگونه به تاریخ بسپارند، در دست نظام و زمامدارانش است!

جمهوری اسلامی اما نه هشدارهای دلسوزانش را جدی گرفت و نه به فشارهای داخلی و بین‌المللی توجهی کرد. نظام ملایان و پاسداران که بر اساس نظریه حکومت ولایت فقیه، آرزوی نابودی غرب و اسرائیل و تسلط یک «دولت اسلامی» بر جهان را در سر می‌پروراند، با پشتوانه‌ی ثروت و درآمد‌های نفتی یک کشور استراتژیک مانند ایران و اتکا بر تسلیحات و گروه‌های سرکوب علیه مردم، بیش از آن در موهبت‌های این جهانی که فقط شامل حال گروه‌ها و خانواده‌های مافیایی خودش می‌شود و همچنین اطمینان به «قدرت سرکوب» غرق شده بود که بتواند موج خشم و انزجار و نفرتی را ببیند که ۴۳ سال در جامعه به آرامی سنگین می‌شده تا با قدرت تمام اوج بگیرد و بر سرش فرود بیاید.

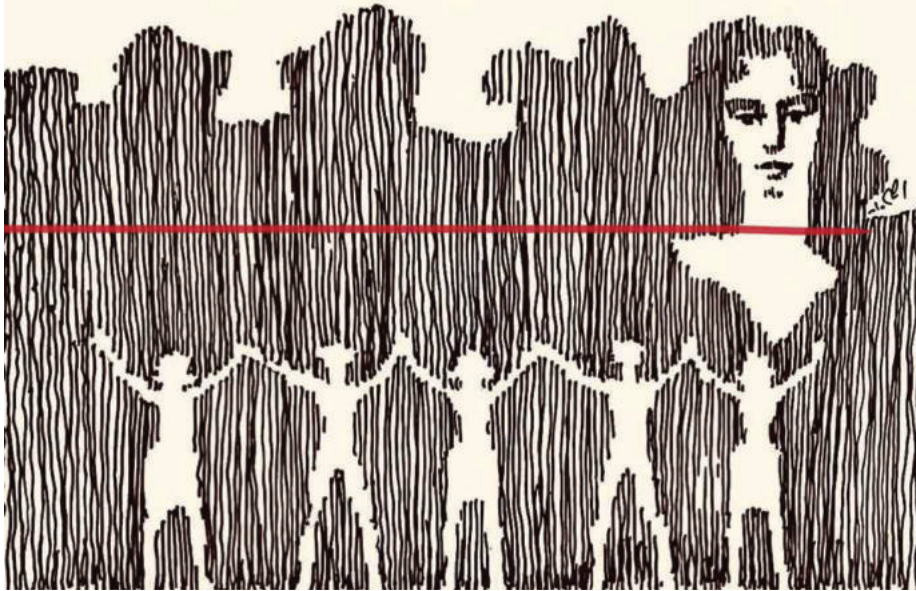
اما وقتی سرانجام این موج به مرحله فرود برسد، آنوقت سرکوبگرترین نظام‌ها نیز می‌تواند حتی به وفادارترین نیروهای خود اطمینان کند چه برسد به اطلاعاتی و امنیتی و لباس شخصی و نیروی انتظامی و گارد ویژه و مشایهان دستمزدبگیر که این روزها ذلت و خواری و ناتوانی آنها در برابر همبستگی سراسری مردم بیش از پیش به نمایش گذاشته می‌شود. در این میان، تجارب تطبیقی نیز نشان می‌دهد، مردم کسانی را که از رژیم‌های ضدمردم جدا می‌شوند و به آنها می‌پیوندند، با آغوش باز پذیرا می‌شوند بدون آنکه هراسی از زیر پا گذاشتن حق و حقوق قربانیان و بازماندگان آنها و بدون مجازات مانند آمران و عاملان جنایت‌ها و خیانت‌ها اعم از کشتار و فساد اقتصادی و یا تخریب‌های زیست محیطی داشته باشند. آنها می‌دانند برای به گور سپردن رژیم‌هایی مانند جمهوری اسلامی به نیروی همگان نیاز است از جمله کسانی که بدنه و پایگاه اجتماعی آن را تشکیل می‌داده‌اند. چه بهتر که بجای صحنه‌های سرکوب، شاهد پیوستن این نیروها به مردم باشیم.

از سوی دیگر، جنبش دادخواهی ایرانیان که بسیار گسترده است زمانی موفق خواهد بود که مردمی که به حرکت درآمده‌اند اطمینان داشته باشند که سیاست هشیارانه و دمکراتیک آنها در پذیرش بریدگان و ریزشی‌ها، با نظام حقوقی مدرن و اتکا بر «نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم» پاسخ مساعد خواهد گرفت.

شواهد نشان می‌دهد جامعه‌ی ایران با تجاربی بس دشوار و خونین به این بلوغ سیاسی و حقوقی رسیده و فقط باید با به تاریخ سپردن جمهوری اسلامی، امکان بروز و عمل پیدا کند.

تیتراول

زن، زندگی، آزادی



● اگر زنان و دختران روسری خود را برداشته و می‌سوزانند به این معنا نیست که آنها فقط به دنبال نداشتن روسری و یا «جمع کردن گشت ارشاد» هستند! بلکه از آنجا که حجاب اجباری یکی از مهمترین ابزارهای جمهوری اسلامی برای انقیاد زنان و یکی از مآدهای مهم حکومت اسلامی است، زنان و دختران ایران، این ابزار و مآد نظام را به آتش می‌کشند!

اعتراضات سراسری شهریور ۱۴۰۱ بر اساس «منافع» یا «حقوقی» بخشی از مردم ایران، از نظر جغرافیایی، جمعیتی و صنفی نیست. این اعتراضات در برابر «ظلم» جمهوری اسلامی آغاز و شعله‌ور شد و به دلیل اینکه ایدئولوژی جمهوری اسلامی در زمینه حجاب، سبب قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی شد، اعتراضات از نخستین لحظه محور «سیاسی» و نه اقتصادی و اجتماعی داشته است.

در عین حال، هرچند اعتراضات دانشجویان در سال ۷۸ و اعتراضات پس از انتخابات سال ۸۸ هم ماهیت سیاسی داشت اما هر دو اعتراض توسط گروه و جریان‌های درون حکومت و به بیان دیگر در راستای رقابت سیاسی میان جناحین نظام و به سود اصلاح‌طلبان شکل گرفته بود.

اعتراضات کنونی اما علیه کلیت نظام است! درواقع تحقق شعاربست که در دی ۹۶ سر داده شد و بیشتر با تحریم انتخابات نمایشی ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ نیز به عمل در آمد: اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه همومه ماجرا!

طی روزهای گذشته «قدرت ملت در خیابان» خارج از پروژه‌های جناحین شکل گرفته و «روح و اراده ملی» رهبر هدایتگر معترضان شهریور ۱۴۰۱ تا امروز بوده است. شعارهایی که مردم در همه شهرها سر می‌دهند به صراحت پیام آور «براندازی» است و مردم بدون هیچ ملاحظه و هراسی فریاد می‌زنند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند.

اینبار مردم به صورت گسترده و با صراحت بیشتری در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفته و مرز روشنی را که پیشتر شاهزاده رضا پهلوی در «پیمان نوین» بر آن تأکید کرده بود ترسیم کرده‌اند: یا با جمهوری اسلامی، یا با مردم و ایران!

برای مردم معترضی که در خیابان هستند هیچ وجه سومی وجود ندارد. به این ترتیب، اگر کسی از جمله در لباس نیروی انتظامی همچنان در کنار جمهوری اسلامی ایستاده و باتوم و سلاح به سوی مردم می‌گیرد، فقط یک معنی دارد: در مقابل مردم!

جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله‌ای که با ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد اسلامی به گما رفت و پس از سه روز در ۲۵ شهریور جان سپرد، سرآغاز اعتراضات سراسری و خروش خشم مردم ایران در همه استان‌های کشور و بیش از ۱۰۰ شهر شد.

موج جدید اعتراضات ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را متمایز کرده و بی‌شک نقطه عطف مهمی در سرنوشتی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

رژیم ایران در آستانه سفر ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» به نیویورک جهت شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، در حالی که مردم ایران با فقر و مشکلات مختلف اقتصادی دست به گریبان هستند، تصور نمی‌کرد ایران یکپارچه به فریاد خشم علیه نظام تبدیل شود. بخشی از محاسبات اشتباه جمهوری اسلامی در این است که هیچ پیوندی با تاریخ و فرهنگ ایران ندارد و سردمدارانش درک نمی‌کنند که سوگواری‌های ملی در این کشور حماسه آفریده است؛ از سوگ «سیامک» و «سیاوش» تا سوگ «مهسا» که نظام را غافلگیر کرده. سرشت سوگواری‌های حماسی در اسطوره‌ها و تاریخ ایران همواره سرآغازی نو با نوید پیروزی بوده است.

پیام روشن براندازی

اعتراضات روزهای گذشته دارای مشخصات و ویژگی‌هایی است که آن را با اعتراضاتی که در دهه اخیر در ایران صورت گرفته، متمایز می‌کند.

این اعتراضات بر خلاف اعتراضات دی ۹۶ و تابستان ۹۷ و آبان ۹۸ که دو اعتراض سراسری مهم و مردمی مهم هستند، ریشه در مشکلات اقتصادی ندارد.

از سوی دیگر با اعتراضات مهم دیگر در تابستان ۱۴۰۰ در خوزستان و در آبان ۱۴۰۰ در اصفهان که به دلیل بحران آب و خشکسالی آغاز و در چند شهر ادامه پیدا کرد نیز متفاوت است.



بیانیه شهبانو فرح پهلوی:

## دو روز عزای عمومی و سوگواری به نام ژینا و همه فرزندان جانباخته ایران



من به عنوان یک مادر ایرانی این مصیبت بزرگ و دردناک را به مادر، پدر ژینا و بازماندگان او از صمیم قلب تسلیت می گویم. با تمام تلاش های رژیم برای سرکوب زنان، مبارزات آزادیخواهانه و خستگی ناپذیر زنان ایران قابل ستایش و تقدیر است.  
من نیز با پیروی از شاهزاده رضا پهلوی، روزهای ۲۷ و ۲۸ شهریور را عزای عمومی و سوگواری به نام ژینا و همه فرزندان جانباخته ایران اعلام می دارم.

● به عنوان یک مادر ایرانی این مصیبت بزرگ و دردناک را به مادر، پدر ژینا و بازماندگان او از صمیم قلب تسلیت می گویم.  
● من نیز با پیروی از شاهزاده رضا پهلوی، روزهای ۲۷ و ۲۸ شهریور را عزای عمومی و سوگواری به نام ژینا و همه فرزندان جانباخته ایران اعلام می دارم.  
بار دیگر فرزندی از ایرانزمین به دست کزمه های حکومتی ضد ایرانی جان خود را از دست داد.

فضاسازی هستند. این در حالیست که پرچم ملی و تاریخی ایران، پرچم شیروخورشید نشان است که جمهوری اسلامی آن را پس از انقلاب ۵۷ و در پی روی کار آمدن رژیم ولایت فقیه تغییر داد. در نتیجه این پروژه هم بین مردمی که اصلا کل جمهوری اسلامی را با پرچم و همه مخلفات اش نمی خواهند به ثمر نرشد!

سناریوسازی های جناحین نظام برای نجات جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. برای نمونه بر اساس گزارش های نیروهای امنیتی، وابستگان رژیم از جمله اصلاح طلبان تلاش می کنند به میان معترضان نفوذ کرده و هدایت اعتراضات و شعارها را به دست بگیرند و ماهیت براندازانه ای آن را تغییر دهند. به گفته ی برخی معترضان جریان اصلاح طلب با سازماندهی افرادی در میان معترضان از سر داده شدن شعارهایی چون «رضاشاه روح شاد» یا «جمهوری اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم» جلوگیری می کنند و جمعیت را ترغیب به سر دادن شعارهایی می کنند که اصل و کلیت نظام را زیر سؤال نمی برد.

اینهمه در حالیست که این روزها مقامات و وابستگان حکومت با نگرانی شاهد خشم و حماسه ی مردم هستند و می بینند اراده ی جامعه ای که عزم خود را برای تغییر جزم کرده باشد، با هیچ نیروی سرکوبگری قابل مهار و توقف نیست. این حقیقت حتا افرادی را که دارای انواع روابط رانتی و وابستگی مالی به جمهوری اسلامی هستند وادار به بازنگری و «انتخاب» کرده و ریزش نظام وارد مرحله تازه ای شده است.

روشنگ آسترکی

حال سناریوسازی هستند. یکی از نخستین سناریوها نسبت دادن اعتراضات به گروه ها و احزاب تجزیه طلب بود. هم آوایی مردم در سراسر ایران و شعارهایی چون «کردستان، کردستان، چشم و چراغ ایران» و همچنین فریاد مردم از تبریز و ارومیه که «آذربایجان بیدار است، پناه کردستان است» این پروژه امنیتی را که از سوی عوامل نظام در داخل و خارج کشور پیش برده می شد، در هم شکست.

یکی دیگر از تلاش های آنها کاهش حق و حقوق مردم به موضوع «گشت ارشاد اسلامی» است. پروژه ای که از سوی اصلاح طلبانی چون آذر منصوری، عباس عبدی، غلامحسین کرباسچی و معصومه ابتکار مطرح و به دلیل بحرانی بودن شرایط برای نظام، برخی از چهره های اصولگرا نیز با آنها هم صدا شدند. این در حالیست که در اعتراضات روزهای گذشته این موضوع اصلا از سوی مردم مطرح نشده است! اگر زنان و دختران روسری خود را برداشته و می سوزانند به این معنا نیست که آنها فقط به دنبال نداشتن روسری و یا «جمع کردن گشت ارشاد» هستند! بلکه از آنجا که حجاب اجباری یکی از مهمترین ابزارهای جمهوری اسلامی برای انقیاد زنان و یکی از نمادهای مهم حکومت اسلامی است، زنان و دختران ایران، این ابزار و نماد نظام را به آتش می کشند! در این میان در برخی ویدئوها دیده می شود که پرچم جعلی و تحمیلی جمهوری اسلامی از سوی معترضان به آتش کشیده شده است. هرچند مشخص نیست آیا این اقدام از سوی معترضان بوده، اما اتاق فکر جناحین با راه انداختن «وامصیبتا» که پرچم «ایران» آتش زده شد، مشغول

زنان میداندار رویارویی با آپارتاید و فاشیسم مذهبی یکی دیگر از ویژگی های چشمگیر اعتراضات شهریور، حضور گسترده و نقش آفرین زنان است که اوج آن در برداشت روسری ها و سوزاندن آنها در خیابان هاست. زنانی که بدون مردان نیستند!

حضور پررنگ زنان در این اعتراضات به دلایل مختلف اهمیت دارد از جمله اینکه زنان یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی در پیشبرد برنامه های ایدئولوژیک و مذهبی هستند. جمهوری اسلامی با اجباری کردن حجاب و اجرای قوانین سختگیرانه برای پوشش زنان، سالهاست آنان را به یکی از عناصر حکومت اسلامی و اسلامگرایان تبدیل کرده که حجاب را به عنوان ویژگی بارز «جامعه اسلامی» به نمایش می گذارند.

از سوی دیگر در طول چهار دهه گذشته زنان همواره «جنس دوم» و «شهروند درجه چندم» محسوب می شوند که همواره مصائب و مشکلاتی بیش از مردان ایران داشته اند. اما همین زنان در اعتراضات روزهای اخیر پوسته تحقیر و سرکوب مزمن را شکافته و گردآفریدهایی تاریخ ساز شده اند.

**نسل جدید جنبش دانشجویی به دور از اصلاح طلبان**  
جنبش دانشجویی در ایران که سالها در چهارچوب جناحین نظام حرکت می کرد و مواضع سیاسی آن بیش از دو دهه در خدمت بال اصلاح طلب نظام بود، در حالی که در اعتراضاتی که از دی ۹۶ تا کنون جریان یافته، حضوری کم رنگ داشت، اکنون یکی از بازوهای توانمند اعتراضات به شمار می رود.

دانشجویان در بیش از ۱۰ دانشگاه ایران با برگزاری تجمعاتی اصل نظام را هدف قرار دادند و شماری از دختران دانشجو در دانشگاه ها حجاب از سر برداشتند. شعارهایی چون «توپ تانک فشفشه آخوند باید کم بشه» و «فتنه ۵۷ عامل هر فلاکت» شعارهایی هستند که از سوی دانشجویان سر داده شده و نشان می دهند که بخش پیشرو جنبش دانشجویی همسو با مردم نظام جمهوری اسلامی را نمی خواهد. البته بخشی از نسل جدید جنبش دانشجویی پیشتر در اعتراضات دی ۹۶ نیز با سر دادن شعار «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تهمه ماجرا» در دانشگاه تهران این مخالفت را به نمایش گذاشته بود.

همچنین، گزارش ها و مشاهدات میدانی تأکید دارند که حضور اقشار مختلف اجتماعی و افرادی از اصناف و سنین متفاوت در مناطق مختلف شهری و کشوری در اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ یکی از ویژگی های نمایان همبستگی ملی است. چهره دیگر این همبستگی در شبکه های اجتماعی جلوه گر شده بطوری که هشتگ نام مهسا امینی به فارسی و انگلیسی و همچنین هشتگ انگلیسی مربوط به اعتراضات سراسری ترند جهانی شدند و تا زمان تنظیم این گزارش نیز همچنان ترند هستند. هشتگ «مهسا امینی» با حدود ۱۵ میلیون بار باز نشر در توئیتر رکورددار هشتگ های این شبکه اجتماعی به همه زبان ها شد.

از دیگر ویژگی های اعتراضات می توان به برانگیختن بی نظیر افکار عمومی بین المللی در مدت زمان کوتاه اشاره کرد. نه تنها سیاستمداران در کشورهای مختلف، بلکه هنرمندان، ورزشکاران، نویسندگان، و حتی اینفلوئنسرها در شبکه های اجتماعی به قتل حکومتی مهسا امینی و اعتراضات مردم و آکنش نشان داده و آن را محکوم نموده و از اعتراضات مردم و حقوق زنان ایران پشتیبانی کردند.

**تلاش بال های نظام در اتاق فکر جناحین**  
موج اعتراضات شهریور همزمان جناحین نظام را به تکاپو وا داشته و اتاق های فکر امنیتی های جناحین سراسیمه در

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی:

## قدرتِ ملتی متحد از هر حکومتِ سرکوبگری، نیرومندتر است!



● آنچه این اعتراضات را متمایز می‌کند، پیشگامی زنان شجاع و حق‌طلب، با پشتیبانی و هم‌آهنگی مردان آزادیخواه است که از دانشگاه و بازار تا خیابان‌های سراسر ایران، فریاد بلند «زن، زندگی، آزادی» سر می‌دهند، با هم می‌ایستند، و تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد تفرقه و شکاف بین هم‌میهنانِ گردمان و بقیه ملت ایران را نقش بر آب می‌کنند.

● هم‌میهنانم، هماهنگی طیف‌های متنوع و گسترده‌ای از تشکل‌ها و نیروهای سیاسی و مدنی، هنرمند و ورزشکار، دانشجو و معلم، کارگر و بازنشسته، در پشتیبانی از اعتراضات مردم، سرآغاز کم‌کاری‌ها و نافرمانی‌های گسترده و فلج‌کننده است که مبارزه ملت را به پیروزی نهایی نزدیک می‌کند. تداوم و فراگیرتر کردن اعتراضات و اعتصابات، کلید پیروزی است.

● عوامل سرکوب! بدانید که سرانجامی جز تسلیم شدن در مقابل اراده ملت ندارید. به نفع‌تان است که تا فرصت هست به آغوش باز ملت بپیوندید.

همبستگی ملی ما علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده و به ملت، قدرت داده است.

قدرتِ ملتی متحد از هر حکومتِ سرکوبگری، نیرومندتر است.

عوامل سرکوب! بدانید که سرانجامی جز تسلیم شدن در مقابل اراده ملت ندارید. به نفع‌تان است که تا فرصت هست به آغوش باز ملت بپیوندید.

زن زندگی آزادی!

پاینده ایران

رضا پهلوی

می‌کنم. شما ملت، عزم‌تان را جزم کرده‌اید که سرنوشت خود را به دست بگیرید و آینده را بسازید.

هم‌میهنانم،

هماهنگی طیف‌های متنوع و گسترده‌ای از تشکل‌ها و نیروهای سیاسی و مدنی، هنرمند و ورزشکار، دانشجو و معلم، کارگر و بازنشسته، در پشتیبانی از اعتراضات مردم، سرآغاز کم‌کاری‌ها و نافرمانی‌های گسترده و فلج‌کننده است که مبارزه ملت را به پیروزی نهایی نزدیک می‌کند. تداوم و فراگیرتر کردن اعتراضات و اعتصابات، کلید پیروزی است.

ژینا که چشم و چراغ زندگی خانواده‌اش بود، مظلومانه و بی‌گناه کشته شد؛ اما امروز، نام او به غدا خشم و

ملت بزرگ ایران.

در پی قتل دخترمان، ژینا، شما با فراگیرترین اعتراضات پس از آبان ۹۸، نقطه غیر بازگشتی را در راه پس گرفتن میهن‌مان از رژیم ضد ایرانی جمهوری اسلامی رقم زده‌اید.

آنچه این اعتراضات را متمایز می‌کند، پیشگامی زنان شجاع و حق‌طلب، با پشتیبانی و هم‌آهنگی مردان آزادیخواه است که از دانشگاه و بازار تا خیابان‌های سراسر ایران، فریاد بلند «زن، زندگی، آزادی» سر می‌دهند، با هم می‌ایستند، و تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد تفرقه و شکاف بین هم‌میهنانِ گردمان و بقیه ملت ایران را نقش بر آب می‌کنند.

من به این هوش و شعور، و صلابت و دلاوری شما افتخار

## شاهزاده رضا پهلوی: دو روز عزای عمومی در همراهی با سوگ ملی برای دختر بی‌گناه ایران، ژینا (مهسا) امینی



ندا و پویا؛ دادخواه پژمان و نیکتا؛ دادخواه وحید و نوید؛ دادخواه ریرا و ژینا.

از این رو، بیابیم یکشنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ شهریور، در روزهای عزای عمومی و سوگواری ملی برای ژینا امینی، یاد و نام او و همه فرزندان جانباخته ایران را گرامی و زنده نگهداریم.

پاینده ایران

رضا پهلوی

۴۳ساله که با خون ندا رنگین شد و با خون ژینا پایان نخواهد یافت. ما نیاز داریم تا این سوگ و خشم را بیش از پیش به همبستگی ملی و امید به فردایی بدون ظلم و ستم جمهوری اسلامی پیوند بزنیم.

امروز مردم سقز نشان دادند که اجازه نمی‌دهند این جنایت عریان، با خاکسپاری دختر بی‌گناه شهرشان، ژینا، به فراموشی سپرده شود. اما ژینا فقط دختر سقز نبود. او فرزند ایران بود؛ و یک ایران امروز دادخواه فرزندانش است؛ دادخواه

● ژینا فقط دختر سقز نبود. او فرزند ایران بود؛ و یک ایران امروز دادخواه فرزندانش است؛ دادخواه ندا و پویا؛ دادخواه پژمان و نیکتا؛ دادخواه وحید و نوید؛ دادخواه ریرا و ژینا. قتل تکان‌دهنده ژینا (مهسا) امینی به دست رژیم ضد ایرانی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی، احساسات عموم ملت ایران را جریحه‌دار کرده است. این احساس مشترک، این سوگ ملی، این خشم ملی، نمودار عزم و اراده ملتی است که برای احقاق حقوق خود تا پای جان ایستاده است؛ مقاومتی

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به مردم ایران:

## خیابان دست شماست؛ نگاهش دارید!

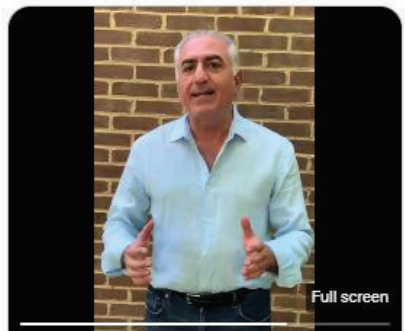


Reza Pahlavi  
@PahlaviReza

خیابان دست شماست،  
نگاهش دارید.

#مهسا\_امینی  
#زن\_زندگی\_آزادی  
#ایران\_را\_پس\_میگیریم

Translate Tweet



و مردم با دست خالی در مقابل سرکوب خشن مأموران امنیتی رژیم ایستادگی می‌کنند. هنوز تعداد جانباختگان و بازداشتی‌های این اعتراضات مشخص نیست اما به گفته شاهدان عینی موج این اعتراضات با گذشته بسیار متفاوت و فراگیرتر و روحیه و همبستگی مردم برای دفاع از خود و حقوقی که چهل و سه سال است توسط جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته می‌شود بالاتر از همیشه است. در این میان، رساتر بودن فریاد زنان در اعتراضات نیز بسیار چشمگیر است.

در این پیام که شامگاه چهارشنبه (به وقت ایران) ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ منتشر شد شاهزاده پهلوی خطاب به مردم گفت: «درد بر شما هموطنان شجاع و دلیرم. آرزوی همیشگی من این بود اتحادی را که اکنون از خود نشان می‌دهید در سراسر کشور ببینم. شما با هم نیرومندید و با هم از هر نیروی سرکوبی قوی‌ترید. همین روند اگر ادامه باید مسلماً پیروزی. خیابان دست شماست. نگاهش دارید!» این پیام در حالی خطاب به مردم و در همراهی با آنان صادر شده که اعتراضات شبانه در ایران همچنان ادامه دارد

● شاهزاده پهلوی در پیامی ویدیویی خطاب به مردم و در همراهی با آنان گفت: «شما با هم نیرومندید و با هم از هر نیروی سرکوبی قوی‌ترید. همین روند اگر ادامه باید مسلماً پیروزی. خیابان دست شماست. نگاهش دارید!»

در سومین روز از آغاز اعتراضات سراسری در حالی که تقریباً در بیش از ۱۳۰ شهر ایران تظاهرات ضدحکومتی در جریان است شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ویدئویی از مردم خواست با ادامه اعتراضات «خیابان‌ها را نگه دارند.»



پیام شاهدخت نور پهلوی  
به مردم ایران:

به شجاعت  
شما افتخار  
می‌کنم و  
کنارتون  
هستم

هم‌میهن‌انم امروز رفته جلوی سازمان ملل و بگم که کنارتون هستم. دیدن هم‌میهن‌انم که با هدف رسیدن صدای ملت ایران جمع شده بودند خیلی برام دلگرم‌کننده بود. به شجاعت شما افتخار می‌کنم.

در این اعتراض که با فراخوان شماری از هنرمندان و فعالان سیاسی صورت گرفت علاوه بر داریوش اقبالی و ابراهیم حامدی دو خواننده محبوب ایرانی، شاهدخت‌ها نور و ایمان پهلوی دو فرزند شاهزاده رضا پهلوی نیز حضور داشتند.

شاهدخت نور پهلوی در پیامی از اعتراضات مردم ایران حمایت کرد و گفت در کنارشان خواهد ایستاد. او گفت:

● دیدن هم‌میهن‌انم که با هدف رسیدن صدای ملت ایران جمع شده بودند خیلی برام دلگرم‌کننده بود.

هم‌زمان با سخنرانی ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک که چهارشنبه ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور ۱۴۰۱) انجام شد، گروهی از ایرانیان در مقابل مقر سازمان ملل دست به اعتراض زدند.

پیروزی از آن ماست.

# مهسا بر اثر شدت جراحات وارده کشته شد! خشم و اعتراض علیه خشونت دولتی؛ «همه ما مهسا امینی هستیم»



● به نوشته سازمان حقوق بشری «هنگاو»، خانواده مهسا جان باختن وی را تأیید کرده‌اند.

● مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران «در خصوص بدحالی خافی در مقر پلیس» اعلام کرده است: «خافی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت شده بطور ناگهانی دچار عارضه قلبی شد!»

● خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی «میزان» گزارش داد، دادستان تهران دستور داده کارگروه ویژه‌ای برای بررسی ابعاد پزشکی پرونده «عارضه جسمی» برای مهسا امینی پس از بازداشت از سوی گشت ارشاد اسلامی تشکیل شود. ● لیا رمینی هنرپیشه سریال «دوستان Friends» و «پادشاه محله کوئینس The King of Queens» با انتشار تصویری از مهسا امینی در حساب توئیتری خود، به کما رفتن او پس از ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی را «وحشتناک» خوانده و از کاربران خواسته تا همراه با او نام و داستان این دختر جوان را به اشتراک بگذارند.

تکمیلی: به گزارش سازمان حقوق بشری «هنگاو» مهسا امینی (ژینا) دختر ۲۲ ساله اهل سقز که غروب روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ (۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲) توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی در تهران مورد ضرب و جرح شدید قرار گرفته و به کما رفته بود، ظهر امروز جمعه ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در اثر شدت جراحات وارده جان باخت.

به نوشته «هنگاو»، خانواده مهسا جان باختن وی را تأیید کرده‌اند.

این در حالیست که به کما رفتن مهسا امینی پس از دستگیری توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی در تهران و انتقال به «پلیس امنیت» خشم شدید و واکنش منفی بسیار گسترده

دستگیر و به پلیس «امنیت اخلاقی» در خیابان وزرا منتقل می‌شود. مأموران به برادرش گفته‌اند، این دستگیری برای حضور در «کلاس توجیهی» است. پس از دو ساعت از بازداشت ولی کیارش از پشت درهای بسته پلیس امنیت اخلاقی متوجه می‌شود که خواهرش به کما رفته و او را با ماشین آمبولانس از ساختمان وزرا خارج کرده‌اند.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران «در خصوص بدحالی خافی در مقر پلیس» اعلام کرده است: «خافی برای توجیه

ناگهانی دچار عارضه قلبی شد!» در ادامه توضیحات پلیس تهران آمده است: «بلافاصله این خانم با همکاری پلیس و اورژانس به بیمارستان منتقل شده و تحت درمان و مداوا قرار دارد.»

این ادعاها اما با سخنان کیارش امینی برادر مهسا در تناقض است. او گفته است: «پشت در ساختمان پلیس امنیت اخلاقی ایستاده بودم. ناگهان صدای جیغ و داد بلند شد. همه در ساختمان را می‌کوبیدیم. از در بالا رفتیم. اما در را باز نکردند. پنج دقیقه بعد یک آمبولانس از ساختمان خارج شد. هر دختری که بیرون می‌آمد می‌گفت که یک نفر را کشتند. عکس مهسا را به دخترها نشان می‌دادم. از میان آنها یک نفر گفت که مهسا در بغل خودش این مسئله برایش پیش آمد.»

در شبکه‌های اجتماعی برخی از پزشکان در توئیتهایی با بررسی تصویر مهسا امینی بر تخت بیمارستان، احتمال شکستگی قاعده جمجمه بر اثر ضربه به ناحیه سر را داده‌اند و علائم تأییدکننده آن را خونریزی و تورم گوش مهسا و همچنین خوهردگی زیر چشم ذکر کرده‌اند. یک پزشک در این رابطه نوشته است، «در سکنه مغزی، اتورازی (خونریزی از گوش) دیده نمی‌شود.»

خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی «میزان» گزارش داد، دادستان تهران دستور داده کارگروه ویژه‌ای برای بررسی ابعاد پزشکی پرونده «عارضه جسمی» برای مهسا امینی پس از بازداشت از سوی گشت ارشاد اسلامی تشکیل شود.

دادستان تهران تأکید کرده که می‌بایست مشخص شود انتقال مهسا امینی به مرکز پلیس، «از لحاظ پزشکی چقدر در وقوع این حادثه موثر بوده است.»

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور نیز از دستور ابراهیم رئیسی برای رسیدگی به این پرونده خبر داده است. او به معاون امنیتی وزارت کشور دستور داده تا «در خصوص حادثه پدید آمده برای خانم مهسا امینی،

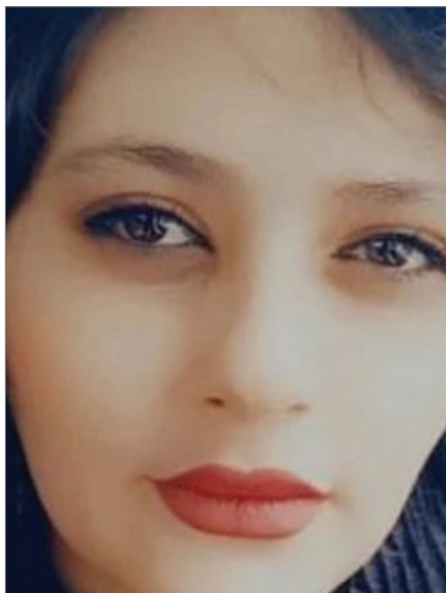


و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت شده بطور

در افکار عمومی را به دنبال داشته که همچنان ادامه دارد. مهسا امینی روز سه‌شنبه در بزرگراه «حقانی» تهران







# قتل حکومتی مهسا امینی؛ جناحین در خدمت نظام: از فرافکنی اصولگرایان تا «جهاد تبیین» اصلاح طلبان!

از معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور خواسته شد بر این کار نظارت کرده و موضوع را دنبال کند تا در اسرع وقت ارزیابی انجام بگیرد؛ دلایل بروز حادثه روشن می‌شود و بخش زیادی از مسئله به روشن شدن دلایل پزشکی این فوت باز می‌گردد.»

اما چه کسی قرار است مسئول رسیدگی و نظارت بر این تحقیقات باشد و نتایج آن را به جمهوری اسلامی و مردم اعلام کند؟ سرتیپ پاسدار مجید میراحمدی، یکی از سرکوبگران ارشد حکومتی!

خود احمد وحیدی وزیر کشور کیست؟ از متهمان پرونده تروریستی انفجار «آمیا» مرکز یهودیان در پایتخت آرژانتین! سردار پاسدار احمد وحیدی متهم پرونده تروریستی «آمیا» در حکمی مجید میراحمدی معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور را مسئول رسیدگی به «حادثه» مهسا امینی کرده است. وی خطاب به میراحمدی تاکید کرده که «با توجه به دستور رئیس جمهوری در خصوص حادثه پدید آمده برای خانم مهسا امینی، علت حادثه را با فوریت و دقت به صورت ویژه بررسی و نتیجه را به اینجانب گزارش کنید.»

سرتیپ پاسدار مجید میراحمدی دبیر شورای امنیت جمهوری اسلامی یکی از اعضای سرکوبگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. او همچنین در روزهای گذشته رئیس «ستاد اربعین» بود که فاجعه کارناوال سیاسی-مذهبی جمهوری اسلامی با کشته شدن و زخمی شدن شماری از «زائران» را در مرز و کشور عراق رقم زد!

سرتیپ پاسدار مجید میراحمدی البته در حالی مسئول رسیدگی به این پرونده شده که اصلا در تهران نیست و در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرده که در مهران و در حال بازگشت به تهران از مراسم «اربعین» است و در یکی دو روز آینده گزارش خود را در اینباره تهیه خواهد کرد.

اینهمه در حالیکه که شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم در وعده‌های پوچ و تکراری گفته‌اند پیگیر موضوع هستند و خواستار پاسخگویی مسئولان اجرایی شده‌اند.

بهباد رحیمی نماینده سقز و باوند در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به سردار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی بر لزوم اطلاع‌رسانی درباره پرونده مهسا امینی تاکید کرده و نوشته که باید با مسببان این حادثه ناگوار برخوردهای جدی و قانونی صورت گیرد.

● چه کسی قرار است مسئول رسیدگی و نظارت بر تحقیقات «حادثه مهسا امینی» باشد و نتایج آن را به جمهوری اسلامی و مردم اعلام کند؟ سرتیپ پاسدار مجید میراحمدی، یکی از سرکوبگران ارشد حکومتی!

● اصلاح طلبان که به دلیل شکست فاحش در انتخابات نمایشی ۱۴۰۰ از تحریم‌کنندگان و همچنین آرای باطله به ۳درصدی معروف شده‌اند، تلاش می‌کنند به اندازه سهم خود از انقلاب که بسی بیش از ۳درصد است، با خط دادن و فضا سازی، خشم و اعتراض عمومی از جمهوری اسلامی را به «خشم از گشت ارشاد اسلامی» هدایت کنند و موضوع مهم «نه به جمهوری اسلامی» و رد کلیت نظام جهل و جنایت را به «انحلال گشت ارشاد اسلامی» کاهش دهند! اصولگرایان هم وعده توخالی به پیگیری می‌دهند!

● مردم چه شامگاه گذشته در تهران و چه امروز در سقز نشان داده‌اند خط اعتراضی آنها همان مسیری است که از دی‌ماه ۹۶ با «نه به جمهوری اسلامی» و «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تومه ماجرا» آغاز شده. منتها به نظر می‌رسد در این نبرد به شدت نابرابر هنوز هم باید جان‌هایی قربانی شوند که فقط به دنبال یک زندگی عادی و حقوق بنیادی خود در امنیت و بدون سایه سنگین و خونبار جمهوری اسلامی هستند.

یک روز پس از جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله‌ای که در پی حمله و ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد اسلامی به کما رفته بود، جمهوری اسلامی همه تلاش خود را به کار گرفته تا از خیزش موج اعتراضات سراسری مردم جلوگیری کرده و افکار عمومی را توسط جناحین‌اش مدیریت کند. اصولگرایان در دولت و مجلس اسلامی وعده رسیدگی به این پرونده و برخورد با متخلفان را می‌دهند و اصلاح طلبان نیز به دنبال مدیریت خشم مردم و طبق معمول پیشبرد «مطالبه‌گری» و «برچیده شدن گشت ارشاد اسلامی» از حکومتی هستند که مسبب این شرایط و زنده به آن است!

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم و معروف به «قاضی مرگ» به وزیر کشور «دستور» داده که مسئله «بطور جدی پیگیری» شود و نتایج به اطلاع مردم برسد.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در سخنانی گفته که «با وزارت بهداشت و پزشکی قانونی صحبت شد تا به سرعت دلیل فوت را از نظر کارشناسی بررسی کنند. همزمان از فرماندهی فراجا خواسته شد کلیه دلایل و مطالب پیرامون موضوع را جمع‌آوری کنند. همچنین

علت حادثه را با فوریت و دقت به صورت ویژه بررسی و نتیجه را به اینجانب گزارش کنید!»  
دایی مهسا به رسانه‌ها درباره وضعیت او که در بیمارستان «کسری» بستری است، گفته است: «مغزش که از کار افتاده بود. قلبش هم حالا دیگر نیمه‌فعال شده و کلیه‌هایش هم دیگر کار نمی‌کنند. دکترها گفتند فقط دعا کنید.»

دایی مهسا درباره برخورد نیروی انتظامی با آنها گفته که «دیروز فرمانده پلیس به همراه چند همکارش آمدند دیدار ما. هر چه پرسیدیم چه شده؟ قول دادند که تصاویر دوربین‌های مداربسته را به زودی به ما نشان می‌دهند. من بهشان گفتم که هرکاری هم بکنند بی‌فایده است. می‌خواهند صورت مسئله را پاک کنند.»

او افزوده است: «آمدند گفتند نگران نباشید، سپرده‌ایم ناهار و شام به شما بدهند! معلوم نیست چه کسی این بلا را سر مهسا آورده؛ بهش گفتم این مشکل حل شدنی نیست. امروز نوبت دختر ما بود، فردا نوبت دختری دیگر است. فقط صورت مسئله را پاک می‌کنید.»

خشم عمومی نسبت به عملکرد وحشیانه و خشونت‌آمیز گشت ارشاد اسلامی به خصوص از تیرماه امسال با تشدید اجرای طرح حجاب و عفاف به دستور ابراهیم رئیسی رئیس دولت و «قاضی مرگ» بیش از پیش برانگیخته شده است. بسیاری از کاربران از تجربیات تلخ دستگیری‌شان توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی نوشته‌اند که شامل ضرب و جرح، آزار کلامی، فحاشی و رکبک‌گویی، رفتار تند و عصبی می‌شود. مهسا امینی در حالی برای غلبه بر مرگ جدال می‌کند که مانند شهروندان دیگر انتظار نداشت هدف ظلم، نابرابری و خشونت سیستماتیک جاری در ایران قرار بگیرد. کاربران می‌گویند، تا زمانی که حکومت جمهوری اسلامی بر سر کار است، هر لحظه امکان دارد سرنوشتی مانند آنچه بر مهسا رفته، برای هر کسی رخ دهد.

جامعه ایران در ماه‌های اخیر هربار به سوگ یک زن نشسته است؛ زنانی که قربانی محدودیت‌ها، مظالم و فشارهای حکومتی می‌شوند؛ از سپیده رشنو، شلیر رسولی تا مهسا هرکدام در سیطره‌ی ایدئولوژی حکومت و در فقدان عدالت اجتماعی و استقلال دستگاه قضایی، قربانی می‌شوند. کاربران با اعلام اینکه «همه ما مهسا امینی هستیم» می‌نویسند، خسته‌اند از بی‌عدالتی که هربار به نحوی خونبار بروز می‌کند. آنان می‌نویسند، از دیروز تا امروز گوشی به دست هستند تا از مرگ و زندگی یک دختر که به قصد تفریح به تهران آمده باخبر شوند.

شماری نیز منتقد عملکرد منفعلانه جامعه شده‌اند و می‌نویسند، هرجای دیگر دنیا بود با چنین فاجعه‌ای خشم به فریاد تبدیل می‌شد و مردم به خیابان‌ها می‌آمدند و توجه جهان را به وضعیت ایران جلب می‌کردند؛ به صحنه‌های آشکار از نقض حقوق بشر و ستم‌ها و آزارهایی که دستگاه سرکوب در ایران هر روز بر مردم روا می‌دارد.

یک کاربر توییتر نیز به گما رفتن مهسا را با قتل زبیا (زهر) کاظمی روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی مقایسه کرده و نوشته: «یادی کنیم از زهر کاظمی فقید که به جرم عکاسی دستگیر و توسط سعید مرتضوی هنگام بازجویی به قتل رسید و اتفاقاً پیگیری پرونده هم به خود قاتل سپرده شد، نتیجه هم که واضحه: فراموش شد!»

لیا رمینی هنرپیشه سریال «دوستان Friends» و «پادشاه محله کوئینس The King of Queens» با انتشار تصاویری از مهسا امینی در حساب توییتری خود، به کما رفتن او پس از ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی را «وحشتناک» خوانده و از کاربران خواسته تا همراه با او نام و داستان این دختر جوان را به اشتراک بگذارند.

منکر و دادن آن به دست افراد ناآگاه انحرافی است روشن از تعالیم اسلامی و راهی است برای سلب آزادی‌های قانونی و شرعی شهروندان.»

همزمان آیت‌الله اسدالله بیات زنجانی از مراجع تقلید نیز با انتشار بیانیه‌ای مجموعه رفتارهایی را که منجر به این نوع حوادث می‌شود «نامعقول، نامشروع و غیرقانونی» دانست و گفت هیچیک از قوانین کشور مسئولیت تربیت افراد را به پلیس نسپرد است.

«مجمع نیروهای خط امام» در بیانیه‌ای اقدامات صورت گرفته در ماه‌های اخیر «به نام مبارزه با بی‌حجابی» را «روشی بغایت غلط و متأثر از نگاهی متحجرانه به دین

امینی و همزمان در حال «جهاد تبیین» به سود نظام است. اصلاح‌طلبان که به دلیل شکست فاحش در انتخابات نمایشی ۱۴۰۰ از تحریم‌کنندگان و همچنین آرای باطله به ۳۰ درصدی معروف شده‌اند، تلاش می‌کنند به اندازه سهم خود از انقلاب که بسی بیش از ۳۰ درصد است، با خط دادن و فضا سازی، خشم و اعتراض عمومی از جمهوری اسلامی را به «خشم از گشت ارشاد اسلامی» هدایت کنند و موضوع مهم «نه به جمهوری اسلامی» و رد کلیت نظام چهل و جنایت را به «انحلال گشت ارشاد اسلامی» کاهش دهند! آنها همچنین بجای اینکه مسئولیت جان باختن مهسا را متوجه کل جمهوری اسلامی و ساختار ارتجاعی و ضدزن آن کنند،

جلال رشیدی کوچی نماینده استان فارس در مجلس شورای اسلامی نیز وعده پیگیری این پرونده را داده و گفته که «نبايد اجازه دهيم مردم را به نظام بدبين كنند و اگر در اين مسئله قصوري يا تقصيري متوجه كسي باشد، بايد به صورت شفاف به مردم گفته شود و از اين پس طوري رفتار شود كه شاهد چنين مسائلي نباشيم!»

علی صالحی دادستان تهران هم از دستور تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی ابعاد پزشکی پرونده خبر داده و گفته که این کارگروه قرار است شرایط جسمی مهسا امینی را از نظر پزشکی مورد معاینه و بررسی‌های دقیق تخصصی و کارشناسی قرار دهند. این کارگروه با دعوت از کادر درمان مهسا امینی و با حضور کارشناسان و متخصصان مجرب پزشکی قانونی فعالیت خود را آغاز و آخرین وضعیت جسمی وی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند.

این در حالیست که جمهوری اسلامی پیشاپیش و دیروز سناریویی درباره وضعیت جسمی مهسا توسط خبرگزاری حکومتی فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر کرده است. خبرگزاری فارس از قول یک منبع آگاه نوشته است که «مهسا امینی به دنبال ایست قلبی توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شد و پس از احیا در فاصله ۲ ساعت، ۲ مرتبه دیگر نیز ایست قلبی کرده که مجدداً احیا شده است.»

این خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران مدعی شده که «در سی تی اسکن مغزی علاهی مبنی بر هیدروسفال بودن (عارضه قلبی) گزارش شده است. وی در پنج سالگی هم تومور مغزی عمل کرده و مبتلا به بیماری صرع و دیابت نوع یک بوده است.» همچنین «نامبرده مجدداً بعد از ظهر روز جمعه ایست قلبی می‌کند و نهایتاً پس از ۴۵ دقیقه عملیات احیای قلبی CPR، به علت ایست قلبی ریوی فوت می‌کند.»

اکبر نصراللهی رئیس دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی نیز روز گذشته در صفحه اینستاگرامش کاملاً دلسوز نظام خطاب به مقامات حکومتی نوشت که زودتر اطلاع‌رسانی کنند تا «غوغا» در شبکه‌های اجتماعی مهار شود: «دوستان عزیز! در شبکه‌های اجتماعی در این خصوص غوغا است، غیر از شخصیت‌های سیاسی و سلبریتی‌های فرصت‌طلب، بی‌بی‌سی هم امروز گزارش و مصاحبه مفصلی پخش کرد، فضای احساسی و شایعات در حال فوران است، دیر روایت کنید حتی اگر دقیق و جامع باشد، اثر لازم را نخواهد داشت. مستندات تون را زودتر منتشر کنید؛ زود دیر می‌شود مثل گذشته!»

اظهار نظر برخی از مقامات جمهوری اسلامی هم حکم «مک پاشیدن بر زخم» مردم را دارد. از جمله سیابوش آقاجانی مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گیلان نوشته «آیا می‌دانید سالانه چندین ورزشکار و تماشاچی در میادین ورزشی یا حتی حین تماشای مسابقه ورزشی در منزل دچار سکنه می‌شوند؟! پس چرا ورزش تعطیل می‌شود؟!»

رسانه‌های حکومتی اصلاح‌طلب و اصولگرا نیز با دستکاری واقعیت و سانسور بخشی از ماجرای دلخراش مهسا اصرار دارند بگویند او برای «هدایت» و «آموزش» با ون گشت ارشاد اسلامی به بازداشتگاه خیابان وزرا برده شد که «دچار عارضه قلبی» شده و پس از دو روز «روی تخت بیمارستان» جان باخته است. آنها نه به شیوه خشونت‌بار و ضرب و جرح هنگام بازداشت مهسا که از سوی برادرش و شاهدان عینی گزارش شده اشاره می‌کنند و نه به علت به گما رفتن و روی تخت بیمارستان بودن این دختر جوان می‌پردازند که طی سه روز جان باخت و زندگی خانواده‌اش را با سوگ بی‌پایان ویران کرد. در این میان جریان اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی نیز در پی استفاده از موج خشم عمومی مردم نسبت به قتل مهسا



و بدبینانه به دیگران و سختگیرانه درباره جامعه» توصیف کرده است.

«حزب اتحاد ملت ایران» نیز با انتشار بیانیه‌ای از گشت ارشاد اسلامی با عنوان «پلیس غیراخلاقی و تنش آفرین» نام برده و خواستار «برچیده شدن بساط آن» شد.

اینهمه اظهار نظر درباره «گشت ارشاد اسلامی» در حالیست که یک گشت و گذار در اینترنت مجموعه‌ای از عکس‌های این گشت سرکوبگر و ضدزن و مخل آسایش جامعه را در دولت‌های اصلاحات و مورد حمایت اصلاح‌طلبان به نمایش می‌گذارد!

حالا نیز انتقاد سازمانیافته و هدم‌فند اصلاح‌طلبان برای «برچیده شدن» گشت ارشاد اسلامی حتی به معنای پوشش اختیاری هم نیست بلکه «مطالبه» شان این است که یا گشت ارشاد اسلامی «مهربان» باشد و یا منحل شده و در قالب دیگری به کنترل مردم بپردازد بطوری که نظام آسیب نبیند! توصیه‌ی اصلاح‌طلبان در سرکوب مردم همواره این بوده که باید «غیرمحسوس» و پنهان باشد تا آشکارا به نظام ضربه نخورد و آنها مجبور به ماله‌کشی و «علاج» نشوند!

اشتراک هدف سازمانیافته‌ی جریان اصولگرا در «وعده به پیگیری» و جریان اصلاح‌طلب در «جهاد تبیین» برای «جمع کردن گشت ارشاد اسلامی» جهت مدیریت خشم عمومی کاملاً مشهود است.

اینهمه در حالیست که مردم چه شامگاه گذشته در تهران و چه امروز در سقز نشان داده‌اند خط اعتراضی آنها همان مسیری است که از دی‌ماه ۹۶ با «نه به جمهوری اسلامی» و «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه همومه ماچرا» آغاز شده. منتها به نظر می‌رسد در این نبرد به شدت نابرابر هنوز هم باید جان‌هایی قربانی شوند که فقط به دنبال یک زندگی عادی و حقوق بنیادی خود در امنیت و بدون سایه سنگین و خونبار جمهوری اسلامی هستند.

این مسئولیت را به ابزار رقابت جناحی تبدیل کرده و فقط متوجه دولت رئیسی می‌کنند. انگار در دولت‌های مربوط به خودشان زنان و جامعه امنیت داشته‌اند! قتل حکومتی و اعدام و ترور و خشونت و سرکوب زنان و همه قشرهای جامعه در تمام دولت‌های جمهوری اسلامی با همه رؤسای جمهورش از خمینی تا امروز ادامه داشته است.

همانطور که برای نمونه در توثیق آذر منصوری عضو شورای مشاوران محمد خاتمی و دبیرکل «جبهه مشارکت اسلامی» مشخص است، او و هم‌اندیشانش تلاش دارند حقوق اساسی مردم را نادیده گرفته و آن را به «مطالبه» برای «جمع کردن گشت ارشاد» محدود کنند.

عباس عبیدی نیز از دیگر اصلاح‌طلبانی است که بطور سازمانیافته تلاش در هدایت افکار عمومی و مخاطبانش در توثیق دارد. او نیز در توثیق‌های انتقادی تلاش کرده موضوع ناکارآمدی و جنایات جمهوری اسلامی را به کمی شل کردن حجاب اجباری و شیوه مدیریت دولت رئیسی کاهش دهد. طاهره طالقانی دختر آیت‌الله محمود طالقانی هم در توثیقی نوشته است: «از این ظلمی که به مردم‌مان می‌رود پدرم به تو شکایت آورده‌ام! آن روز که پشت دوربین تلویزیون از حجاب اختیاری گفتم، اگر این صحنه قتل مهسا امینی را تصور می‌شدی، یقیناً از خشم عمامه به زمین می‌گوفتی!»

آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله بیات زنجانی دو آخوند نزدیک به جریان اصلاح‌طلب نیز با انتشار بیانیه‌هایی از بازداشت مهسا امینی توسط گشت ارشاد اسلامی و مرگ وی در پی ضرب و جرح انتقاد کرده‌اند.

آیت‌الله مصطفی محقق داماد روز جمعه با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد که قدرت حاکم نمی‌تواند با به کار گرفتن افراد ناآگاه و دادن لقب ارشاد و مرشد به آنان موجبات سلب آسایش گردد. وی در ادامه گفته: «تشکیل نهاد امر به معروف و نهی از

## پایان کار محمود

در بازگشت از لشکرکشی ناموفق به یزد، خشم خونریز محمود با جنون توأم شد. او دیگر قدرت خویشتنداری نداشت. خود را از حل و عقد مشکلات روزافزون مملکتنداری ناتوان می‌یافت و چون اهل تدبیر نبود بر خشونت می‌افزود. در همین احوال، فرار یکی از شاهزادگان که خود را به کوههای بختیاری رسانده و علم طغیان برافراشته بود، محمود را به واکنشی جنون‌آمیز واداشت. با آن که در قول و قرارهایش با سلطان حسین، شاهزادگان صفوی را امان داده و پذیرفته بود که آنها به زندگی در محدوده حرمسرا و کاخ سلطنتی ادامه دهند، شبی پس از صرف شام دستور داد همگی را در یکی از حیاط‌های قصر گردآورند. در میان این عده که تعدادشان به صد و پنجاه تن می‌رسید از عموهای سالخورده شاه سلطان حسین تا فرزندان خردسال او دیده می‌شدند. ابتدا دست آنان را از پشت بستند و سپس، محمود در حالی که دو تن سپاهی شمشیر به‌دست او را یاری می‌کردند مانند گرگی در گله گوسفندان به جانشان افتاد. شاه سلطان حسین که از ماجرا خردار شده بود خود را به قتلگاه رسانید و خواست مانع ادامه کشتار شود اما پاسداران او را از مداخله بازداشتند. پادشاه نگویند به چشم خود شاهد قتل عام فرزندان و بستگانش بود و تنها دوکوک خردسال او که به سویش دویده و خود را در آغوش وی جای داده بودند از آن حمام خون جان به بردند.

اکنون دیگر محمود به یک هیولای ترساننده تبدیل شده بود. اطرافیانش از او وحشت داشتند و او نیز به آنها بدگمان بود. بر اثر عقاید خرافی که داشت تصور می‌کرد الطاف الهی دیگر شامل حالش نیست و از امدادهای غیبی در غلبه بر دشمنان برخوردار نمی‌شود. این اوها، مشاعر او را بیش از پیش آشفته می‌ساخت. طیبیان از درمان زنجهای او که ریشه روانی و عصبی داشت عاجز ماندند. ناگزیر به معالجاتی از نوع دیگر روی آورد. به وی گفته شد آرامنه جلفا با «انجیل سرخ» بیمارار را شفا می‌بخشند. انجیل سرخ مراسمی بود که توسط کشیشان صورت می‌گرفت. محمود، با آن که مسلمانی متعصب بود، بدان رضا داد. در روز موعود، او را در یکی از تالارهای عالی‌قاپو بر کرسی نشاندند و گروهی از کشیشان، در حالی که جامه سرخ‌رنگ بر تن و شمعیهای بزرگ در دست داشتند وارد شدند، گرد بیمار چرخ زدند، آیه‌هایی از انجیل تلاوت کردند و مراسمی شبیه راندن شیاطین و ارواح خبیثه به‌جای آوردند. جلسه ناشی از این مراسم و شاید هم تأثیر روانی آن، کارگر افتاد. چند روزی محمود احساس آرامش می‌کرد. کشیشان را پادشاه بخشید و قول داد که هرآینه بهبود کامل حاصل کند آنچه را از اهالی جلفا غرامت گرفته است بدناها بازگرداند.

اما این بهبود موقتی بود. چیزی نگذشت که بیماری را شدت بیشتری به او روی آورد. این بار، محمود به چله‌نشینی و ریاضت‌کشی متوسل شد. قبایل افغان که در مجاورت هند به‌سر می‌بردند تحت تأثیر سنن و آداب هندیان، به این نوع معالجه عقیده داشتند.

محمود به دخمه‌ای رفت و در به روی خود بست و چهل شبانه‌روز، همانند مرتاضان، سر درگریبان فرو برد و از آب و غذا پرهیز کرد. چله‌نشینی اما به‌جای آن که او را شفا بخشد بر جنونش افزود. هنگامی که از دخمه بیرون آمد به شبی رنگ‌پریده می‌مانست. یاری تکلم نداشت. قوای جسمی او به‌کلی تحلیل رفته و عقلش یکسره زائل شده بود. به در و دیوار سلام می‌داد و رفتارش با کسانی که بر سر راهش قرار می‌گرفتند از عقل‌باختگی او حکایت می‌کرد. اطرافیانش، برای

## کالبدشکافی یک طغیان (۱۸)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار

خان بیمار و دیوانه شده و نزدیک به هلاکت می‌باشد. آمده‌ام ترا از محبس نجات بدهم و بر مسند پادشاهی بنشانم. جواب گفت که من با کون برهنه در این حمام مانده‌ام، تو چگونه مرا نجات خواهی داد؟ امیر محمد سمیع مذکور، شال از کمر خود و از کمر ملازمهای خود گشوده و بر سر هم بست و از بالا به زیر فرود نمود. اشرف سلطان دست بر آن گرفته وی را بالا کشیدند و آمدند تا سر پل ماریانان و شخصی را از یابو پیاده کردند و او را سوار نمودند و آمدند تا به سرای جهانشاهی که آن را چهار حوض می‌نامند. در گوشه آن خانه که متصل به در بازار است راهی است که از آن راه به اندرون خانه شهنشاهی آمد و شد می‌نمایند. از آن راه اشرف سلطان را از روی دست



و شانه بالا نمودند و خود از عقبش روانه گردیدند و او را راهنمایی کردند تا آن حجره فوقانی که محمودخان بر بستر بیماری در آن خوابیده بود. چند نفر گماشته پرسیدند کجا می‌روید؟ گفتند محمودخان ما را طلب نموده. آمدند تا به در حجره رسیدند و داخل شدند و اشرف سلطان با ادب و تعظیم به والاحاج محمودخان سر فرود آورد و سلام نمود. محمود خان جواب سلامش داد و از روی خشم و عتاب فرمود: ای سگ از برای چه به اینجا آمده‌ای؟ عرض نمود آمده‌ام به عیادت تو. فرمود می‌دانم از برای چه آمده‌ای.

امیر محمد سمیع کارخانه آقاسی گنجعلی خانی به خدمت اشرف سلطان عرض نمود که کار را باید مختصر نمود و نازبالش را از زیر سر والاحاج محمودخان کشید و بر روی دهان وی نهاد و به اشرف سلطان عرض نمود که بر روی آن بنشین. وی بر روی آن نشست و نفس والاحاج محمودخان از نقبه سفلی بیرون جست و به آن مکانی که بایست نزول نماید نزول نمود. الماس نام غلام محمودخان که در آن وقت سرکشیچی باشی بود چون از این داستان آگاه شد اندک‌های و هویی کرد و چون دانست که کار از کار گذشت، آرام یافت.

کروسینسکی و برخی دیگر از مورخان نوشته‌اند سرکردگان افغان، پس از گفتگوهای محرمانه بین خودشان، در خصوص جانشینی اشرف به‌توافق رسیدند و سربازان مأمور شدند او را از بند برهانند. ابدالیهایی که اشرف را تحت نظر داشتند مختصر مقاومتی نشان دادند ولی فایده نداشت. اشرف آزاد شد اما پذیرفت تاج و تخت را موکول به آن کرد که سر محمود را بیاورند و به پایش اندازند. محرک او در این اقدام، خونخواهی پدر بود. محمود تیره‌بخت را که چیزی به پایان عمرش باقی مانده بود سر بریدند و سرش را به پای تاجدار جدید انداختند. محمود به‌هنگام مرگ بیست و شش سال داشت.

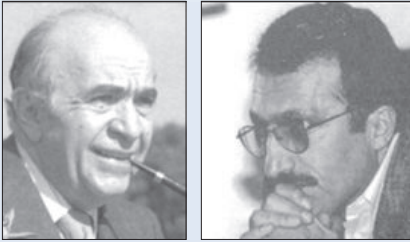
در شماره آینده: تاجداری اشرف

پنهان داشت جنون محمود، شهرت دادند که او بر اثر ریاضت صاحب کرامات شده و با عالم ارواح رابطه برقرار کرده است. به‌فاصله دو ماه، بیماری محمود چنان شدت یافت که دیگر قابل کتمان نبود. به‌روایت کروسینسکی «گاه مانند مستان فریاد و فغان سر می‌داد بطوری که ندیمان از اطرافش می‌گریختند. دیوانگی او به جایی رسید که از ضبط و ربطش عاجز شدند. ناچار در اتاقی محبوسش کردند و درها به رویش بستند. چند روزی نه خورد، نه آشامید و نه خفت. فلج یا آن گونه که بعضی گفته‌اند جذام نیز به‌سرغاش آمد. بدنش از زخمها پوشیده شد. پوست و گوشتش گندیدن گرفت. چنان دردی در شکمش پدید آمد که فریادش را به آسمان می‌رساند. گوشت و پوست خود را به دندان می‌درید و مدفوع خود را می‌خورد...»

سرداران محمود وقتی از بهبود وی نومید شدند به فکر افتادند جانشینی برایش بیابند. برادرش حسین، والی قندهار بود. خبر کردن او و آوردنش به اصفهان طول می‌کشید. در آن شرایط تنها کسی که می‌توانستند بر جای محمود بنشانند پسر عم و شوهر خواهرش اشرف بود.

روایات درباره چگونگی به قدرت رسیدن اشرف و مرگ محمود مختلف است. «ستم‌التواریخ» از این رویداد، که در هر حال به‌دنبال یک موضعه صورت گرفت، روایتی چنین به‌دست می‌دهد: «والاحاج، محمودخان غلجه‌ای بیمار شده و مواد فاسده سوداوی متوجه دماغش شده و اختلالی در عقلش به‌هم رسیده و بر فراش بیماری خوابیده و چنان دیوانه شد که فضله خود را میل می‌فرمود. و چون امیر محمد سمیع کارخانه آقاسی از این داستان اطلاع یافت نظر به شیوه تمک به حلالی که اشرف خان وی را از کشتن نجات داده بود و کمال احسان به وی نموده بود با دو نفر ملازمهای خود رفت بر بالای بام حمام فرح‌آباد و آواز داد که ای اشرف سلطان، من چاکر تمک به حلال تو محمد سمیع می‌باشم. بدان که محمود

## معمای به نام هویدا (۲)



نوشته دکتر عباس میلانی

## خمینی گفت این اعدامها ضرورت دارد!

بنی صدر: باور می کردم پیرمرد چنین چیزی بگوید

حاج مهدی عراقی که به اتهام شرکت در قتل منصور چهارده سال

در زندان قصر به سر می برد زندانبان هویدا شد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره های ۸۷۷-۸۶۱)

بازنشر

فردگاه، که در نتیجه آن بازگشت خمینی به ایران نامیسر شده بود، نکوهیده بود. خمینی پیام خود را با ذکر این نکته پایان می برد که «ترجیح می دهد راه حل مسالمت آمیزی برای مسأله پیدا کند». به هرحال، به گفته آیت الله، اعدامها برای تکذیب این شایعات ضرورت پیدا کرده بود. به علاوه خمینی گفته بود که شب قبل، وقتی تیمسار نصیری را در تلویزیون نشان داده بودند، او با حرکات دست، برای

ایران، برکنارکرد. بنی صدر از بیم جان از ایران گریخت. اما در آن روز نخستین اعدامها در مدرسه رفاه، بنی صدر به مصاف پدر انقلاب رفت و از کم و کیف اعدامها و چگونگی کار دادگاه آن چهار امیر مقتول جويا شد. به روایت بنی صدر، پاسخ آیت الله خمینی حیرت آور بود: می گفت اعدامها ضروری اند چون گروه های دست چپی در شهر اعلامیه هایی دال بر وجود توافقیایی محرمانه میان

دکتر عباس میلانی برای نوشتن کتابی که با عنوان «معمای هویدا» انتشار یافته، شش سال وقت صرف کرده و با بسیاری از کسانی که امیرعباس هویدا را از نزدیک می شناختند به گفت و گو نشسته است. این کتاب، شخصیت هویدا را از زوایای مختلف مورد ملاحظه قرار می دهد. کتاب، با گزارشی از وضع نخست وزیر پیشین در زندان انقلاب آغاز می شود و سپس به شرح زندگانی وی از تولد تا مرگ می پردازد.

وقتی از منظر امروزی به آن تصاویر شنیع مرگ زده باز می نگریم، وقتی می بینیم چاپ آنها تا چه حد در آن روزها در روزنامه های رسمی رایج شده بود، آن گاه به گمانم در می یابیم که حضورشان درواقع تمثیلی گویا و غم انگیز از موجی به شمارمی آمد که «قهر انقلابی» به راه انداخته بود. آن روزها، متاسفانه بیش و کم تمامی نیروهای مذهبی و غیرمذهبی جامعه، حتی بسیاری از شخصیتها و سازمانهای میانه رو، این اعدامها را به سان نشانی از عدالت برحق و قاطعانه انقلابی ستودند. دیری نپائید که البته خود نیز قربانی موج تازه ای از این قهر شدند.

در این دادگاهها نه هیأت منصفه ای در کار بود، نه وکیل مدافعی، حق استیناف هم محلی از اعراب نداشت. می گفتند دادگاههای انقلابی خطاناپذیرند. آنان را که «مفسد فی الارض» می شناختند، بی لحظه ای تاخیر به جوخه مرگ می سپردند. وقتی مطبوعات غربی کار این دادگاهها و موج اعدامها را به باد انتقاد گرفتند، آیت الله خمینی پاسخی داد که در آن واحد هم سرکش بود و هم نشان می داد که نزد او آن چه در بیش و کم همه جهان، مراحل متعارف روال رسیدگی قانونی به جرایم شناخته می شود، چندان محل اعتنا نیست. می گفت پیروزی انقلاب ما خود مهمترین مدرک گناه این زندانبان است. می گفت تنها قدم لازم برای دادگاه «احراز هویت» این متهمان است. می گفت گناهی است نابخشودنی اگر بگذاریم اینان حتی برای لحظه ای به حیات گناه آلودشان ادامه دهند.

بنی صدر که آن روزها در نشریات گوناگون، از «عدل اسلامی» داد سخن می داد، خبراعدامها را نخست از رادیو شنید. هویدا هم در آن روزها در مدرسه رفاه بود و بی گمان صدای خوف انگیز جوخه های اعدام را می شنید. بنی صدر می گوید به محض شنیدن خبر اعدامها برای رویارویی با مرشد و مرادش، به مدرسه رفاه بازگشت. از سالها پیش رابطه پرمهری با آیت الله خمینی داشت و این نخستین برخورد تندشان بود. بنی صدر، در حالی که هنوز پس از بیست سال، ته رنگی از تلخکامی دلرحن صدايش باقی بود گفت: «باور می کردم پیرمرد این طور به من بگوید». در فاصله کمتر از یک سال از آغاز اعدامها، رابطه این دو حتی تیره تر شد. سرانجام رهبر هفتاد ساله انقلاب بنی صدر جوان را از مقامش به عنوان نخستین رئیس جمهور منتخب ملت



بیکراهی تیرباران شده سرلشکر خسرو داد، سپهبد رحیمی، سرلشکر ناجی و ارتشبد نصیری در سردخانه

عمل ساواک پیام محرمانه فرستاده و دستور آغاز مبارزات تروریستی علیه نظام جدید را صادر کرده بود! اندکی پس از این گفتگو، در نتیجه فشارهای بین المللی و نیز تلاشهای مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، کار دادگاههای انقلاب متوقف شد. دولت نوید داد که از این پس، فعالیتهای دادگاه براساس دستورالعملهایی جدید استوار خواهد شد. محاکمه هویدا بدین سان به تعویق افتاد. به نظر می رسید که بخت یارش شده بود. جانش، دست کم برای مدتی، نجات یافته بود.

وقتی پس از چند روز او را از مدرسه رفاه به زندان قصر منتقل کردند، خانواده او این تحولات را به فال نیک گرفتند. حتی دل خوش کردند که او شاید از این مهلکه جان ←

دولت اسلامی و دولت آمریکا پخش کرده اند. چپی ها مدعی شده بودند که دولت آمریکا در مقابل قول به رسمیت شناختن رژیم جدید، خواسته است که دولت اسلامی هم امنیت و سلامت صد نفر از سران رژیم پهلوی را تضمین کند. از قضا، در اسنادی که اخیرا از سوی دولت آمریکا منتشر شده، شواهدی غیر مستقیم دال بر وجود يك توافق ضمنی سراغ می توان کرد. در یکی از این اسناد آمده که: در ۲۷ ژانویه (۱۹۷۹) خمینی پیامی محرمانه به دولت آمریکا فرستاد و در آن پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از فاجعه، آمریکا از ارتش ایران و بختیار بخواهد که از دخالت در امور سیاسی ایران دست بردارند. خمینی نه تنها مداخلات این دو را نامشروع خوانده بود، بلکه هردو را به خاطر بستن

سام به در پرد.

**در قصر فجر**

ریشه های تاریخی غریبی هویدا را به محبس جدیدش وصل می کرد و او قاعدتا دست کم از برخی ابعاد آن نیک آگاه بود. نام زندان قصر، برخلاف ظاهر، دینی به کافکا نداشت. وجه تسمیه اش واقعیتی تاریخی دارد. شاهان قاجار آن را در سده سیزدهم به عنوان تفرجگاهی تابستانی بنا کرده بودند. قاجاریه به مدت ۱۲۸ سال بر ایران حکومت کردند و سرانجام در شهریور ۱۳۰۴، افسری پرجذبه از صف قزاقان که رضا خان نام داشت، بساط دودمانشان را برانداخت. رضاخان خود را پس از چندی شاه اعلام کرد و دودمان پهلوی را پی ریخت. در این کار، آنچنان که از کتاب پر بار سیروس غنی بر می آید، انگلیسیها، با بی رغبتی تمام، هم پیمان و مددکار او شدند.

در اوایل سلطنت رضا شاه، قصر به زندان بدل شد. طولی نکشید که با ساختن بناهای جدید، قصر تجسم کامل معماری ناهموخوان و ناهنجار از آب درآمد. سردرهای زیبا و گچ کاریهای مذهب آن را سالها بی توجهی از رونق و جلا انداخته بود. راهروهای قدیمی اش با آجرهایی خوش رنگ

حیاط زندان شده بودند که ناگهان چند نگهبان، مسلسل کلاشینکف به دست، بالحنی تهدید آمیز به سراغشان آمدند؛ گفتند حق مصاحبه ندارند و آنان را از محوطه زندان بیرون راندند. آن روزها تهران شهری انقلاب زده بود و به سان دیگر شهرهای انقلابی، قدرت مرکزی درکار نبود. هرکس به شرط آن که مسلسلی داشت، می توانست فرامین بالاترین مقامات سیاسی کشور را هم نادیده بگیرد.

حتی در هشتم فروردین، یعنی بار دومی که خبرنگاران فرانسوی به زندان مراجعه کردند، کماکان در آغاز با مخالفت و مقاومت برخی نگهبانان رو به رو شدند. این دسته، مخالف هرگونه مصاحبه با هویدا بودند. این بار، به اصرار خبرنگاران بالاخره با دفتر بنی صدر تماس برقرار شد پس از مذاکرات و گفتگوهایی مفصل، و پس از بازرسی بدنی مجدد، گروه فرانسوی همراه دادستان و رئیس زندان وارد سلول هویدا شدند.

رئیس زندان، حاج مهدی عراقی بود. به خاطر نقشش در ترور منصور در سال ۱۳۴۴، چهارده سال را در زندان گذرانده بود. بارها به روزنامه نگاران یادآوری می کرد که او هم روزی زندانی سیاسی بوده است. دادستان وقت دادگاه انقلاب که همراه گروه وارد اتاق شد، حاج آقا هادوی نام داشت. صورتش را بیماری پوستی ظاهرا خطرناکی پرلک و پیس کرده بود و دنظر مخالفانش به او هیأتی خوف انگیز می داد. بعد از ترک زندان خبرنگاران فرانسوی با خود از شباهت هادوی به فوکیه تانویل صحبت کردند که از خوف انگیزترین دادستانهای دادگاههای خشن و خونبار انقلاب فرانسه بود.

هویدا که حتی در زندان هم مبادی آداب بود به يك يك اعضای گروه شش نفری به زبانهای فرانسه و فارسی سلام و خوش آمد گفت. اُکرائنت. بر سیبل مقدمه گفت: «ما خبرنگاران فرانسوی هستیم. اجازه گرفته ایم با شما مصاحبه کنیم. در فرانسه خیلی ها نگران وضع شما هستند.» لبخند تلخی برلبان هویدا نقش بست و گفت: «فرانسه... پس در فرانسه هنور مرا از یاد نبرده اند.»

طولی نکشید که مراجعین همه روی زمین سلول کوچک مستطیل شکل هویدا، در بند بیمارستان زندان قصر، مستقر شدند. اما پیش از آغاز مصاحبه، قواعد کار مورد مذاکره قرار گرفت. دادستان و زندانبان مایل نبودند زندانی و روزنامه نگاران به طور مستقیم و به زبان فرانسه گفتگو کنند. آنها اصولا به روزنامه نگاران خارجی اعتمادی نداشتند. مطبوعات غربی را بخشی از دولتهای غربی، و عامل طرحهای شیطانی و خطرناک این دولتها می دانستند. نگران بودند که درمصاحبه ای به زبان فرانسه چه بسا که پیامهایی سری میان هویدا و هواداران غربی اش ردو بدل می توانست شد. هیچ کدامشان کلمه ای فرانسه نمی دانستند و همین واقعیت برنگرانی شان می افزود. به علاوه آنها از همان آغازم با تقس این مصاحبه مخالف بودند. گمان داشتند حتما کاسه ای زیرنیم کاسه هست، وگرنه چرا هیچ روزنامه نگار خارجی در روزگار پیشین، وقتی خود آنها زندانی بودند، رغبتی به ملاقاتشان نشان نداده بود.

البته مشکل کار فقط ناآشنایی دادستان و زندانبان با زبان فرانسه نبود.

**دنباله دارد**

عصر روزی سرد در اوایل فروردین ۱۳۵۸ بود. يك هفته از نوروز می گذشت. ناگهان در سلول انفرادی هویدا در زندان قصر باز شد. شش نفر در آستانه درایستاده بودند. دو نفرشان خبرنگاران فرانسوی بودند، یکی «ژان لو روریه» نام داشت و دیگری «کریستین اُکرائنت». کار دوربین و فیلمبرداری را فرانسوی دیگری به نام «ژان کلود لویا» به عهده داشت. خانم ایرانی جوانی به نام لادن برومند مترجم گروه بود. به علاوه، رئیس زندان و دادستان انقلاب هم همراه گروه بودند. اُکرائنت کوشیده بود این دو مقام دولتی را از شرکت در مصاحبه برحذر دارد. گفته بود حضور آنان خلاف نص صریح قرارداد ژنو است. اما تذکرات اُکرائنت آن دو مقام را متقاعد نکرد. در عین حال، برای اُکرائنت هم انجام این مصاحبه درحکم مهمترین موفقیت حرفه ای روزنامه نگاری اش بود. دل نداشت که جزئیات دست و پاگیر قانونی از چنین کامیابی بازش دارد.

در حقیقت تلاش او و همکارانش برای انجام این مصاحبه از حدود سه هفته پیش آغاز شده بود. به تهران آمده بودند تا فیلمی مستند درباره انقلاب تهیه کنند. به قول اُکرائنت می خواستند فیلمی بسازند که در آن «از اندیشه های قالبی


**بیکر هویدا در سردخانه**

و پیش داورپهای رایج غربی» نشانی نتوان یافت. بنا بود فیلم را برمحورمصاحبه با هویدا استوارکنند. اما جمله تلاشهایشان دراین راه بی ثمر ماند. مردان قدرت همه بر این قول بودند که انجام چنین مصاحبه ای یکسره نامیسراست. گویا تنها کسی که قول همکاری داد بنی صدر بود. با اتکا به قول او، خبرنگاران فرانسوی راهی زندان قصر شدند. از بازرسی بدنی اول که نزدیک در ورودی زندان صورت گرفت با موفقیت گذشتند. تازه وارد صحن

مفروش بود. حوض شکلی، چون دانه ای جواهر در دل باغ می نشست و اینها همه از روزگار پرعشرت گذشته این ساختمان حکایت می کرد. در مقابل، بخشهای جدیدش یکسره از زیبایی تهی بود. تنها برای جا دادن امواج تازه ای از مجرمان و مخالفان رژیم رضاشاه، بنا شده بود. این دو وجه متباین ساختمانهای قصر با یکدیگر تضاد و تعارضی چشمگیر داشتند. به علاوه بعضی از زندانبانان امروز هویدا تا دیروز خود زندانی قصر بودند.

# خاکسپاری مهسا امینی با سرکوب مسلحانه شهروندان؛ «ژینا جان تو همی میری، نامت یک نماد می شود»



● مراسم خاکسپاری مهسا امینی روز شنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۱ در آرامستان آیچی سقز با تدابیر شدید امنیتی و نظامی برگزار و در نهایت با سرکوب شرکت‌کنندگان خشمگین و سوگوار همراه شد.

● این مراسم با حضور صدها تن از شهروندان سوگوار خشمگین و معترض علیه حکومت برگزار شد. در این مراسم همچنین شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای سر داده شد.

● نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در کمال گستاخی و بی‌شرمی در مراسم خاکسپاری مهسا امینی نیز به سمت مردم معترض تیراندازی و گاز اشک‌آور پرتاب کردند. تعدادی از مردم شرکت‌کننده در این مراسم زخمی شدند. شبکه‌های اجتماعی روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده تا کنون دو نوجوان بر اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای زخمی شده و با آمبولانس به بیمارستان سقز منتقل شده‌اند.

● پیکر مهسا (ژینا) امینی که بر اثر جراحات ناشی از ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد اسلامی کشته شد، امروز شنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۱ در آرامستان آیچی سقز به خاک سپرده شد. خاکسپاری این زن جوان ۲۲ ساله با حضور پرشمار شهروندان و با شعارهایی علیه جمهوری اسلامی برگزار گشت. نیروهای امنیتی و انتظامی در این مراسم نیز اقدام به شلیک گلوله و گاز اشک‌آور و سرکوب معترضان کرده و عده‌ای را بازداشت نمودند. مراسم خاکسپاری مهسا امینی روز شنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۱ در آرامستان آیچی سقز با تدابیر شدید امنیتی و نظامی برگزار و در نهایت با سرکوب شرکت‌کنندگان خشمگین و سوگوار همراه شد.

خانواده مهسا امینی در برابر خواسته مقامات امنیتی برای برگزاری این مراسم در سپیده‌دم شنبه مقاومت کردند و شماری از شهروندان با تجمع در آرامستان از برگزاری اجباری مراسم توسط مقامات حکومتی جلوگیری کرده و گفتند تا ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه مراسم تدفین و خاکسپاری را برگزار نخواهند کرد. این مراسم با حضور صدها تن از شهروندان سوگوار خشمگین و معترض علیه حکومت برگزار شد. در این مراسم همچنین شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای سر داده شد.

«حکومت اعدام، دست از جنایت‌هایت بردار»، «مردن برای روسری، تا کی چنین خاک بر سری»، «مرگ بر دیکتاتور» و «ننگ ما ننگ ما رهبر الدنگ ما» از جمله شعارهای معترضان بود. تصویر منتشر شده از مزار مهسا (ژینا) امینی در سقز نشان می‌دهد روی سنگی بالای مزار به گردی عبارت «ژینا جان تو همی میری، نامت یک نماد می‌شود» نوشته شده است.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در کمال گستاخی و بی‌شرمی در مراسم خاکسپاری مهسا امینی نیز به سمت مردم معترض تیراندازی و گاز اشک‌آور پرتاب کردند. تعدادی از مردم شرکت‌کننده در این مراسم زخمی شدند. شبکه‌های اجتماعی روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده تا کنون دو نوجوان بر اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای زخمی شده و با آمبولانس به بیمارستان سقز منتقل شده‌اند. همچنین شماری از شهروندان در اعتراض به سرکوب مردم سوگوار و معترض در مراسم خاکسپاری مهسا امینی در مقابل فرمانداری سقز تجمع کردند.

● شهروندان در تهران نیز شب گذشته با تجمع از جمله در حوالی میدان آرژانتین شعار «قسم به خون مهسا، ایران می‌گردد آزاد»، «خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله»، «از کردستان تا تهران ستم علیه زنان» و «می‌کشم می‌کشم، هرآنکه خواهرم کشت» سر دادند.

در همین حال، فیلم‌های منتشر شده حاکی از بازداشت برخی از تجمع‌کنندگان همراه با برخورد خشن است. لیلا میرغفاری و زانبار محمدنژاد دو فعال مدنی از جمله افرادی هستند که شب گذشته در مقابل بیمارستان «کسری» بازداشت و به پلیس امنیت تهران منتقل شدند. از سوی دیگر، گروهی از زنان در یک تجمع شبانه با برداشت روسری‌های خود خطاب به مأموران شعار «بی‌شرف داعشی» سر دادند.

مهسا امینی زن جوان ۲۲ ساله اهل سقز که به تهران سفر کرده بود، روز سه‌شنبه هفته گذشته در ایستگاه مترو «حقانی» توسط مأموران پلیس امنیت اخلاقی بازداشت شد. ساعاتی بعد پیکر نیمه‌جان وی از بازداشتگاه به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «کسری» تهران منتقل گشت و نهایتاً روز جمعه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۱ پس از سه روز گما در این بیمارستان جان باخت.

مأموران به کپارش برادر مهسا گفته‌اند، این دستگیری برای حضور در «کلاس توجیهی» است. پس از دو ساعت از بازداشت ولی کپارش از پشت درهای بسته پلیس امنیت اخلاقی متوجه می‌شود که خواهرش به گما رفته و او را با ماشین آمبولانس از ساختمان وزرا خارج کرده‌اند.

او گفته است: «پشت در ساختمان پلیس امنیت اخلاقی ایستاده بودم. ناگهان صدای جیغ و داد بلند شد. همه در ساختمان را می‌کوبیدیم. از در بالا رفتیم. اما در را باز نکردند. پنج دقیقه بعد یک آمبولانس از ساختمان خارج شد. هر دختری که بیرون می‌آمد می‌گفت که یک نفر را کشتند. عکس مهسا را به دخترها نشان می‌دادم. از میان آنها یک نفر گفت

که مهسا در بغل خودش این مسئله برایش پیش آمد». در شبکه‌های اجتماعی برخی از پزشکان در توثیباتی با بررسی تصویر مهسا امینی بر تخت بیمارستان، احتمال شکستگی قاعده جمجمه بر اثر ضربه به ناحیه سر را داده‌اند و علائم تأییدکننده آن را خونریزی و تورم گوش مهسا و همچنین خونمردگی زیر چشم ذکر کرده‌اند. یک پزشک در این رابطه نوشته است، «در سکتة مغزی، اتورژی (خونریزی از گوش) دیده نمی‌شود.»

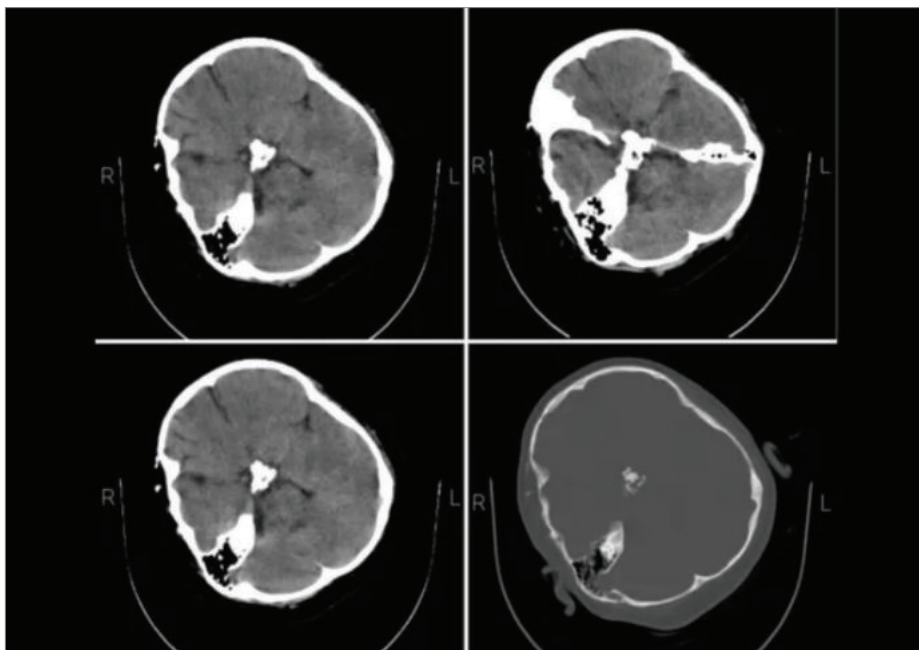
● جمهوری اسلامی اما مدعی شده هیچ برخورد فیزیکی با مهسا رخ نداده و او دچار «عارضه قلبی» شده است. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران «در خصوص بدحالی خانگی در مقر پلیس» اعلام کرده است: «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت شده بطور ناگهانی دچار عارضه قلبی شد!» رسانه‌های حکومتی همچنین ساعاتی پس از درگذشت مهسا نیز یک ویدئوی کوتاه بریده شده و بدون تاریخ و ساعت را به عنوان ویدئوی دوربین مداربسته منتشر کردند که در آن حضور مهسا در ساختمان از ساعاتی که هوا روشن بوده تا تاریخ شده مشخص است و البته لحظه‌ای کوتاه پس از آنکه یکی از زنان پلیس گشت ارشاد اسلامی او را لمس و لباس‌هایش را سرزنش می‌کرد نقش بر زمین شد. در حالی که «مهسا» در این ویدئو مانتویی گشاد و بلند و پوشیده با شلوار و روسری داشت! با این لباس معلوم نیست چرا وی را اصلاً دستگیر کرده‌اند!

● نزدیکان مهسا امینی اما برخلاف ادعاهای مقامات مسئول و ویدئوی بی‌سر و ته و بدون تاریخ و ساعت دوربین مداربسته، تأکید دارند برخورد فیزیکی و ضرب و جرح با او هنگام بازداشت و در مقابل چشم برادر و حاضران در صحنه رخ داده و خرابی‌هایی نیز از تداوم ضرب و جرح تا هنگام انتقال به سالن عمومی منتشر شده. اما هیچ ویدئویی از این لحظات از سوی حکومت منتشر نشده است.

● کشته شدن مهسا امینی پس از دستگیری توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی در تهران و انتقال به «پلیس امنیت» خشم شدید و واکنش منفی بسیار گسترده در افکار عمومی ایران و جهان را به دنبال داشته که همچنان ادامه دارد. این دستگیری و قتل بازتاب گسترده در رسانه‌های بین‌المللی نیز داشته است.

● هشتگ #مهسا امینی در توییتر ترند شده و شمار زیادی از هنرمندان، ورزشکاران و شخصیت‌های سیاسی به قتل دلخراش او واکنش نشان داده و خشم و انزجار خود را از جمهوری اسلامی ابراز داشته‌اند.

# انتشار سی‌تی‌اسکن مهسا امینی؛ سوگ ملی، ادامه اعتراضات و اعتصاب بازاریان در شهرهای ایران



● تصاویر منتشر شده از سی‌تی‌اسکن، شکستگی جمجمه در سمت راست سر بر اثر ضربه و ترشحات و خون در ریه مهسا را ثابت می‌کند.

● اعتراضات به قتل حکومتی مهسا امینی به سومین روز کشیده شده و ایرانیان خارج از کشور نیز در چندین کشور تجمع کنند.

● شماری از بازاریان در بیش از ۱۰ شهر ایران امروز دوشنبه ۲۸ شهریور اعتصاب کرده و مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

● کانون صنفی معلمان، اتحادیه آزاد کارگران، کارگران نیشکر هفت تپه، کانون نویسندگان ایران و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه‌هایی قتل حکومتی مهسا امینی را محکوم کردند.

● گوگوش کنسرت شب گذشته در شهر فرانکفورت را به مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله‌ای که در بازداشت گشت ارشاد اسلامی کشته شد، تقدیم کرد و او را «دختر ایران» نامید.

● واکنش‌ها و اعتراضات داخلی و بین‌المللی در ارتباط با قتل حکومتی مهسا امینی ادامه دارد و بار دیگر خشم و اندوه انباشته‌شده‌ی ایرانیان در طول ۴۳ سال سرکوب خشن و بی‌امان به شدت برانگیخته شده است.

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی هرگونه ضرب و جرح و برخورد فیزیکی مأموران گشت ارشاد اسلامی و پلیس «امنیت اخلاقی» با مهسا (ژینا) امینی را تکذیب می‌کردند، انتشار تصاویر سی‌تی‌اسکن سر و ریه او نشان از شکستگی جمجمه و جمع شدن خون در ریه این دختر جوان دارد. همزمان با اعلام سوگ ملی، اعتراضات مردمی در پی قتل حکومتی مهسا امینی ادامه دارد و امروز بازاریان در چند شهر استان‌های غرب ایران اعتصاب کرده‌اند و فراخوان‌هایی برای برگزاری تجمعات اعتراضی از جمله در خارج کشور منتشر شده است. تلویزیون «ایران اینترنشنال» تصاویر اختصاصی از سی‌تی‌اسکن سر مهسا امینی را منتشر کرده که شکستگی جمجمه در سمت راست سر او بر اثر ضربه را ثابت می‌کند. در تصویر دیگری مربوط به سی‌تی‌اسکن ریه مهسا، ترشحات و خون در ریه او مشاهده شده که به گفته پزشکان ناشی از «ورود به گما در پی ضربه سنگین به سر» بوده است.

پیشتر پزشکان زیادی از ایران و خارج از ایران با انتشار مطالبی عنوان کرده بودند که کودی زیر چشم و ترشح خون از گوش وی که در تصاویر منتشر شده از او در بیمارستان در کما بطور واضح قابل مشاهده بوده نشان از ضربه مغزی و به احتمال زیاد شکستگی قاعده جمجمه دارد.

اکنون با انتشار تصاویر سی‌تی‌اسکن سر مهسا مشخص شده که ضربات محکم و متعددی به ناحیه پشت سر مهسا زده شده که منجر به شکستگی جمجمه، پاره شدن عروق و خونریزی مغزی شده است.

جمهوری اسلامی همه امکانات خود را به کار گرفته تا از یکسو برخورد فیزیکی و ضرب و جرح توسط پلیس گشت ارشاد اسلامی را هم در مورد مهسا و هم دیگر موارد انکار کند.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی با دفاع از بازداشت مهسا امینی گفته که «بازداشت بر اساس رویه قانونی انجام شده اما اینکه تخلفی در حین بازداشت انجام شده، تا کنون گزارشی از ضرب و شتم نداشتیم و مأموران گشت ارشاد «بانو» و در استخدام فراجا هستند و اصلاً وسیله ضرب و شتم و باتوم ندارند.»

تکانه‌دهنده مهسا بازتاب گسترده بین‌المللی نیز یافته است. اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی در پی قتل حکومتی مهسا امینی از نخستین ساعات پس از خاکسپاری او در روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ در شهر سقز آغاز شد. این اعتراضات با سرکوب مسلحانه نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی همراه بوده اما مردم اعتراضات خود را ادامه داده و با سنگ به دفاع از خود پرداختند.

بر اساس گزارش‌ها روز شنبه ۲۶ شهریور دست‌کم ۳۳ نفر در سقز با شلیک مستقیم نیروهای یگان ویژه مجروح شده‌اند که ۵ نفر از آنها به دلیل وخامت وضعیت جسمانی به مراکز درمانی تریز منتقل شده‌اند. پارسا صحت ۲۳ ساله، نجیروان معروفی ۱۸ ساله و کیان درخشان به همراه دو نفر دیگر که همگی از ناحیه چشم مجروح شده‌اند به دلیل وضعیت وخیم جسمانی به مراکز درمانی تریز منتقل شده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها در اعتراضات شامگاه شنبه در سنندج نیز دست‌کم ۵ شهروند معترض زخمی شده‌اند که سه نفر از آنها با سلاح ساچمه‌ای زخمی شده و ۲ نفر نیز که یکی از آنها یک دختر نوجوان ۱۴ ساله است در اثر ضرب و جرح و ضربات باتوم زخمی و در بیمارستان بستری شده‌اند. ده‌ها نفر نیز طی دو روز گذشته در سقز و سنندج بازداشت شدند که در میان بازداشت شدگان سه نوجوان زیر ۱۸ سال وجود دارند.

بهزاد رحیمی نماینده سقز در مجلس شورای اسلامی نیز زخمی شدن شماری از شهروندان را تأیید کرده و گفته تا کنون کسی در اعتراضات شهر سقز کشته نشده اما تعدادی زخمی شدند که یک نفر هم به دلیل اصابت چند ساچمه به روده‌هایش همچنان در بیمارستان سقز بستری است.

«مرگ بر دیکتاتور»، «نگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان» از جمله شعارهای سر داده شده در این اعتراضات است. شماری از زنان در اعتراضات سقز و سنندج با درآوردن روسری خود در اعتراضات حاضر شدند.

وزیر کشور دولت «قاضی مرگ» که خود از متهمان پرونده تروریستی انفجار «آمیبا» (مرکز یهودیان) در آرژانتین است، حتی مدعی شد «ظاهراً این مرحومه مشکلات پزشکی قبلی داشته است. البته چون گزارشات پزشکی قانونی تکمیل نشده نمی‌توان نظر قطعی داد ولی سابقه مشکلات پزشکی وجود داشته و براساس گزارشات این خانم در سن پنج سالگی روی مغزشان عمل انجام شده است که توضیحات تکمیلی باید توسط مقامات رسمی این حوزه در آینده داده شود.» تمامی این ادعاها درباره بیماری‌های مهسا از سوی خانواده وی اکیدا رد شده است.

ابتلای مهسا به انواع بیماری زمینه‌ای و تومور مغزی در کودکی ساعاتی پس از جان باختن مهسا از سوی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر و در دیگر وبسایت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب حکومتی بازنشر شد. این در حالیست که امجد امینی پدر مهسا این ادعاها را دروغ خوانده و گفته دخترش در سلامت کامل بوده است: «ژینا هیچ بیماری‌ای نداشته و کسانی که می‌گویند او سرع یا بیماری زمینه‌ای داشته، دروغ می‌گویند. او نه سرع داشت، نه بیماری قلبی. بیشترین بیماری‌ای که داشته سرماخوردگی بوده.» پدر مهسا همچنین در سخنانی تکان‌دهنده در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته است «پرستارهای بیمارستان به من می‌گفتند وقتی آوردنش بی‌نشان بود و می‌پرسیدیم این دختر کیست؟ گفتند در خیابان پیدایش کرده‌ایم. برادرش که بیمارستان را پیدا کرد، تازه آموغع به من زنگ زدند و گرنه ما پیدایش نمی‌کردیم. دکترها به من گفتند اگر ۱۰ دقیقه زودتر می‌رسید خون به مغزش می‌رسید و اینجور می‌شد.»

قتل حکومتی مهسا امینی موجی گسترده از اعتراض و خشم در میان ایرانیان ایجاد کرده و بجز عده اندکی که یا از نظر روابط خانوادگی و یا از نظر ایدئولوژیک و اقتصادی به جمهوری اسلامی وابسته هستند، بقیه مردم در سوگ همراه با خشم و اندوه و انتقاد بسر می‌برند. سرنوشت فجیع و



این اعتراضات در سومین روز به شهرهای دیگر ایران کشیده شده است. شماری از بازاربان در بیش از ۱۰ شهر ایران امروز دوشنبه ۲۸ شهریور اعتصاب کرده و مغازه‌های خود را تعطیل کرده‌اند. تاکنون ویدئوها و گزارش‌هایی از اعتصاب در سنج، سقز، بانه و مریوان در استان کردستان منتشر شده است. بازاربان ارومیه، بوکان و پیرانشهر در استان آذربایجان غربی نیز در این اعتصاب شرکت کرده‌اند. همچنین مغازه‌داران شهر کرمانشاه و برخی از دیگر شهرهای این استان از جمله جوانرود مغازه‌های خود را باز نکردند.

در شهر شیراز شامگاه گذشته شماری از مردم به یاد مهسا شمع روشن کردند و دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نیز روز گذشته در محوطه دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار نمودند. شامگاه گذشته اعتراضات در شهر کرج آغاز اما از سوی مأموران حکومتی سرکوب شد.

شاهزاده رضا پهلوی ضمن اعلام عزای عمومی در روزهای یکشنبه و دوشنبه نوشت: «این احساس مشترک، این سوگ ملی، این خشم ملی، نمودار عزم و اراده ملتی است که برای احقاق حقوق خود تا پای جان ایستاده است؛ مقاومتی ۴۳ ساله که با خون نذر رنگین شد و با خون ژینا پایان نخواهد یافت. ما نیاز داریم تا این سوگ و خشم را بیش از پیش به همبستگی ملی و امید به فردایی بدون ظلم و ستم جمهوری اسلامی پیوند بزنیم.»

شهبانو فرح پهلوی نیز در بیانیه‌ای نوشته است: «با پیروی از شاهزاده رضا پهلوی، روزهای ۲۷ و ۲۸ شهریور را عزای عمومی و

بسیاری از شخصیت‌های هنری و سیاسی کشورهای دیگر در محکومیت قتل مهسا امینی در توئیتر و اینستاگرام مطالبی منتشر کردند. تعدادی از هنرمندان و ورزشکاران ایران نیز به این فاجعه واکنش نشان دادند. کنایون ریاحی بازیگر ایرانی حجاب خود را در اعتراض به قتل مهسا برداشته و در گفتگو با «ایران اینترنشنال» گفته استفاده از عبارت «کشف حجاب» درباره او درست نیست چون او اساسا محببه نبوده بلکه مجبور بوده در محافل عمومی از حجاب استفاده کند. او تأکید کرده که «هیچوقت حجاب نداشته و قصد دارد از این به بعد در رابطه با حجابش به مردم دروغ نگوید.»

آناهیتا همتی دیگر هنرپیشه ایرانی نیز با انتشار ویدئویی موه‌های خود را در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی تراشید. ایرانیان خارج کشور نیز در چند شهر از جمله تفریس پایتخت گرجستان، آنتالیا در ترکیه و کلن در آلمان در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی تجمع کردند و به یاد او شمع روشن کردند. بر اساس فراخوان‌های منتشر شده قرار است امروز تجمعاتی در چند شهر دیگر جهان برگزار شود.

گروهی از فعالان و ایرانیان ساکن واشنگتن دی‌سی دوشنبه ساعت ۶ عصر در مقابل دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی تجمع اعتراضی برگزار می‌کنند.

در لس‌آنجلس، فعالان مدنی و ایرانیان روز دوشنبه از ساعت ۷ غروب در مقابل «فدرال بیلدینگ» تجمع خواهند کرد. فعالان مدنی در شهر ونکوور کانادا برای دوشنبه ۴ عصر در مقابل «آرت گالری» ونکوور فراخوان تجمع داده‌اند. فعالان مدنی



ساکن آلمان در ساعت ۱۷ دوشنبه به وقت محلی در «کوئوسر تور» برلین تجمع خواهند کرد. در استکهلم نیز برای امروز دوشنبه ۲۸ شهریور فراخوان تجمع اعتراضی داده شده است. گوگوش نیز کنسرت شامگاه یکشنبه خود در شهر فرانکفورت را به مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله‌ای که در بازداشت گشت ارشاد اسلامی کشته شد، تقدیم کرد و او را «دختر ایران» نامید. گوگوش در ابتدای این کنسرت با صدایی که از اندوه می‌لرزید با اشاره به حکومت جمهوری اسلامی گفت: «بیش از چهل سال است این گرگ‌ها تمام مهساها را می‌کشند تا با ایجاد غم و غصه ما را هم به مرور از درون خود بکشند. چه باید کرد؟» داریوش اقبالی نیز در کنسرت شامگاه شنبه در ونکوور کانادا با لباس مشکی روی صحنه آمد و با اشاره به کشته شدن مهسا امینی گفت: «همبستگی باید پدیده همگانی شود، اگر همه ملت پهاخیزند تغییرات به وجود می‌آید.»

واکنش‌ها و اعتراضات داخلی و بین‌المللی در ارتباط با قتل حکومتی مهسا امینی ادامه دارد و بار دیگر خشم و اندوه انباشته‌شده‌ی ایرانیان در طول ۴۳ سال سرکوب خشن و بی‌امان به شدت برانگیخته شده است.

سوگواری به نام ژینا و همه فرزندان جانباخته ایران اعلام می‌دارم.» فعالان حقوق زنان در تهران در اعتراض به کشته شدن مهسا امینی اعلام کرده‌اند امروز ساعت ۱۸ در تقاطع خیابان «حجاب» و بلوار کشاورز تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد و از مردم خواسته‌اند به این تجمع بپیوندند.

دانشجویان دانشگاه صنعتی «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) نیز در اعتراض به کشته شدن مهسا امینی ظهر دوشنبه در محوطه این دانشگاه تجمع برگزار خواهند کرد. فعالان صنفی در ایران از جمله کانون صنفی معلمان ایران، اتحادیه آزاد کارگران، جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، کانون نویسندگان ایران و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه‌هایی جداگانه قتل حکومتی مهسا امینی را محکوم کردند. موج همبستگی مردم در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی در شبکه‌های اجتماعی نیز به نمایش درآمده است. هشتگ #مهسا امینی در توئیتر تا بامداد یکشنبه ۲۷ شهریور از مرز دو میلیون توئیت و بازتوئیت گذشت و با حدود ۱۱ میلیون لایک، رکورد هشتگ «اعدام نکنید» را که در سال ۱۳۹۹ ترند جهانی شده بود، شکست.

## اعتراضات گسترده در ایران و واکنش‌های بین‌المللی در پی قتل حکومتی مهسا امینی؛ قطع اینترنت و سرکوب مسلحانه‌ی مردم!

● سرکوب مسلحانه شهروندان در سقز تا کنون به زخمی شدن دست‌کم ۱۳ زن و مرد و نوجوان منجر شده است. سرعت اینترنت در ایران کند شده و اینترنت موبایل در شهر سقز قطع شده است.

● علی دایی، علی کریمی، وریا غفوری، یحیی گل محمدی، سیامک نعمتی، سعید عزت‌الهی از جمله فوتبالیست‌هایی هستند که به قتل مهسا امینی واکنش نشان دادند. ● چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید، مورگان اورنگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا، رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران و مسعود قره‌خانی رئیس ایرانی‌تبار پارلمان نروژ از جمله مقامات کشورهای خارجی هستند که قتل مهسا را محکوم کردند.

● بهمن قبادی، گلشیفته فراهانی، فاطمه معتمد آریا، امین حیایی، اصغر فرهادی و ترانه علیدوستی از جمله هنرمندان و بازیگرانی هستند که با انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی به قتل مهسا امینی واکنش نشان دادند.

● چند تشکل صنفی در ایران با صدور بیانیه‌هایی قتل مهسا را محکوم و علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند. قتل حکومتی مهسا امینی دختر ۲۲ ساله بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد جمهوری اسلامی با خشم و اندوه عمومی شهروندان در ایران روبرو شده است. شماری از هنرمندان، ورزشکاران و شخصیت‌های دیگر کشورها به جمهوری اسلامی اعتراض کرده‌اند. امروز پس از برگزاری مراسم خاکسپاری مهسا، شهروندان در سقز اعتراضات گسترده را آغاز کرده و سرکوب مسلحانه شهروندان تا کنون به زخمی شدن دست‌کم ۱۳ زن و مرد و نوجوان منجر شده است. سرعت اینترنت در ایران کند شده و اینترنت موبایل در شهر سقز قطع شده است.

در پی تجمع اعتراضی مردم سقز پس از برگزاری مراسم خاکسپاری مهسا امینی در روز جمعه، ۲۶ شهریور، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی برای متفرق کردن آنها دست به تیراندازی و شلیک گاز اشک‌آور زدند و شماری از شهروندان را زخمی کردند.

خبرگزاری «هه‌نگاو» گزارش داده که «در جریان به خشونت کشیدن اعتراضات مردم سقز به قتل ژینا امینی (مهسا امینی) توسط نیروهای امنیتی در مقابل فرمانداری این شهر، دست‌کم ۱۳ شهروند از جمله ۲ نوجوان زیر ۱۸ سال و ۳ زن زخمی شده‌اند.»

بر اساس این گزارش یک جوان به نام کیان درخشان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته و وضعیت جسمانی وی وخیم گزارش شده است.







مهسا امینی پس از مرگ مغزی در بیمارستان

به قتل مهسا امینی گفت: «او ۲۲ سال داشت که به کما رفت و امروز درگذشت. چرا؟ زیرا رژیم آیت‌الله تصمیم می‌گیرد زنان چگونه لباس بپوشند. من از این موضوع ناخوش‌احوال و عصبانی‌ام. به امید روزی که مردم ایران از شر این افراط‌گرایان رهایی یابند. آسوده بیارم، مهسا!»

همچنین شماری از تشکل‌های صنفی در ایران با انتشار بیانیه قتل مهسا را محکوم و علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند.

کانون نویسندگان در بیانیه‌ای نوشت: «قتل مهسا امینی نمونه‌ای آشکار شده از سرکوبی تمام‌عیار است که سال‌ها زیر سایه حاکمیت زن‌ستیز در جریان بوده است.»

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به سرکوب چهل و چهارساله جامعه نوشت: «حاکمیتی جبری و تحمیلی به مردم ایران که تنها راه بقای خود را در غارت و چپاول تمامی ثروت‌های جامعه از یکسو و از سوی دیگر شدت بخشیدن به استثمار و انقیاد آحاد جامعه می‌دید، لاجرم گسترش اختناق و سرکوب و خفه کردن مردم را رکن جدائی‌ناپذیر از اعمال قدرتش قرار داد.»

عفو بین‌الملل نیز در بیانیه‌ای گفته است، «واحد پلیس موسوم به «پلیس امنیت اخلاقی» در تهران، که مجری قوانین تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز حجاب اجباری در ایران است» مهسا امینی «را سه روز قبل از مرگش به صورت خودسرانه بازداشت کرده بود.»

این نهاد بین‌المللی مدافع حقوق بشر درخواست کرده است «تمام مأموران و مقامات مسئول باید به دست عدالت سپرده شوند.»

دیدبان حقوق بشر نیز جان باختن مهسا امینی را «ظالمانه» خواند و نوشت: «مقام‌های ایرانی باید قانون حجاب اجباری را لغو و قوانین دیگری که زنان را از استقلال و حقوقشان محروم می‌کند، حذف یا اصلاح کنند.»

شماری از هنرمندان در ایران هم در شبکه‌های اجتماعی به کشته شدن مهسا امینی واکنش نشان دادند. بهمن قبادی، گلشیفته فراهانی، فاطمه معتمد آریا، امین حیایی، اصغر فرهادی و ترانه علیدوستی از جمله هنرمندان و بازیگرانی هستند که با انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی به قتل مهسا امینی واکنش نشان داده‌اند.

«استقلال» (تاج) و بازیکن سابق تیم ملی ایران هم شعری از فرخی یزدی را در واکنش به این موضوع استوری کرد که با این بیت شروع می‌شود: «گلرنگ شد در دشت، از اشکباری ما، چون غیر خون نبارد، ابر بهاری ما.»

ضرب و جرح و قتل حکومتی مهسا امینی همچنین واکنش‌هایی بین‌المللی گسترده‌ای به دنبال داشته است. این واکنش‌ها از هنگامی که مهسا در گما بود آغاز شد. لیا رمینی هرتیسه سریال «دوستان Friends» و «پادشاه محله کوئینس The King of Queens» با انتشار تصاویری از مهسا امینی در حساب توئیتری خود، به کما رفتن او پس از ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی را «وحشتناک» خوانده و از کاربران خواسته تا همراه با او نام و داستان این دختر جوان را به اشتراک بگذارند.

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید از مرگ مهسا امینی عمیقاً ابراز نگرانی کرده و در توئیتر نوشته است: «عمیقاً از مرگ مهسا امینی که گزارش شده بر اثر ضرب و شتم در بازداشت پلیس گشت ارشاد درگذشت نگران هستیم- مرگ او قابل‌گذشت نیست. ما مقامات ایران را مسئول چنین موارد نقض حقوق بشر می‌دانیم.»

مورگان اورتگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا نیز خواستار انتشار بیش از پیش نام این زن جوان شده و نوشته است: «اجازه نمی‌دهیم دولت آمریکا آنچه را رژیم ایران با تو انجام داد ماستمالی کند و مرگ تو بیهوده نخواهد بود.»

رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران نیز مرگ مهسا امینی را «بعد از جراحات وارد شده» در بازداشت گشت ارشاد اسلامی «هولناک» توصیف کرد.

رابرت مالی در توئیتی ضمن ابراز همدردی با خانواده مهسا امینی نوشته است: «ایران باید به خشونت علیه زنان به دلیل اینکه خواهان بهره‌مندی از حقوق اساسی خود هستند، پایان دهد.»

صفحه فارسی وزارت خارجه اسرائیل نیز در توئیتر جان باختن مهسا امینی را تسلیت گفته و نوشته است: مهسا به فهرست بی‌شمار قربانیان خامنه‌ای قاتل اضافه شد. مسعود قره‌خانی رییس ایرانی‌تبار پارلمان نروژ در واکنش

همچنین سرعت اینترنت در ایران کند شده و گزارش‌ها از قطع شدن اینترنت موبایل در سقز و تهران حکایت دارد. نت بلاکس شب گذشته گزارش داد در پی جان باختن مهسا امینی، اختلال چشمگیری در اینترنت تهران ثبت شده و داده‌های شبکه نشان می‌دهد توان اتصال به اینترنت به ۶۷ درصد مواقع عادی رسیده است. نت بلاکس افزوده این اختلال می‌تواند اطلاع‌رسانی درباره اتفاقات کنونی را تحت تاثیر قرار دهد.

روز گذشته همزمان با جان باختن مهسا امینی در بیمارستان «کسری» تهران شماری از شهروندان در محدوده بیمارستان و میدان آرژانتین تجمع کردند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی سر دادند. «قسم به خون مهسا، ایران می‌گردد آزاد»، «خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله»، «از کردستان تا تهران ستم علیه زنان» و «می‌کشم می‌کشم، هرآنکه خواهرم کشت» از شعارهای مردم بود.

شماری از زنان در واکنش به هجوم نیروهای ضد شورش روسری خود را برداشتند و شعار «بی‌شرف داعشی» سر دادند. گزارش‌های روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی ساکن ایران خبر از بازداشت دست‌کم ۲۰ شهروند در شب گذشته در تهران می‌دهد.

خشم عمومی مردم از برخوردهای حذفی و سرکوبگر جمهوری اسلامی با اقشار و اصناف مختلف مردم با قتل مهسا امینی اوج گرفته و شمار زیادی از دادخواهان، فعالان مدنی، ورزشکاران، هنرمندان و چهره‌های شناخته شده در ایران به این قتل حکومتی واکنش نشان داده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی نوشت: «دشمنی این رژیم با زنان بر کسی پوشیده نیست.» وی از مردم ایران خواست «به هر شکلی که می‌تواند در مقابل این توحش بایستند و پشتیبان زنان آزادیخواه ایران باشند.»

بهیه نامجو مادر نوید افکاری ورزشکاری که در جریان اعتراضات تابستان ۹۷ بازداشت و اعدام شد در پیامی به مهسا نوشته است: «ژینای نازنینم، دخترم، چقدر ظلمی که به تو کردند من را یاد نویدم می‌اندازد. شهرویر سیاهم سیاهتر شد. اما دخترکم. به قول نوید سوگند می‌خورم که پشیمان می‌شوند.»

حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پرواز اوکراینی نیز در واکنش به مرگ مهسا در یک پست اینستاگرامی نوشت: «ما را ببخش اگر نتوانستیم چرخه‌ی آدمکشی را تا امروز متوقف کنیم. ما تا امروز هرچه توانستیم کردیم اما ببخش اگر هنوز آنچنان موثر نبوده است که گرمگان ابلیس با تو چنین کردند.»

صبا بختیاری عمه پویا بختیاری که در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ به ضرب گلوله کشته شد با انتشار یک ویدئو در واکنش به مرگ مهسا گفت: «چرا می‌گذاریم هر روز یک گل در این مملکت پرپر شود؟»

شمار زیادی از ورزشکاران نیز به قتل مهسا امینی و برخوردهای جمهوری اسلامی با شهروندان واکنش نشان دادند. علی دایی فوتبالیست معروف ایران و جهان نوشت: «چه به روزگار این سرزمین آوردید؟ دخترم می‌پرد چه اتفاقی افتاده. چه پاسخی دارم؟ به کدامین گناه؟»

علی کریمی ستاره پیشین تیم ملی، بایرن مونیخ و پرسپولیس نیز در دو استوری جداگانه نوشت: «کاوه‌ی آینده ایرانزمین زن است» و «فرزندان آنها می‌روند، فرزندانشان ما می‌روند»

اشاره علی کریمی به مهاجرت هزاران فرزند مقامات جمهوری اسلامی به کشورهای امن و آزاد جهان است. وریا غفوری بازیکن فولاد خوزستان و کاپیتان سابق

ندی الناشف سرپرست کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز با انتشار بیانیه‌ای از سرکوب خشونت‌بار اعتراضات مردم ایران از جان باختن مهسا امینی در بازداشت ابراز نگرانی کرد و نوشت: «درگذشت دلخراش مهسا امینی و اتهامات مربوط به شکنجه و بدرفتاری باید به سرعت، بی‌طرفانه و به طور مؤثر توسط یک مرجع ذیصلاح مستقل مورد بررسی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که به ویژه عدالت درباره خانواده او اعمال و حقایق روشن شده است.»

همچنین روانی شمداسانی سخنگوی این کمیساریا نیز با اشاره به اینکه در اعتراضات مردمی، مأموران جمهوری اسلامی «گلوله واقعی» شلیک کرده و از گاز اشک‌آور استفاده کرده‌اند گفته تا کنون دو تا پنج نفر در اعتراضات کشته شدند.

واکنش‌های بین‌المللی به قتل حکومتی مهسا امینی از نخستین روز جان باختن این دختر جوان آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

مورگان اورتگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا خواستار انتشار بیش از پیش نام این زن جوان شده و نوشته است: «اجازه نمی‌دهیم دولت آمریکا آنچه را رژیم ایران با تو انجام داد ماستمالی کند و مرگ تو بیهوده نخواهد بود.» رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران نیز مرگ مهسا امینی را «بعد از جراحات وارد شده» در بازداشت گشت ارشاد اسلامی «هولناک» توصیف کرد.

رابرت مالی در توثیقی ضمن ابراز همدردی با خانواده مهسا امینی نوشته است: «ایران باید به خشونت علیه زنان به دلیل اینکه خواهان بهره‌مندی از حقوق اساسی خود هستند، پایان دهد.»

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران نیز در واکنش به قتل مهسا امینی خواهان تصویب قطعنامه‌ای علیه حجاب اجباری در ایران در شورای حقوق بشر شد.

سازمان عفو بین‌الملل نیز خواستار انجام تحقیقات کیفری درباره مرگ مهسا امینی شد و نوشت «پلیس امنیت اخلاقی» که مجری قوانین «تحقیق‌آمیز» و «تبعیض‌آمیز» حجاب اجباری در ایران است، مهسا امینی را بطور «خودسرانه» بازداشت کرده بود.

سازمان حقوق بشر ایران نیز مقامات جمهوری اسلامی را به «تلاش برای سرپوش‌گذاشتن بر روی این جنایت» متهم کرد و خواستار تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی شد.

این نهاد نوشت که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران و نهادهای تحت فرمان آنها مسئول مرگ مهسا امینی هستند. شخصیت‌های برجسته از نویسندگان و سینماگر تا ورزشکار در کشورهای مختلف نیز با انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی نسبت آنچه بر مهسا رفته واکنش نشان داده و آن را محکوم کرده‌اند. موجی از خشم و انزجار علیه جمهوری اسلامی فضای کشور و بین‌المللی را فرا گرفته است.



وبسایت شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا نیز با انتشار بیانیه‌ای نوشته که «مهسا امینی ۲۲ ساله بر اثر جراحات وارده در بازداشتگاه پلیس پس از بازداشت به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب در ایران جان باخت» و ضمن ابراز همدردی با خانواده و دوستان مهسا، جان باختن او بر اثر ضرب و جرح مأموران را «غیر قابل قبول» خواند.

در بیانیه شورای روابط خارجی اروپا تأکید شده که مقامات جمهوری اسلامی باید درباره «رعایت حقوق اساسی شهروندان» و «مورد بدرفتاری قرار نگرفتن افرادی که به هر دلیل در بازداشت هستند» اطمینان دهند.

سناتور باب مندز عضو کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده نیز با انتشار توثیقی درباره قتل مهسا نوشته که از دستگیری، ضرب و جرح و قتل مهسا امینی در پوشش قانون ظالمانه حجاب ایران خشمگین است و تأکید کرده که «اقدامات هولناک پلیس اخلاق تنها جدیدترین نمونه از ظلم و بیرانگه رژیم ایران بر زنان و همه شهروندان این کشور است.»

مایکل مک‌کال عضو ارشد کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایالات متحده هم در بیانیه‌ای گفته است که «قتل مهسا امینی به دست پلیس اخلاق در ایران به خاطر نقض قانون پوشش، خشم‌برانگیز است. هر رژیمی که به حقوق شهروندان چنین بی‌اعتنا باشد باید با عواقب جدی روبرو شود.»

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا در توثیقی با تأکید بر اینکه آمریکا همراه مردم ایران در مرگ مهسا امینی سوگوار است، از جمهوری اسلامی خواست به آزار و اذیت سیستماتیک زنان پایان دهد و اجازه دهد اعتراضات مسالمت‌آمیز شکل بگیرند.

ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، نیز گفت حکومت ایران باید به صدای معترضان «گوش دهد نه اینکه به آنها شلیک کند». وی افزود: «زنان ایرانی نباید به خاطر نحوه لباس پوشیدنشان دستگیر شوند، چه رسد وحشیانه ضرب و جرح شوند.»

## ادامه واکنش‌های بین‌المللی به قتل حکومتی مهسا امینی و سرکوب مردم معترض در خیابان

● وزارت خارجه فرانسه در بیانیه‌ای قتل مهسا امینی را «عمیقاً تکان‌دهنده» خوانده و خواستار «تحقیقات شفاف» برای روشن شدن شیوه قتل او شده است.

● شورای روابط خارجی اروپا نیز تأکید کرده که مقامات جمهوری اسلامی باید درباره «رعایت حقوق اساسی شهروندان» و «مورد بدرفتاری قرار نگرفتن افرادی که به هر دلیل در بازداشت هستند» اطمینان دهند.

● وزیر امور خارجه ایالات متحده از جمهوری اسلامی خواست به آزار و اذیت سیستماتیک زنان پایان دهد و اجازه دهد اعتراضات مسالمت‌آمیز شکل بگیرند.

اعتراضات بین‌المللی به قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی در ایران و همچنین سرکوب مردم معترض در خیابان‌ها توسط مأموران حکومتی ادامه دارد. وزارت خارجه فرانسه و شورای روابط خارجی اروپا با صدور بیانیه‌هایی این قتل حکومتی را محکوم و خواستار پاسخگویی مقامات جمهوری اسلامی شدند.

اعتراضات مردمی علیه قتل حکومتی مهسا امینی که با ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد اسلامی به کما رفت و جان باخت به چهارمین روز کشیده شده و اقشار مختلف مردم در شهرهای مختلف دست به اعتراضات خیابانی و تظاهرات زده‌اند. در همین حال شخصیت‌های برجسته در دیگر کشورها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی نیز به این قتل حکومتی و رفتارهای سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی واکنش نشان داده‌اند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، وزارت خارجه فرانسه در بیانیه‌ای قتل مهسا امینی را «عمیقاً تکان‌دهنده» خوانده و خواستار «تحقیقات شفاف» برای روشن شدن شیوه قتل او شده است. در این بیانیه تأکید شده که دولت فرانسه برای مقابله با خشونت علیه زنان و دختران در سراسر جهان متعهد است و برای گسترش مفاد کنوانسیون استانبول شورای اروپا در مورد جلوگیری از خشونت علیه زنان تلاش می‌کند.

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



Believe in  
children  
Barnardo's

شهبانو فرح پهلوی نیز در بیانیه‌ای نوشته است: «با پیروی از شاهزاده رضا پهلوی، روزهای ۲۷ و ۲۸ شهریور را عزای عمومی و سوگواری به نام زینا و همه فرزندان جانباخته ایران اعلام می‌دارم.» فعالان مدنی و احزاب در استان‌های کردنشین ایران نیز سوگ و اعتصاب عمومی در روز دوشنبه ۲۸ شهریور اعلام کرده‌اند. واکنش‌های افراد شناخته شده در ایران و جهان از جمله دادخواهان، هنرمندان و سیاستمداران به قتل حکومتی مهسا امینی ادامه دارد.

فاطمه سپهری فعال سیاسی در یک برنامه تلویزیونی گفت: «اگر دنیا راجع به این جنایت واکنش نشان ندهد، باید به حقوق بشری که اینهمه ادعا دارد، شک کرد. همه ایران باید باید خون گریه کند. ما تا خامنه‌ای و تمام جمهوری اسلامی را زیر خاک نکنیم، نباید ساکت بنشینیم.»

مادر امیرحسین زارع‌زاده از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ نیز ضمن ابراز همدردی با مادر مهسا امینی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «به خاطر تار موی دختران، بنزین، آب و پول می‌کشید، بعد اسم خودتان را مسلمان گذاشتید، اگر اسلام این است من اسلام را قبول ندارم.»

سام اصغری مدل و بازیگر ایرانی-آمریکایی و همسر بریتنی اسپیرز با انتشار ویدئو و متن‌هایی در صفحه اینستاگرام خود نسبت به واقعه قتل مهسا امینی واکنش نشان داد و آن را محکوم کرد. ناتانالی بازولیک بازیگر استرالیایی نیز با به اشتراک گذاشتن خبری درباره کشته شدن مهسا امینی در اینستاگرام، نسبت به سکوت فعالان حقوق زنان درباره این موضوع اعتراض کرد و نوشت: «ایران تحت حکومت اسلامی قرار دارد، چرا جهان سکوت کرده است!»

الکساندر یولیگ خواننده معروف آلمانی در یک استوری با انتشار تصویر مهسا نوشت: «هیچکس حق ندارد زن را به هر دلیلی بگذرد، شرم بر شما!»

نورگل شیشیل‌چای بازیگر ترکیه‌ای در یک استوری با انتشار تصویر مهسا با اظهار تاسف و ناراحتی از قتل او نوشت: «زن‌ها همه جای دنیا مظلوم هستند و این ناراحت کننده است.» شمار زیادی از هنرمندان در ایران که همچنان با نهادهای رسمی در جمهوری اسلامی مشغول به فعالیت هستند نیز نسبت به قتل مهسا امینی واکنش نشان داده‌اند. امیر جعفری، کتابیون ریاحی، ترلان پروانه از جمله بازیگران و سیروان خسروی، همایون شجریان و محسن چاووشی از جمله خوانندگانی هستند که در پی قتل مهسا مطالبی انتقادی نوشتند. در همین ارتباط، حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز اوکراینی در مطلبی در صفحه اینستاگرامش نوشته «حقیقتش را بخواهید مرثیه‌سرایی و اعتراض ورزشکار و هنرمند حکومتی را هم باور می‌کنم. بار اولشان هم نیست که اظهار تعجب و نفرت می‌کنند. وقتی عزای عزادار به خشم مبدل شد، همه‌شان آن پسله‌پناه‌ها سنگر می‌گیرند که کلاه‌شان را باد نبرد.»

او در ادامه نوشته که «مرثیه‌سرایی مترجم و نویسنده‌ای را هم که به وزارت ارشاد هنوز کتاب می‌دهد تا بازبینی شود باور می‌کنم. صداقت در دادخواهی و دفاع از آزادی در دوری از جمهوری اسلامی‌ست، هرچه دورتر بهتر. جمهوری اسلامی آدمکش است و هرکس با این هیولا سر و سری دارد به چرخیدن چرخ خونریزی یاری می‌رساند.» حامد اسماعیلیون در بخشی از مطلبش تأکید کرده «کسی شعر نمی‌تواند بگوید، کسی مرثیه نمی‌تواند بسراید. خشم را نمی‌شود فقط با ساییدن دندان‌ها بر هم نشان داد. با وجود این خشم که در درون همه‌ی ما شعله می‌کشد احتیاج به سازماندهی و اتحاد بیش از همیشه وجود دارد. افسار بریده‌اند و کف بر دهان می‌آورند و خوالیگران بارگاه ضحاک اکنون صبحانه‌ی رهبر آدمکش‌ها را با مغز جوان تازه گذشته، رونق می‌دهند.»



سنگ به جنگ نیروهای تا دندان مسلح جمهوری اسلامی می‌روند و در برابر آنها تسلیم نمی‌شوند. تصاویری مشابه در اعتراضات ظهر شنبه ۲۶ شهریور در سقز نیز منتشر شده است. مردم در سقز ظهر روز گذشته پس از خاکسپاری مهسا (ژینا) امینی، اعتراضات گسترده‌ای را در سطح شهر برگزار کردند و طبق روال همیشه مأموران امنیتی مسلح، پلیس ضد شورش و یگان ویژه به سوی مردم حمله‌ور شدند. بر اساس گزارش‌ها، طی اعتراضات روز گذشته سقز و سنندج ده‌ها شهروند زخمی و بازداشت شدند. مهدی رضانی معاون سیاسی، امنیت و اجتماعی استاندار کردستان زخمی شدن شهروندان را تأیید کرده است. او معترضان را افرادی که «سنگ‌پرانی» می‌کردند خطاب کرده و گفته تعدادی از نیروهای انتظامی نیز «بطور سطحی» زخمی شدند. همچنین فضای چند شهر دیگر در ایران از جمله تهران، کرج، مشهد و شیراز امنیتی گزارش شده و مردم از استقرار نیروهای انتظامی و یگان ویژه در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی شهر خبر می‌دهند. فضای شهر سقز همچنان امنیتی است و مقامات با تعطیلی ترمینال این شهر تلاش دارند ورود و خروج به شهر را تحت کنترل خود درآورند.

اعتراضات به قتل حکومتی مهسا امینی در شبکه‌های اجتماعی هم ادامه دارد. هشتگ #مهسا\_امینی در توئیتر تا بامداد یکشنبه ۲۷ شهریور از مرز دو میلیون توییت و بازتوییت گذشت و با حدود ۱۱ میلیون لایک، رکورد هشتگ «اعدام نکنید» را که در سال ۱۳۹۹ ترند جهانی شده بود، شکست. کانال تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی در گزارشی اعلام کرده که بر اساس داده‌ها به دست آمده تا پایان روز شنبه ۲۶ شهریورماه، بیش از ۳۶۰ هزار توییت و بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار ریتوییت، و در مجموع بیش از یک میلیون ۶۰۰ هزار توییت و ریتوییت با هشتگ و کلیدواژه مهسا امینی منتشر شده است.

این گزارش تأکید کرده که این داده‌ها نشان می‌دهد که شدت توجهات به موضوع مهسا امینی بسیار زیاد است و می‌توان آن را در کنار هشتگ #اعدام\_نکنید مهم‌ترین هشتگ تاریخ توئیتر فارسی تا کنون دانست.

شاهزاده رضا پهلوی در بیانیه‌ای ضمن اعلام دو روز سوگ ملی برای مهسا و دیگر جانباختگان اعتراضات مردمی نوشت: «این احساس مشترک، این سوگ ملی، این خشم ملی، نمودار عزم و اراده ملتی است که برای احقاق حقوق خود تا پای جان ایستاده است؛ مقاومتی ۴۳ ساله که با خون نذرانگین شد و با خون ژینا پایان نخواهد یافت. ما نیاز داریم تا این سوگ و خشم را بیش از پیش به همبستگی ملی و امید به فردایی بدون ظلم و ستم جمهوری اسلامی پیوند بزنیم.»

## هشتگ #مهسا\_امینی ترند جهانی شد؛ اعلام دو روز سوگ ملی و سرکوب مسلحانه‌ی مردم معترض توسط جمهوری اسلامی

● «سقز تنها نیست، سنندج پشتیبانش است»، «می‌کشم، می‌کشم هر آنکه خواهرم کشت»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» از جمله شعارهای مردم است. معترضان تصویر خامنه‌ای و بنر بزرگ قاسم سلیمانی را پاره کردند.

● مردم با سنگ به جنگ نیروهای تا دندان مسلح جمهوری اسلامی می‌روند و در برابر آنها تسلیم نمی‌شوند.

● فضای چند شهر دیگر در ایران از جمله تهران، کرج، مشهد و شیراز امنیتی گزارش شده و مردم از استقرار نیروهای انتظامی و یگان ویژه در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی شهر خبر می‌دهند.

● هشتگ #مهسا\_امینی در توئیتر تا بامداد یکشنبه ۲۷ شهریور از مرز دو میلیون توییت و بازتوییت گذشت و با حدود ۱۱ میلیون لایک، رکورد هشتگ «اعدام نکنید» را که در سال ۱۳۹۹ ترند جهانی شده بود، شکست.

● حامد اسماعیلیون: مرثیه‌سرایی و اعتراض ورزشکار و هنرمند حکومتی را باور می‌کنم. بار اولشان هم نیست که اظهار تعجب و نفرت می‌کنند. وقتی عزای عزادار به خشم مبدل شد، همه‌شان آن پسله‌پناه‌ها سنگر می‌گیرند که کلاه‌شان را باد نبرد.

واکنش‌ها در ایران و جهان به قتل حکومتی مهسا امینی دختر ۲۲ ساله‌ای که در پی حمله و ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی به کما رفت و جان باخت ادامه دارد. شاهزاده رضا پهلوی دو روز سوگ ملی در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ اعلام کرده است. شهر سنندج شب گذشته شاهد اعتراضات گسترده مردم سوگوار و خشمگین بود. هشتگ #مهسا\_امینی در توئیتر از مرز دو میلیون توییت و بازتوییت گذشت و ضمن رکورددار شدن در تاریخ هشتگ‌های فارسی در توئیتر، #MahsaAmini ترند جهانی نیز شد.

شامگاه گذشته هزاران نفر از مردم در سنندج به خیابان آمده و اعتراضات گسترده‌ای را در اعتراض به قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی برگزار کردند. این اعتراضات با سرکوب مسلحانه مردم توسط مأموران لباس شخصی و انتظامی جمهوری اسلامی روبرو شد اما مردم تا پاسی از شب در خیابان ماندند و میدان رویارویی با جمهوری اسلامی را خالی نکردند. اعتراضات در سنندج از عصر شنبه ۲۶ شهریور آغاز شد. حضور زنان دوشادوش مردان در این اعتراضات کاملاً چشمگیر است.

«سقز تنها نیست، سنندج پشتیبانش است»، «می‌کشم، می‌کشم هر آنکه خواهرم کشت»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» از جمله شعارهای مردم است. آنها همچنین تصویر خامنه‌ای و بنر بزرگ قاسم سلیمانی را پاره کردند. ویدئوهای منتشر شده از سنندج نشان می‌دهد مردم با

# پیام ترور میکنوس: هیچ ایرانی در برون مرز نباید احساس امنیت کند!



اتاق عقبی رستوران میکنوس که به قتلگاه تبدیل شد؛ عکس از روزنامه «بیلد»

۱۹۹۲ فوراً به ایران بازگردد و در پی آن از حمایت رژیم بهره‌مند شود. کاظم دارابی از عاملان سازمانده و برنامه‌ریز ترور در برلین، در سال ۱۹۹۷ از سوی دادگاه عالی جنایی برلین محکوم به حبس ابد شد. اما مقامات آلمانی او را پس از ۱۵ سال تحویل جمهوری اسلامی ایران دادند. او در ایران خاطراتش را نوشت و منتشر کرد و در آن «دمکراسی فاسد آلمان» را شدیداً مورد حمله قرار داد و برای این کتاب شبه‌ادبی در سال ۲۰۱۹ بالاترین جایزه ادبی جمهوری اسلامی را نیز دریافت کرد!

از دید آلمانی اما آنچه بر صاحب رستوران گذشت شاید بزرگترین رسوایی این ترور باشد. او هنگام ترور شدیداً زخمی می‌شود، اما اندکی بعد ماموران آگاهی به او شک می‌کنند که وی راهنما و واسطه این جنایت بوده است. شاهدان عینی می‌گویند در شب ترور او را دیده‌اند که چگونه در برابر رستوران‌اش به قاتلان علامت داده است. ضابان هنگامی وارد اتاق محل نشست می‌شوند که صاحب رستوران از شرفکندی می‌پرسید «دکتر، یک آبجوی دیگه؟» هیچکس بجز صاحب رستوران نمی‌دانست ضاربان چگونه به رستوران آمده‌اند. ماموران تحقیق اداره آگاهی آلمان در بازپرسی‌ها به دروغ‌های او شک می‌کنند، اما شواهد و اسناد به اندازه‌ای نبود که بتوان او را محکوم کرد.

آنچه پس از آن پیش آمد، گستاخی‌ای بود که هرگز مجازات نشد. صاحب پیشین رستوران اندکی پس از شروع دادگاه شروع می‌کند سالی چند بار به ایران سفر کند! اما در آنجا، در رابطه با اینکه او نقش میزبان افراد اپوزیسیون ایران را داشته، هیچ مشکل و زبانی متوجه وی نمی‌شود! شاید به این دلیل که میزبانی او از این افراد به سود رژیم بوده است! او در محل سکونت جدید خود در شهر «دوسلدورف» درخواست دریافت کمک‌های اجتماعی می‌کند و در حالی که در ایران تجارت می‌کرد، سال‌ها در آلمان کمک‌هزینه‌های اجتماعی ویژه از کارافتادگان و بازنشستگان را می‌گرفت. یکی از کسانی که او را خوب می‌شناسد، می‌گوید، وی در ایران «مثل یک شاه زندگی می‌کند!» درست مانند کاظم دارابی و رهبر تیم ضربت عملیات، عبدالرحمان بنی‌هاشمی! در حالی که جان به‌دربردگان از این ترور متأسفانه نمی‌توانند درباره زندگی خود چنین بگویند.

\*منبع: وبسایت روزنامه آلمانی «دیتسایت»

\*نویسنده: میشائیل تومن گزارشگر سیاست خارجی و مدیر دفتر روزنامه «دیتسایت» در مسکو

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

همواره سایه سنگین و وحشتناک این جنایت سی سال پیش را احساس می‌کردم. این افراد هنوز هم از میزان نفوذ جمهوری اسلامی در آلمان بسیار نگرانند و هم از اینکه مسئولان این جنایت همگی و به اندازه کافی مجازات نشده‌اند بسیار مأیوس و سرخورده‌اند.

در آن زمان، پس از ترور، ماموران تحقیق و بررسی اداره آگاهی آلمان تلاش کردند تا ضاربان و جنایتکاران را شناسایی کنند. اما دولت آلمان در زمان صدراعظمی هلموت کهل (از حزب دمکرات- مسیحی) و وزیر امور خارجه آلمان کلاوس کینکل (از حزب دمکرات لیبرال آلمان) مانع کار آنها می‌شدند. سیاست خارجی آلمان در آن دوران تلاش می‌کرد از فرصت پیش آمده پس از مرگ رهبر انقلاب، آیت‌الله خمینی، استفاده کند و به جمهوری اسلامی ایران نزدیک و با آنها وارد گفتگو شود. به همین دلیل، بُنِ [در آن زمان پایتخت آلمان] علاقه‌ای به محکومیت شدید رژیم ایران نداشت. اما ماموران تحقیق اداره آگاهی فدرال آلمان بدون توجه به این امر به کار خود ادامه دادند. در دادگاه که از سال ۱۹۹۴ [اکتبر ۱۹۹۳] کار خود را شروع کرد، عده‌ای در برابر دادگاه عالی جنایی ایالت برلین قرار گرفتند و در پایان دادگاه چهار تن از عاملان و کارگردانان این جنایت محکوم به زندان شدند. دستگاه قضایی برلین نیز توجیهی به تلاش‌های دیپلماتیک دولت آلمان نکرد و تحت تأثیر آنها قرار نگرفت. دادگاه در حکم صادره از رژیم ایران و وزارت اطلاعات و امنیت‌اش نام برد و آنها را به عنوان آمران و دستوردهندگان ترور محکوم کرد.

**حتا عاملان مستقیم و بلاواسطه ترور از مجازات مصون ماندند!**  
پس از صدور رأی، از زاویه‌ی سیاسی اتفاق زیادی نیفتاد. دولت بُنِ مناسبات خود را با رژیم ایران بهبود بخشید. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قیله تجار و تجارت جمهوری اسلامی ایران، سیاستمداری عملگرا به حساب می‌آمد که می‌شد با او وارد معامله شد. دستوردهنده ترور، وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، علی فلاحیان، هرگز به گونه‌ای جدی مورد پیگرد قرار نگرفت. او تا همین اواخر عضو شورای خیرگان رهبری جمهوری اسلامی ایران بود. رییس جمهوری که مسئول ترور بود، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، در سال ۲۰۱۷ بی‌سر و صدا از دنیا رفت. رهبر نظام، علی خامنه‌ای هنوز در مقام خود نشسته است. اینها آمران ترور بودند!

اما حتا برخی از عاملان بلاواسطه ترور هم از مجازات مصون ماندند. فرمانده تیم ضربت عملیات میکنوس، با نام کامل عبدالرحمان بنی‌هاشمی، توانست پس از حمام خون

● ترور میکنوس در برلین در هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ سنگین‌ترین اقدام تروریستی یک حکومت خارجی در خاک آلمان پس از جنگ جهانی دوم بود.

● رژیم اسلامی تهران مخالفان خود را به بی‌رحمانه‌ترین وجه تحت پیگرد قرار می‌دهد آنهم نه تنها در آلمان، بلکه در سراسر جهان. از دید زمامداران جمهوری اسلامی، هیچ ایرانی که از برون مرز علیه حکومت فعالیت می‌کند نباید احساس امنیت کند. این پیام ترور میکنوس است.

**میشائیل تومن (دیتسایت) - ترور میکنوس سنگین‌ترین عملیات تروریستی یک حکومت خارجی در خاک آلمان پس از جنگ جهانی دوم بود که تا امروز نیز هنوز بخش وسیعی از آمران و عاملان آن بدون مجازات مانده‌اند.**

این حمله مرگبار در یک رستوران در منطقه «ویلمرزدورف» برلین اتفاق افتاد. در میکنوس، یک رستوران یونانی با صاحب و مدیریت یک ایرانی، در خیابان «پراگ»؛ شماری از افراد اپوزیسیون گرد ایرانی در آنجا جمع بودند. رهبر حزب دمکرات کردستان ایران که به برلین سفر کرده بود از مخالفان و منتقدان شدید رژیم تهران بود. حدود ساعت ده دقیقه به یازده شب، صاحب رستوران از رهبر حزب می‌پرسد «دکتر، یک آبجوی دیگه؟» اما پیش از آنکه دکتر بتواند پاسخی بدهد، دو نفر به اتاقی که آنها جمع بودند هجوم آورده و شروع به تیراندازی می‌کنند. رستوران با سی گلوله شلیک شده از مسلسل به جهنمی از خون و شیشه و خرده‌ریز اشیاء می‌شود. رهبر حز دمکرات کردستان ایران و همراهانش بی‌جان بر زمین می‌افتند. بقیه میهمانان زخمی و شوک‌زده زنده می‌مانند.

این شب خونبار در منطقه «ویلمرزدورف» شهر برلین در هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ سنگین‌ترین اقدام تروریستی یک حکومت خارجی در خاک آلمان پس از جنگ جهانی دوم بود. ترور میکنوس موجی از شوک و وحشت ایجاد کرد و تا امروز نیز هنوز کابوس ایرانیان مهاجر است که از دست حکومتی انتقامجو به آلمان پناه آورده‌اند. رژیم اسلامی تهران مخالفان خود را به بی‌رحمانه‌ترین وجه تحت پیگرد قرار می‌دهد آنهم نه تنها در آلمان، بلکه در سراسر جهان. از دید زمامداران جمهوری اسلامی، هیچ ایرانی که از برون مرز علیه حکومت فعالیت می‌کند نباید احساس امنیت کند. این پیام ترور میکنوس است.

من در حین گفتگوهایم با کسانی که از این ترور جان به در بردند و همچنین با نمایندگان جامعه مهاجر ایرانی

# جمهوری اسلامی در انتظار «زمستان سرد» اروپا بود که گرفتار «پاییز داغ» در ایران شد!



رشت بلوار «معلم» سه‌شنبه ۲۹ شهریور

یک منبع نظامی نیز به کیهان لندن معتقد است «با توجه به اینکه رئیسی در آمریکا رژیم برای حفظ ظاهر هم که شده دستور کشتار نداد؛ اما مشکل رژیم این است که خشم مردم بی‌سابقه است و از موقعیت دفاعی به آفندی تغییر وضعیت داده‌اند... این شرایط سبب ریزش نیروهای نظام و عقب‌نشینی آنها می‌شود همانطور که در ویدئویی که از رشت آمده دیدیم وقتی یکی از این نیروها به دست مردم افتاد میل و رغبتی بین بقیه نیروها برای نجات او نبود.»

در بین کاربران در شبکه‌های اجتماعی موضوع تظاهرات شبانه مطرح است. یکی از معترضان در تهران به کیهان لندن می‌گوید: «اعتراضاتی که آغاز شده با آبان ۹۸ فرق دارد. مردم قبل از آنکه نیروهای امنیتی به آنها حمله کنند به سمت آنها یورش می‌برند... انتشار ویدئوهایی که در آنها ماموران کتک می‌خورند آنها را ترسانده و نسبت به سرنوشت خود نگران کرده است.»

در چنین شرایطی است که علی‌خامنه‌ای که بال‌های نظام‌اش در هفته‌های گذشته روی بیماری و مرگ وی مانور می‌دادند، صبح چهارشنبه برای شماری از همین کارگزاران سخنرانی کرد بدون اینکه حتا به اعتراضات مردم و وضعیت بحرانی کشور اشاره کند. البته برخی می‌گویند سخنرانی خامنه‌ای با صدایی خسته و جملاتی کُشدار حاکی از ضعف جسمانی اوست. علی‌خامنه‌ای ۴۹ ساله بود که دار و دسته اکبر هاشمی رفسنجانی پس از مرگ خمینی در خرداد ۱۳۶۸، وی را آیت‌الله کرده و به رهبری جمهوری اسلامی رساندند. خامنه‌ای اکنون ۸۳ سال دارد و سال‌ها از سوی امنیتی‌های نظام بر اساس سرطان پروستات وی چنین شایع می‌شده که حالش وخیم است و ممکن است به زودی بمیرد.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله خود نوشت «ایجاد اغتشاش در ایران از سوی سرویس‌های اطلاعاتی غرب به‌عنوان مکمل تحریم‌هاست.»

مقامات جمهوری اسلامی در انتظار فرا رسیدن فصل سرما و «زمستان سرد اروپا» بودند که گرفتار «پاییز داغ ایران» شدند.

محمد مرندی مشاور تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی در مذاکرات وین پیش‌بینی کرده بود «هرچه توافق دیرتر شود، مشکلات اروپا در زمستان بیشتر می‌شود!» در تهران امیدوار بودند بحران سوخت در اروپا در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین باعث شود آنها در زمستان برای لغو تحریم‌ها علیه رژیم ایران امتیازات بیشتری بدهند.

هرچند دولت‌های غربی بر اساس منافع خود هنوز در واکنش به سرکوب خونین مردم ایران موضع جدی علیه جمهوری اسلامی نگرفته‌اند اما فضای بین‌المللی به شدت علیه جمهوری اسلامی است. حمله سایبری به پرتال‌های نهادهای حساس رژیم از جمله «بانک مرکزی»، «پایگاه اطلاع‌رسانی دولت»، «درگاه دولت هوشمند» و وبسایت «وزارت ارشاد اسلامی» بخشی از کارزاری است که علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده است. پیش از این گروه‌های «انائیموس» یا «گمنام» در حمایت از مردم معترض ایران، از آغاز جنگ سایبری علیه جمهوری اسلامی خبر داد. ساعاتی پس از اعلام این خبر، شماری از وبسایت‌های حکومتی در ایران با اختلال روبرو شدند.

همچنین گفته می‌شود سیستم‌های حساس زیرساخت‌های برق و نیروگاه‌ها در ایران هدف حمله سایبری قرار گرفته است. یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته روز چهارشنبه برخی سیستم‌های شبکه‌ای در حوزه نفت و گاز را خاموش کردند تا مورد حمله احتمالی قرار نگیرد.

● هشدار امانوئل ماکرون به جمهوری اسلامی در دیدار رئیسی در مورد «وضعیت حقوق بشر در ایران»، موضع‌گیری مقامات آمریکایی علیه سرکوب‌ها و لغو برخی تحریم‌ها برای فعالیت اینترنت ماهواره‌ای در آسمان ایران از آثار اولیه خیزش مردم ایران و مشکلات دشوار آن برای جمهوری اسلامی است.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله خود نوشت «ایجاد اغتشاش در ایران از سوی سرویس‌های اطلاعاتی غرب به‌عنوان مکمل تحریم‌هاست.»

● هرچند دولت‌های غربی بر اساس منافع خود هنوز در واکنش به سرکوب خونین مردم ایران موضع جدی علیه جمهوری اسلامی نگرفته‌اند اما فضای بین‌المللی به شدت علیه رژیم است. حمله سایبری به پرتال‌های نهادهای حساس رژیم از جمله «بانک مرکزی»، «پایگاه اطلاع‌رسانی دولت»، «درگاه دولت هوشمند» و وبسایت «وزارت ارشاد اسلامی» بخشی از کارزاری است که علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده است.

● یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته روز چهارشنبه برخی سیستم‌های شبکه‌ای در حوزه نفت و گاز را خاموش کردند تا مورد حمله احتمالی قرار نگیرد.

● یک منبع نظامی به کیهان لندن می‌گوید «با توجه به اینکه رئیسی در آمریکا رژیم برای حفظ ظاهر هم که شده دستور کشتار نداد. اما مشکل رژیم این است که خشم مردم بی‌سابقه است و از موقعیت دفاعی به آفندی تغییر وضعیت داده‌اند... این شرایط سبب ریزش نیروهای نظام و عقب‌نشینی آنها می‌شود.»

موج تازه‌ی اعتراضات علیه جمهوری اسلامی که پس از قتل حکومتی مهسا امینی در محل «گشت ارشاد اسلامی» به راه افتاده با حضور ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در نیویورک برای حضور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل همزمان شده است.

رئیسی گفته بود مأموریتش در نیویورک «تبیین گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی» است اما وضعیت داخلی ایران چنان ملتهب شده که بیش از پیش بر تشدید فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران تأثیر مستقیم خواهد گذاشت.

هشدار امانوئل ماکرون به جمهوری اسلامی در دیدار با ابراهیم رئیسی در مورد «وضعیت حقوق بشر در ایران» به ویژه در مورد وضعیت زنان، موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا و چند نفر از اعضای کنگره پس از سرکوب شدید معترضان، موافقت وزارت خزانه‌داری آمریکا به درخواست ایلان ماسک برای لغو برخی تحریم‌ها جهت فعالیت اینترنت ماهواره‌ای در آسمان ایران از آثار اولیه خیزش مردم و مشکلات دشوار جمهوری اسلامی است.

طبق معمول مقامات و رسانه‌های حکومتی همچنان اعتراضات مردم را به «سرویس‌های اطلاعاتی خارجی» نسبت می‌دهند.

محسن منصوری استاندار تهران مدعی شده «بنا به گزارش دقیق دستگاه‌های متولی، در مسائل اخیر تهران، ردپای مداخله برخی از سفارتخانه‌ها و سرویس‌های خارجی به وضوح مشاهده می‌شود و در بازداشت‌ها تبعه‌هایی از سه کشور خارجی دستگیر شدند.»

# ویژگی‌های فاشیسم مذهبی معاصر



فقر و فلاکت و نابرابری‌های عمیق در همه ابعاد جامعه است. به عبارت دیگر، فاشیسم مذهبی که باید آنرا ترجمان نئوفاشیسم در لباس مذهب و نهادهای آن نامید، با تکیه بر مفاهیم فریبنده اقتدار ملی و توسعه نظامی و امنیتی، هر نوع نگرش درباره توسعه‌ی جامعه را بر مبنای امنیت فردی و دموکراسی‌خواهی انکار کرده و آنرا در نطفه خفه می‌کند. علاوه بر این، با وجود مخالفت آیینی اسلام با اندیشه‌های چپ‌گرایانه، عملاً اتحاد خود را با بقایای چپ پلاسیده و بازمانده از دوران «جنگ سرد» قوام می‌بخشد تا بتواند مفاهیم نادرست خود از «توسعه» را به اجرا بگذارد. این ویژگی‌ها با بیگانه‌هراسی، دشمن‌تراشی و رفتارهای نژادپرستانه آیینی درمی‌آمیزد تا بهتر بتواند فهم نادرست و مغرضانه معطوف به حفظ قدرت خویش را در پوشش سیاست‌های توسعه‌ی عوام‌فریبانه توضیح دهد.

● **تکیه افراطی بر مفاهیم اقتدار، عظمت و شکوه آیینی همراه با ضرورت نظام‌گیری و امنیتی‌سازی همه امور**

در حقیقت نظام فاشیستی مذهبی برای حفظ و استمرار حیات ویرانگر خود از طریق تکیه بر ابعاد روانشناسانه شبه‌ملی‌گرایی می‌کوشد ضرورت حضور خویش را به عنوان پشتیبان و ناجی عظمت مردم و جامعه توجیه کرده و به ضمیر ناخودآگاه توده‌های ساده‌اندیش بقبولاند. بی تردید این مفاهیم در هر متن اجتماعی که در آن توسعه دموکراتیک اتفاق نیفتاده باشد، می‌تواند به بسیج قدرتمند توده‌های مردم بیانجامد. اما به سرعت در پرتو تحولات اجتماعی ویژگی‌های فریبندگی خود را از دست داده و زمینه‌های ریزش هواداران فریب‌خورده خود را فراهم می‌آورد.

● **توسعه و تعمیق ناآگاهی‌های اجتماعی عمومی با توسل به تحمیق ساده‌اندیشانه با باورهای مذهبی**

نظام نئوفاشیست مذهبی با سوء استفاده از باورهای مذهبی غیر قابل اثبات و از همه مهمتر باورهای تخریب‌کننده روح و روان مردم و خرافات، سعی دارد مانع از شکل گرفتن صحیح اندیشه و تأمل و خرد شود. به همین دلیل، مدارس و مراکز آموزشی، دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌های جمعی، سیاست‌گذاری‌ها، و حتی نهادهای سنتی

فاشیست مذهبی به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن سرکوب می‌شود. اسلامی کردن فرهنگ یا همان «نازی‌پروری» مورد نظر هیتلر با دستکاری یوزف گوبلز، این توان بالقوه را دارد تا در کوتاه‌مدت سیطره قدرت عریان و ارتجاعی را در جامعه از طریق کنترل افکار عمومی توسعه بخشد و تعمیم دهد، هرچند که در بلندمدت، به دلیل تناقضات



دکتر محمود مسائلی

ذاتی خویش، راهی بجز تسلیم در برابر اراده مردم ندارد. به هر جهت همانگونه که در ایران امروز نیز دیده می‌شود، میزان تخریب اجتماعی و هدر دادن سرمایه‌های مادی و انسانی حاصل از آن به آسانی قابل جبران نیست.

● **تاسیس ساز و کارهای تمامیت‌خواهی همراه با گرایش محافظه‌کار واپس‌گرا و مخالفت جدی با هر نوع اندیشه توسعه سیاسی و اجتماعی**

اساساً نظام فاشیستی تفسیر خاص خود را از مفهوم توسعه‌ی جامعه ارائه داده و با تقلیل مفهوم توسعه به موضوعات امنیتی و صنایع نظامی، همه توان و سرمایه‌های جامعه را به تباهی و ویرانگری می‌کشانند که نتیجه آن

**محمود مسائلی - پرسش‌ها:** چگونه فاشیسم معاصر با پنهان ساختن خود زیر الفاظ فریبنده اصلاحات می‌کوشد کانون قدرت سیاسی نظام تمامیت‌خواه را از خطر مصون نگه دارد؟ و چگونه این نوع فاشیسم توانسته خود را با جریانات سرکوب همراه سازد؟ چگونه می‌توان با شناخت ویژگی‌های فاشیسم با آن مقابله کرد؟

**ویژگی‌های فاشیسم معاصر**

شاید در هر زمانی این ضرورت را بتوان با جدیت مطرح ساخت که جریانات فاشیستی با راهزنی باورهای مردم ساده‌اندیش همواره سعی در مشارکت با قدرت سیاسی داشته‌اند و برای بقای آن می‌کوشیده‌اند. ایران امروز از این واقعیت‌ها جدا نیست. با این توضیحات می‌توان بر روی مشخصه‌های نظام فاشیستی به هر شکلی که در جامعه وجود داشته و یا ظاهر شود، توجه نمود و اندیشه را از پیش‌فرض‌های اثبات نشده مانند «صدای پای فاشیسم» که مانند کلیشه‌ای مصرف‌رسانه‌ای پیدا می‌کند، نجات داد.

اینکه به راستی فاشیسم چیست و چه ویژگی‌های هراس‌انگیزی دارد، می‌تواند ابزار تحلیلی مناسبی فراهم آورد تا بر اساس آن از میان دو انتخاب، یعنی عبور از فاشیسم مذهبی کنونی برای پایان بخشیدن به مصائب مردم ستمدیده، و یا حفظ نظام کنونی با طرح ترس حاصل از پیش‌بینی «صدای پای فاشیسم»، یکی را انتخاب کرد.

در نوشتار پیشین ابعاد تئوریک فاشیسم به عنوان یک ایدئولوژی سرکوبگر تمامیت‌خواه توضیح داده شد. در این نوشتار کوتاه به اختصار ویژگی‌های فاشیسم به شکلی ساده و بدون تفصیل بیشتر یادآوری می‌شود.

● **ستایش رهبری خودکامه به عنوان نجات‌بخش ابعاد مادی و معنوی مردم**

در نظر داشته باشیم که روح‌الله خمینی به صراحت این داعیه را به عنوان بشارتی رهایی‌بخش به مردم ساده‌اندیش معرفی نموده و نقش خود را به عنوان رهبری فرودین (کاریمزاتیک) تثبیت نمود. حاصل این فریبندگی و اغفال سیاسی که چهره خود را در بسیج گسترده مردم به نمایش گذاشت، جز تباهی منابع مالی، طبیعی، و انسانی جامعه و ابراز پشیمانی از آنچه اتفاق افتاده نبوده است.

● **تقدیس یک آیین خاص و جزمی فراتر از عقلانیت و خرد جمعی**

کشاندن ایمان و اعتقادات مردم باورمند به حیطه ایدئولوژی اسلام سیاسی تمامی شالوده‌های خردمندی و تأمل و اندیشه مستقل را که لازمه یک نظام سیاسی دموکراتیک است به ویرانی کشاند. اسلامی‌کردن همه ابعاد جامعه، درست مانند «نازی‌پروری» اجتماعی و فرهنگی است که در دوران سلطه‌ی آلمان نازی در آن کشور پیش از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. چنین تقدیسی لازمه ضروری و روانشناسانه فراهم آوردن فضایی است که در آن «پیشوا» و «رهبر» نظام به عنوان ناجی چهره خود را به نمایش گذاشته اما از قبول هر نوع مسئولیتی در قبال ویرانی جامعه می‌گریزد.

● **به تسخیر در آوردن همه ابعاد زندگی توسط آیین/ایدئولوژی حکومتی (نازی‌پروری)**

هدف این تسخیر که از طریق ربودن و در اختیار گرفتن انحصاری باورهای مردم ناآگاه انجام می‌شود، فضایی یکصدا و یکدست است که در آن هر صدای انتقادی با عنوان دگراندیشی و یا براندازی نظام تمامیت‌خواه فاشیست و

→ مذهبی مانند مساجد و مراکز مذهبی، همه به تسخیر کسانی در می‌آید که با توجیه و توسعه افکار پوسیده و خرافی خویش می‌کوشند نظام فاشیستی و منافع عظیم حاصل از آنرا برای خود حفظ کرده و دست‌نخورده باقی نگهدارند.

● **حضور فعال گروه‌های خاص در نظام تصمیم‌گیری کشور که با تقدیس رهبر خودکامه همه ابزارهای قدرت را در انحصار دارند**

این گروه‌های خاص که خود را زیر عباي اسلامگرایی پنهان ساخته‌اند و از سوی روشنفکرهایمان عاری از شرافت انسانی حمایت می‌شوند، همه به تقدیس و پای‌بوسی رهبر خودکامه می‌پردازند تا از این راه بتوانند سرمایه‌های عظیم مملکت را غصب و در انحصار خود درآورند. دزدی‌ها و چپاول همه منابع طبیعی و مالی کشور برآیند این نوع انحصارطلبی گروه‌های خاص یا مافیایی است که از همان آغاز انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

● **سازماندهی خشک‌اندیشان بی‌اراده و تهی مغز مانند «پیراهن قهوه‌ای‌ها»ی رژیم هیتلری که در جمهوری اسلامی «نیروهای خودجوش» و «ولایتمدار» و «ذوب در ولایت» و «آتش‌به‌اختیار» نامیده می‌شوند برای سرکوب‌های وحشیانه و غیرانسانی صدهای معترض**

این درواقع بی‌اختیارانی که به آنها برای سرکوب عنوان «آتش‌به‌اختیار» داده شده و تا بن دندان به باورهای جزمی و عقب‌مانده نیز مسلح شده‌اند، از سرکوب وحشیانه مردم هیچ پروایی نداشته و حتی آنرا جزو فضایل مذهبی و آیینی خود می‌دانند. به همین دلیل با وضو و زیر عناوین نمادهای مقدس خویش مردم را بی‌رحمانه سرکوب کرده، حق حیات آنها را را به آسانی سلب می‌کنند و اینگونه اقدامات خود را عین دیانت و باورمندی می‌شمارند. بی‌تردید ابعاد کاسبکارانه مذهبی، یعنی وفای به تقدس مذهبی زیر فرمان و سهمیه از «سفره انقلاب» نیز دارد که به نظرشان کاملا مشروع و در راستای انجام فرایض مذهبی است.

● **حضور گسترده و فعال در نظام آموزش و پرورش و تربیت برای کنترل افکار و هویت کودکان و نوجوانان و جوانان.**

آنزمانی که روح‌الله خمینی می‌گفت سربازان ما کودکانی هستند که هنوز شیرخواره و در گهواره‌اند، طرح فریبنده و فاشیستی خود را به وضوح بیان داشت. اما ماهیت و ابعاد مهیب و ویرانگر آن به دلیل عدم توسعه‌ی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در کشور آشکار نگردید. امروزه با مصائبی که بر ملک و مملکت رفته، بخش اعظم همان جوانان نظام تمامیت‌خواه را به چالش کشده‌اند. درواقع نوعی نبرد ناگزیر میان طرح‌های فریبنده اغفال جوانان و واقعیات جامعه مدت‌هاست شکل گرفته. از یکسو طرح درمانده و از پیش شکست خورده نوحه‌ی تبلیغاتی «سلام فرمانده» و از دیگرسو خیل عظیم جوانانی که با وجود رشد و نمو در همین نظام اسلامی، «سلام فرمانده» و تلاش‌های تبلیغاتی مشابه آن را به طنز و تمسخر می‌گیرند. چنین نبردی این واقعیت را آشکار می‌سازد که تبلیغات فاشیستی کارآیی خود را از دست داده و در حال فرو ریختن و نابودی است.

● **بازی با الفاظی مانند صلح و دیالوگ و دیپلماسی و شرافت و شأن انسان برای فریب ساده‌اندیشان و مصرف داخلی**

به عنوان مثال، هیتلر در برپایی المپیک ۱۹۳۶ برلین این داعیه را مطرح می‌ساخت که دولت وی خواهان دیالوگ و دوستی با جهان است! دامنه این تبلیغات به گونه‌ای فریبنده بود که حتی رئیس کمیته ملی المپیک آمریکا نیز به

آن تسلیم شد. امروزه نیز حامیان ریز و درشت نظام اسلامی خواه آنهایی که جامه شبه‌روشنفکری به تن کرده‌اند و یا آنانی که زیر عنوان هنرمند و ورزشکار در صحنه‌های جهانی حضور می‌یابند، همگی با الفاظ فریبنده صلح‌دوستی و همگرایی با جهان تلاش می‌کنند ستم و سرکوب بی‌رحمانه



و غیرانسانی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی را از چشم جهانیان پنهان سازند.

● **بسیج توده‌ای مردم نا آگاه و ساده‌اندیش در جهت اهداف نظام فاشیستی با برگزاری انتخابات نمایشی**

برگزاری انتخابات نمایشی نیز از ویژگی‌های بارز فاشیسم است. این حيله‌گری با حمایت لایب‌گراگان انسان‌فروش همواره توجیه شده و سعی می‌کند به جهانیان بقبولاند که نظام به رای مردم احترام گذاشته و بر بنای این رأی استوار است و مشروعیت یا حقانیت دارد. هرچند که این حيله‌گری به تدریج با افزایش آگاهی‌های مردمی رنگ باخته، اما این خطر همچنان وجود دارد که حضور مردم (هرچند که شمار آن نازل باشد) در پای صندوق‌های رای باز هم یاری‌رسان نظام تمامیت‌خواه برای کسب مشروعیت باشد.

● **مبارزه سرسختانه با دموکراسی پارلمانی، سیاست‌های چندفرهنگی، احترام به اقوام و ملت‌های دیگر، تساهل مذهبی، گروه‌های جنسیتی و تنفر از گفتمان حقوق بشر**

مبارزه با هر آنچه «دیگری»ست نیز ویژگی نئوفاشیسم از جمله فاشیسم مذهبی است. نظام فاشیستی هیچ ابایی برای پنهان ساختن این ویژگی‌های خود نداشته و همواره آنرا از جمله با هدف ارباب جامعه به عریانی به نمایش می‌گذارد.

● **سانسور شدید، کنترل همه رسانه‌ها و سیاست‌های تک‌حزبی**

اینها نیز در جهت حفاظت از نظام فاشیستی و رهبری آن اعمال می‌شود.

● **دشمن‌تراشی دائمی**

داشتن «دشمن» یکی از بنیادهای فاشیسم است تا بتواند توده مردم را بسیج کند. این دشمن بر اساس اوهام رهبری و رهنمودهای مشاوران چاپلوس و اتاق‌های فکر وی تراشیده می‌شود که البته ریشه در عقاید و آئینی دارد که نظام فاشیستی مربوطه بر اساس آن بنا شده.

فاشیستی می‌ترسانند.

● **تاکید بر شاعر آیینی همراه با برجسته ساختن سمبل‌ها، شمایله‌ها، و بیرق‌ها**

تبلیغات مداوم و بازی با احساسات و عواطف زودباوران و ساده‌اندیشانی که اندیشه و عقل خود را به نظام فاشیستی و رهبر آن می‌سپارند، از بنیادهای حفظ فاشیسم اعم از مذهبی و غیرمذهبی است.

● **پدرسالاری و انکار هنر و ارزش هویتی برای زنان**

ویژگی ضدزن در فاشیسم مذهبی نمود بیشتری دارد اگرچه فاشیسم چه مذهبی و چه غیرمذهبی هرگز گروه‌ها و گرایش‌های جنسیتی دگرباشان را تحمل نمی‌کند.

● **تمایلات امپریالیستی آیینی در مقابله با مفاهیم و رفتار قابل قبول در جامعه جهانی**

در این ارتباط، آلمان نازی سیاست‌های توسعه‌طلبانه به سوی شرق را در پیش گرفت. انقلاب اسلامی از آن نیز فراتر رفته و صدور انقلاب و ایجاد حکومت اسلامی در همه جهان را هدف قرار داد.

● **تکیه بر گروه‌های خاص و کشاندن جامعه به نوعی قطب‌بندی**

این تلاش برای دامن زدن به جدایی و پراکندگی در جامعه، بر بستر «برتری نژادی» پیش می‌رود؛ مانند آریایی‌های مورد نظر هیتلر و شیعیان ذوب در ولایت برای حکومت اسلامی در ایران.

● **نظام اقتصادی شراکتی**

این کار از طریق سازماندهی بخش‌های مهم و اصلی صنعت و کشاورزی و همه حرفه‌ها و فرهنگ و هنر در اتحادیه‌ها و انجمن‌های «کارگری» و «کارفرمایی» انجام می‌شود که همگی تحت کنترل حکومت هستند و از یکسو اجازتهای ایجاد تشکلهای مستقل را در هیچ عرصه‌ای نمی‌دهند و از سوی دیگر هر تشکلی را که ادعای استقلال داشته باشد، تحت نفوذ و نظارت قرار می‌گیرد.

● **فساد گسترده**

رژیم‌های فاشیست بنا بر ذات خود فسادزا و فاسدپرور هستند آنهم در حالی که زیر عنوان مبارزه با فساد توسط گروه‌ها و باندهای مافیایی که در نظام عناوین و مناصبی دارند، با حفظ هسته‌ی اصلی فساد که در خود نظام و زمامداران اصلی آن است، به این فساد دامن می‌زنند.

● **بی‌حرمتی علیه هنر و ادبیات، خلاقیت و اندیشه و شکوفایی انسان**

فرهنگ و هنر از شعر و موسیقی تا سینما و ورزش و هر عرصه‌ای که به خلاقیت و شکوفایی انسان ربط داشته باشد یا مجاز نیست یا تحت کنترل است تا همگی در خدمت نظام فاشیستی و ستایش رهبر فاشیست و اهداف وی قرار داشته باشند. تقدیم مدال‌های ورزشی و جوایز هنری به علی‌خامنه‌ای یکی از سخیف‌ترین و زشت‌ترین نمونه‌ها در این زمینه است.

● **همه مردم گناهکارند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود**

و سرانجام اینکه در فاشیسم مذهبی هیچکس در امان نیست و همه گناهکار و مجرم به شمار می‌روند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. فرهنگ «توبه» و اعترافات اجباری و شوهای تلویزیونی برای ابراز وفاداری به نظام و رهبری آن اگرچه سال‌هاست نه تنها اعتباری ندارد بلکه سبب آبروریزی جمهوری اسلامی می‌شود اما سندی بر این ادعاست.

● **دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا**

«تعهد»ی که شاعران دوران مشروطه پایند آن بودند به گوهر و در عمل از مفهوم «تعهد» در شعر زمانه‌ی ما و استنباطی که امروزیان از «شعر و هنر متعهد» دارند بیگانه نبود هرچند در جامعه‌ی آن روزگار از ابعاد نظری و فلسفی نظریه‌ی «تعهد در هنر» سخنی در میان نبود، با وجود این با مروری در آثار و نگاهی به آفرینش ادبی آن دوران، نایجا نخواهد بود اگر بگوییم که شعر مشروطه به معنای امروزین کلمه «شعر متعهد» بوده است. متعهد به آرمان آزادیخواهی و تجدد و وطن‌دوستی.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ ارداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد.

شاعر گرمی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادیخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

\*\*\*\*\*

### بخش پایانی

طی یازده گفتار پیشین کوشیدیم تا با طرح و ارائه‌ی زمینه‌ها و پیش‌زمینه‌های شعر دوران مشروطیت، تا حدی ویژگی‌های شعر مشروطه را به لحاظ زبان و فرم باز شناسیم و بر این مبنا از اندیشه‌های مندرج در آن و ایده‌آلهایی که شاعران دوران مشروطیت منادی آن بودند سخن گفتیم و کوشیدیم خطوط کلی کار و میراث شاعرانه‌ی هریک از آنان را هم در زمینه‌ی فرم و زبان و هم در حوزه‌ی اندیشه و فکر بیان داریم. آنچه در این قسمت به عنوان بخش پایانی و نتیجه‌ی گفتارهای پیشین شایسته‌ی بیان است، می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

۱- زبان و سبک و شیوه شعر مشروطیت بر شعر دوره سبک بازگشت متکی بود. یعنی سبکی که خود نگاهی به عصر طلایی شعر کهن و به سبک خراسانی داشت و نوعی نوزایی در زبان شعر به شمار می‌رفت و از دوران زندیه تا اواخر قاجار ادامه یافت.

شاعران دوران مشروطیت به لحاظ زبان شعری فرزندان سبک بازگشت بودند و بزرگانی چون قائم مقام فراهانی، فتح‌الله خان شیبانی و ادیب‌الممالک فراهانی با پرداختن به مسائل اجتماعی و گاه سیاسی و بهره‌وری از زبان شعر برای ایجاد تحرک و بیداری مردم در جامعه‌ای گرفتار سکون، در حقیقت نقش رابط و واسطه میان شاعران عصر مشروطه با شاعران سبک بازگشت در دوران زندیه و قاجار ایفا کردند. جالب است بدانیم که نیما یوشیج هم که مبدع و مبتکر سبکی نو در شعر فارسی معاصر شمرده می‌شود از پی همین شاعران مشروطه یعنی دهخدا، بهار، ایرج و لاهوتی و عشقی (که دوست نزدیک او بود و نخستین شعرهای نیما را در روزنامه‌اش «قرن بیستم» چاپ کرده بود) آمد.

زبان شعر نیما، هم آنچه در سبک کلاسیک و هم آنچه در اوزان نیمایی سروده، همچون دیگر شاعران از نظر زبان و شیوه‌ی بیان، و نه از نظر شکل، و مضمون و نگاه، متکی به زبان شعری سبک خراسانی است و از این بابت نیما نیز همچون دیگران وامدار شعر دوره‌ی بازگشت محسوب می‌شود. بیهوده نیست که برجسته‌ترین شاعری که پس از نیما توانست نوآوری‌های او را در زمینه وزن آزاد عروضی، به شیوه‌ی روشمند تبیین کند مهدی اخوان ثالث بود که زبان شعریش با زبان سبک خراسانی یعنی شاعران کلاسیک قرن

## طبع من مسئول تاریخ است وگر مانم خموش، هان به وجدانم مرا، تاریخ مدیون می‌کند! درباره شعر مشروطیت ایران (۱۲)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

چهارم و پنجم و ششم پیوندناگستنی دارد.

برای اینکه ببینیم تا چه اندازه زبان شعر نیما متأثر از زبان شعر سبک بازگشت یا سبک خراسانی است دو نمونه کوتاه یکی به شیوه کلاسیک و یک نمونه در وزن ابداعی خود وی در زیر می‌خوانید:



دفاع انقلابیون مشروطه از پل «دوه‌چی» در تبریز؛ ۱۹۰۹

در پیچ روحانیت شیعه اثنی عشری که اختاپوس‌وار به روح و فرهنگ و ثروت مردم ایران چنگ انداخته بود- و اکنون به شکل مهیبی همه‌ی توان و نیروی سیاسی و انسانی و مادی ملت ایران را یکجا در خدمت این فرونخواهی و جهان‌خوارگی سپری‌ناپذیر خود قرار داده- همچنان در دستور روز و آرمان اصلی و هدف نخستین مردم ایران و آزادیخواهان و تجددطلبان است.

۳- مضمون و دروغ‌پایه شعر شاعرانی همچون دهخدا، بهار، صابر، ایرج، عشقی، فرخی، عارف و لاهوتی که از آزادی سخن می‌گفت و بر پیکر دنیای کهن می‌کوبید و تحجر و استبداد را به شلاق می‌کشید، فریادیست که همچنان در گلوئی ملت ایران گره خورده و بیان و طرح آنها به حنجره و جسارت و ازخودگذشتگی شاعرانی همچون شاعران دوران مشروطیت نیازمند است.

بخش مهمی از این آرمان‌ها که از مشروطیت تا امروز به همت روشنفکران و نیروهای مبارز جان برکف و با تقدیم کشته و زندانی، زمینه‌ی انقلاب ۵۷ را فراهم ساخته بود، به باد غارت رفته و همچنان دست‌نیافتنی باقی مانده است.

آزادی، عدالت اجتماعی، حاکمیت ملی و قانون،



نمونه شعر نیما در وزن کلاسیک:

در سرزمین نیل عقاب‌ست کان عقاب  
همچون شب سیاه‌ست از پای تا به سر  
چشمان او چنان که فروزندگان بر آب  
مقارهاش خوف رفتارهاش شر  
توفنده‌ی شناور و ابری‌ست تن گران  
در کشتگاه خود گشت آوره اگر  
وندر که قرارش بر خاک داده تن  
سیلی‌ست منجمد ناگه به ره‌گذر  
پرها فشانند از تنش آن آسمان نورد  
پردازد او، دل از امید پرغر

می‌بینیم که اگرچه رگه‌هایی از جستجوگری و نوآوری در ابیات احساس می‌شود، با اینهمه شعر زنگ زبان کلاسیک دارد و قصاید کسانی چون ناصرخسرو را به یاد می‌آورد، هم از لحاظ زبان و هم به لحاظ وزن: «پرها فشانند از تنش آن آسمان نورد» و وزن سنگینش مفعول فاعلات و مفاعیل و فاعلن الی آخر. همچنین است زبان و طنین و وزن و زنگ در بسیاری از شعرهایی که نیما با شیوه‌ی ابداعی خود سروده است:

جیب سحر شکافته زآوای خود خروس



→ **تحدید سلطه ارتجاع و برداشتن موانع تجدد، یعنی آرزوها و مضامین و موضوعاتی که شاعران دوران مشروطه با آن شیفتگی و اصالت و صمیمیت مطرح می‌کردند، همچنان همچون سیمرغ و کیمیا، دور از دسترس ملت ایران قرار دارد سهل است، ارتجاع مذهبی بر کل هستی ایرانیان جنگال خونین فرو برده است. زنان در حجاب رفته‌اند و روحانیت که قدرت نامحدود و مطلقه‌ی سیاسی و اقتصادی را بر قدرت روحانی و مذهبی پیشین افزوده، دنیا و آخرت ایرانیان را به زیرمهمیز خود گرفته و از خدا شلاق ساخته و بر پیکر مردم ایران می‌کوبد. پس سخن آنان (شاعران مشروطیت) سخن همین امروز ما ایرانیان است و شاعران قرنِ پیشین ما، به نوعی خود شاعران همین امروز ما نیز هستند.**

به ویژه آنکه انحطاط اجتماعی و تلاش قدرت حاکم چه از طریق سانسور یا تحمیل خودسانسوری و چه از طریق خریدن یا دست‌کم ساکت کردن بسیاری از اهل شعر و ادب بی‌تأثیر نبوده و از این رهگذر، بی‌معنا ساختن و بی‌محتوا شدن شعر، سخن شکوهمند فارسی را در روزگار استبداد ملایان دچار انحطاطی جبران‌ناپذیر کرده است.

۴- شاعران عصر مشروطیت در کنار بسیاری از متفکران و نویسندگان آن عصر پرچمدار آزادی و عدالت اجتماعی و منادیان انسانگرایی و ایده‌آل‌های مندرج در افکار و اندیشه‌های مدرن بودند و شعر آنان به عنوان مهم‌ترین رسانه‌ی فرهنگی آن دوران در خدمت بیان این اندیشه‌ها درآمد و روحیه و اخلاق و افکار و فرهنگ خاص ایران و عامه‌ی مردم را شکل و جهت داد.

گفتنی است «تعهد»ی که شاعران دوران مشروطه پایبند آن بودند به گوهر و در عمل از مفهوم «تعهد» در شعر زمانه‌ی ما و استنباطی که امروزیان از «شعر و هنر متعهد» دارند بیگانه نبود هرچند در جامعه‌ی آن روزگار از ابعاد نظری و فلسفی نظریه‌ی «تعهد در هنر» (چنانکه از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد مطرح شد) سخنی در میان نبود، با وجود این با مروری در آثار و نگاهی به آفرینش ادبی آن دوران، ناچار نخواهد بود اگر بگوئیم که شعر مشروطه به معنای امروزی کلمه «شعر متعهد» بوده است. متعهد به آرمان آزادیخواهی و تجدد و وطن‌دوستی، از این رو متعهد به ایستادن در برابر ارزش‌های پوسیده جهان کهن و مقابله با استبداد و تحجر و نیز ایستادگی در برابر قدرت‌های استعماری و چاپاولگری که کشور ما را به روز سیاه نشانده بودند. عشقی بی‌تی دارد که دقیقاً روشنگر و مؤید این سخن است:

**طبع من مسئول تاریخ است و گر مانم خموش  
هان به وجدانم مرا، تاریخ مدیون می‌کند!**

جامعه‌ی امروز ایران بی‌تردید مدیون شور، آرمانگرایی، وطن‌دوستی و از خودگذشتگی آنان است که اکثراً یا ترور شدند، یا طعم زندان چشیدند و یا غربت و تبعید، چه در وطن و چه بیرون از وطن، صله و جایزه‌ای بود که اصحاب قدرت و زور و زر به آنان ارزانی کردند.

نسل امروز و نسل‌های فردا باید بدانند که:

الف: اگر ائتلاف شوم روحانیت حاکم شیعه‌ی اثنی عشری و ارتجاع متحجر هم‌پیمان او یعنی دلالات بی‌فرهنگ بازار سنتی توانست و تا اکنون نتوانسته است زنان ایران را همچون طالبان در خانه‌ها به زنجیر کشد و به درون نقاب‌های قرون وسطایی بفرستد، بخش اعظمی از آن را جامعه‌ی ایران مدیون شاعرانی است همچون عارف و ایرج و عشقی و فرخی و لاهوتی و دهخدا و بهار که با شعرهای مهیج و کوبنده و روشنگر خود زمینه‌ی فرهنگی چنین بازگشتی را از میان برداشته و دست سنت‌گرایان جاهل و متحجر را بسته بودند. ب: اگر روحانیت در انقلاب ۵۷، ناگزیر به پذیرش شعار آزادی شد و اگر به هر حال به وجود پارلمان رضایت داد-اگرچه آن

را از معنا تهی کرد و کاریکاتور شرم‌آور و خفت‌آلودی از پارلمان در ایران را در برابر چشم جهانیان به نمایش در آورد، نیز اگر حکومت استبداد ملایان در برابر بسیاری از خواست‌ها و آرمان‌های انقلاب- هرچند مزورانه و بطور موضعی و موقتی- عقب کشید و میدان تهی کرد، باز هم به واسطه‌ی مبارزه‌ای است که این شاعران با حربه‌ی شعر خویش در جامعه‌ی ایران به پیش برده و آزادی، قانون، حق حاکمیت ملی و وجود پارلمان را بخش‌گریزناپذیر مطالبات مردمی و از خواسته‌های اساسی مردم ایران کرده بودند. بنابراین کوشش شاعران دوران مشروطیت، و چنانکه گفتیم، نویسندگان و اندیشمندان هم‌رمز و همراه آنان از نوع آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی، احمد کسروی، حسین تقی‌زاده، مستشارالدوله، دهخدا و دیگران در این دوران بوده است که دست و پای تحجر و جهل بومی را به نحو بازگشت‌ناپذیری بسته و آرزوی بازگشت به جاهلیت ناب ایدئولوژیک و رؤیای خلوص‌گرائی‌های اسلام سیاسی و بنیادگرایی ضد تاریخی و ضد انسانی را برای همیشه در ایران عقیم کرده است.

و درست از همین روست که حکومت‌یافتگانِ چهل سال اخیر در ایران با وجود آنکه قدرت مطلقه‌ی سیاسی و اقتصادی را بطور کامل و انحصاری در اختیار دارند و با آنکه از قسوت و دناوت و بی‌شرمی هیچ‌یک از دیکتاتورها و جانباور کل تاریخ بشری چیزی کم ندارند، با اینهمه از پی افکندن جامعه‌ی عهد بوقی خود و برپا داشتن تمام و کمال «مدینه‌ی رذیله»ی خود، یعنی حاکمیتی از نوع طالبان و عربستان سعودی در ایران برای ابد ناتوان هستند. و این آرزویی است که بطور قطع با خود به بهشت موهومی که به ما وعده می‌دادند یا به جهنمی سوزان‌تر از آنچه در روزگار ما زیر پای ملت مظلوم ایران برافروختند خواهند برد. یاد شاعران مشروطیت جاودانه باد و شجاعت و جسارت و روشنگری و آزادیخواهی و وطن‌دوستی و احساس مسئولیت آنان نسبت به آینده‌ی ملتی که همچنان در اسارت ظلمت و زور مانده است، سرلوحه و چراغ راهنمای شاعران امروز و هر روز ایران باد!

در بخش پایانی گفتار در باره شعر مشروطیت شایسته است که سخن را با دو شعر برگزیده و نمادین این شاعران به پایان برد. نخست شعر معروف استاد بزرگ علی اکبر دهخدا که دعوتی است برای حفظ خاطره و یاد بزرگانی که بر عهد و پیمان خود وفا کردند و بی‌دریغ و سخت‌کوش جان شیرین در راه آزادی برای مردم ایران نهادند.

**ای مرغ سحر، چو این شب تار**

**بگذشت ز سر سیاهکاری**

**وز نفع‌هی روح‌بخش اسحار**

**رفت از سر خفتگان خماری**

**بگشود گره ز زلف زر تار**

**محبوبه‌ی نیلگون عماری**

**یزدان به کمال شد پدیدار**

**واهریمن زشت‌خو حصاری**

یاد آر ز شمع مرده، یاد آر

**ای مونس یوسف اندر این بند**

**تعبیر عیان چو شد تو را خواب**

**دل پر ز شعف، لب از شکرخند**

**محسود عدو، به کام اصحاب**

**رفتی بر یار خویش و پیوند**

**آزادتر از نسیم و مهتاب**

**زان کو همه شام با تو یکچند**

در آرزوی وصال احباب

**اختر به سحر شمرده، یاد آر**

**چون باغ شود دوباره خرم**

**ای بلبل مستمند مسکین**

**وز سنبل و سوری و سپرغم**

**آفاق، نگارخانه‌ی چین**

**گل، سرخ و به رخ عرق ز شبنم**

**تو داده ز کف قرار و تمکین**

**زان نوگل پیشرس که در غم**

ناداده به نار شوق تسکین

**از سردی دی، فسرده یاد آر**

**ی همه تبه پور عمران**

**بگذشت چو این سنبل معدود**

**وان شاهد نغز بزم عرفان**

**بنمود چو وعد خویش مشهود**

**وز مذب ز چو شد به کیوان**

**هر صبح شمیم عنبر و عود**

**زان کو به گناه قوم نادان**

در حسرت روی ارض موعود

**بر بادیه جان‌سپرده یاد آر**

**چون گشت ز نو زمانه آباد**

**ای کودک دوره‌ی طلایی**

**وز طاعت بندگان خود شاد**

**بگرفت ز سر خدا، خدایی**

**نه رسم ارم، نه اسم شداد**

**گل بست زبان ژاژخایی**

**زانکس که ز نوک تیغ جلا**

مأخوذ به جرم حق‌ستایی

**تسنیم وصال خورده، یاد آر**

و شعر دوم از ایرج میرزا تا پایان این گفتار دوازده‌گانه با

شکفتن لبخندی هرچند حزن‌آلود بر لب‌ها همراه باشد.

**در سردر کاروانسرای**

**تصویر زنی به گچ کشیدند**

**ارباب عیام این خبر را**

**از مخبر صادقی شنیدند**

**گفتند که وا شر بعتا خلق**

**روی زن بی‌نقاب دیدند**

**آسیمه‌سر از درون مسجد**

**تا سردر آن سرا دویدند**

**ایمان و امان به سرعت برق**

**می‌رفت که مؤمنین رسیدند**

**این آب آورد آن یکی خاک**

**یک پیچه ز گل بر او بردند**

**ناموس به باد رفته‌ای را**

**با یک دو سه مشت گل خریدند**

**چون شرع نبی ازین خطر جَست**

**رفتند و به خانه آمدند**

**غفلت شده بود و خلق وحشی**

**چون شیر درنده می‌جهیدند**

**بی‌پیچه زن گشاده رو را**

**پاچین عفاف می‌دریدند**

**لب‌های قشنگ خوشگلش را**

**مانند نبات می‌مکیدند**

**بالجمله تمام مردم شهر**

**در بحر گناه می‌تپیدند**

**درهای بهشت بسته می‌شد**

**مردم همه می‌جهنمیدند**

**می‌گشت قیامت آشکارا**

**یکباره به صور می‌دمیدند**

**طیر از وکرات و وحش از حجر**

**انجم ز سپهر می‌رمیدند**

**این است که پیش خالق و خلق**

**طلاب علوم روسفیدند**

**با این علما هنوز مردم**

**از رونق ملک ناامیدند**

# اعتراضات سراسری در ایران؛ سکوت خامنه‌ای، اعلام قطع اینترنت، سناریوسازی علیه مردم



● موج اعتراضی مردم علیه نظام سراسر ایران را فرا گرفته و شهرهای مختلف صحنه روسری سوزی زنان، شعارهای تند علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی و رویارویی شجاعانه مردم با نیروهای امنیتی و انتظامی و بسیجی‌های حکومت است.

● سکوت علی خامنه‌ای در اینبار از یکسو می‌تواند نشانه «بی‌اهمیت» قلمداد کردن جان باختن مهسا و اعتراضات مردم باشد و از سوی دیگر می‌تواند مقدمه‌ای بر دستور پشت پرده‌ای برای سرکوب گسترده معترضان از امروز تعبیر شود.

● وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی: به خاطر مسائل امنیتی امروز احتمال دارد محدودیت‌هایی توسط نهادهای امنیتی در خصوص سرعت اینترنت ایجاد شود که طبیعی است.

● به دلیل پراکندگی و گستردگی اعتراضات و همچنین قطع پی در پی اینترنت در شهرهای محل اعتراض، هنوز آمار دقیقی از بازداشت‌شدگان، مجروحان و کشته‌شدگان در دست نیست.

● احمدحسین فلاحی نماینده همدان در مجلس شورتی اسلامی در سخنانی عجیب مدعی شده سفر مهسا امینی از سقز به تهران، بازداشت توسط ارشاد اسلامی و جان باختن او سناریوسازی بوده است!

● استاندار تهران: «رد پای مداخله برخی از سفارتخانه‌ها و سرویس‌های خارجی به وضوح مشاهده می‌شود» و «تبعه‌هایی از سه کشور خارجی» دستگیر شدند!

بیش از ۴۰ شهر در شب گذشته به اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی در پی قتل مهسا (ژینا) پیوسته‌اند. همزمان سناریوسازی حکومت درباره معترضان نیز مانند همیشه در شرایطی آغاز شده که به نظر می‌رسد در گوشه‌ی میدان نبرد ۴۳ ساله گیر افتاده است.

پنجمین روز اعتراضات سراسری مردم ایران به قتل حکومتی مهسا امینی و علیه جمهوری اسلامی امروز چهارشنبه چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در چند شهر و دانشگاه از سر گرفته شده است. شب گذشته نیز مردم در شهرهای مختلف اعتراضاتی بی‌سابقه علیه جمهوری اسلامی را در بیش از ۲۶ استان به نمایش گذاشتند.

«امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «رضاشاه می‌میریم مملکتو می‌گیریم»، «رضاشاه روحت شاد»، «اگه با هم یکی نشیم، یکی یکی تموم می‌شیم»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «نگ ما ننگ ما رهبر الدنگ ما»، «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، «تجاوز، جنایت، لعنت بر این ولایت»، «ما از ایران نمی‌رویم، ایران رو پس می‌گیریم» از جمله

شعارهای معترضان در شهرهای مختلف است.

تهران، شیراز، ایلام، قزوین، زنجان، یزد، بندرعباس، خرم‌آباد، کرمان، سقز، کرمانشاه، کرج، اراک، همدان، سنج، مشهد، گرگان، قم، رشت، رفسنجان، اردبیل، تبریز، ارومیه، بیرجند، مریوان، سبزوار، ساری، ماکو، قروه، بوشهر، بیجار، نقده، آبدانان و جزیره کیش از جمله شهرهایی هستند که اعتراضات سراسری در غروب و شامگاه سه‌شنبه در آنها در جریان بود.

موج اعتراضی مردم علیه نظام سراسر ایران را فرا گرفته و شهرهای مختلف صحنه روسری سوزی زنان، شعارهای تند علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی و رویارویی شجاعانه مردم با نیروهای امنیتی و انتظامی و بسیجی‌های حکومت است.

در چنین شرایطی علی خامنه‌ای در سخنانی امروز چهارشنبه ۳۰ شهریور که به مناسبت سالروز آغاز جنگ ایران و عراق در دیدار با فرماندهان و سربازان دوران جنگ داشت، هیچ اشاره‌ای به کشته شدن مهسا امینی و اعتراضات گسترده‌ی سراسری در ایران نکرد!

سکوت علی خامنه‌ای در اینبار از یکسو می‌تواند نشان از «بی‌اهمیت» جلوه دادن جان باختن مهسا و اعتراضات مردم باشد و از سوی دیگر می‌تواند مقدمه‌ای بر دستور پشت پرده‌ای برای سرکوب گسترده معترضان از امروز تعبیر شود.

احتمال سرکوب گسترده معترضان با خبر قطع و محدود ساختن اینترنت از امروز که توسط وزیر ارتباطات مطرح شده، افزایش می‌یابد. عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات دولت «قاضی مرگ» در حاشیه جلسه هیئت دولت سیزدهم گفته که «به خاطر مسائل امنیتی امروز احتمال دارد محدودیت‌هایی توسط نهادهای امنیتی در خصوص سرعت اینترنت ایجاد شود که طبیعی است.» سرکوب گسترده اعتراضات در روزهای گذشته نیز وجود داشته و شمار زیادی از معترضان بازداشت و زخمی شدند و تعدادی نیز جان باختند. همچنین سناریوسازی به عنوان مقدمه‌ای بر سرکوب گسترده و مسلحانه مردم از سوی مقامات جمهوری اسلامی در جریان است.

احمدحسین فلاحی نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی در سخنانی عجیب مدعی شده سفر مهسا امینی از سقز به تهران، بازداشت توسط ارشاد اسلامی و جان باختن وی سناریو بوده است! او البته توضیح ن داده چطور یک دختر جوان ۲۲ ساله می‌تواند خود را به بازداشت گشت ارشاد درآورد بطوری که مورد ضرب و جرح قرار بگیرد و به کما برود و جان ببازد!

احمدحسین فلاحی همچنین گفته «مهسا امینی از زمانی

که از کردستان به سمت تهران حرکت می‌کند، فردی از او تا تهران و سپس بیمارستان و آی‌سی‌یو فیلمبرداری می‌کند. این یک سناریو مانند موضوع ندا آقاسلطان بوده است. در رابطه با فردی که فیلمبرداری کرده است نباید مثل قضیه ندا آقا سلطان بشود که آن فرد مرتبط با موضوع از کشور خارج شد. هدف از این ماجرا یک برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده بود؛ همانطور که سران فتنه از قبل شروع کرده بودند به رد و بدل کردن نمادهای ققنوس و غیره!»

جدا از مهملبافی مقامات جمهوری اسلامی درباره مهسا امینی و جان باختن فجیع و غم‌انگیز وی، اتهام زدن به مردم معترض هم در دستور کار مقامات امنیتی نظامی جمهوری اسلامی و ارتش سایبری «جهاد تبیین» قرار گرفته است.

محسن منصوری استاندار تهران در توییتی نوشت که «رصد‌های اطلاعاتی و بررسی‌های فنی» که او روشن نکرد از سوی کدام نهاد انجام شده، نشان می‌دهند «حدود یک‌هزار و ۸۰۰ نفر از افراد حاضر در تجمعات دوشنبه شب تهران»، سابقه حضور در تجمعات و «بعضاً اغتشاشات قبلی» را داشته‌اند! گویا ساده‌ترین واقعیت به ذهن این مقام نمی‌رسد که معترضان کسی جز مردم و ساکنان تهران نیستند و طبیعی است که در اعتراضات شرکت داشته باشند!

استاندار تهران در این توییت اشاره‌ای به شمار دقیق افراد بازداشت‌شده در تهران نکرد اما در ادامه نوشت که از یک‌هزار و ۸۰۰ نفر مورد نظرش، حدود ۷۰۰ نفر «دارای سابقه قابل توجه» و پرونده در دستگاه‌های مختلف انتظامی، امنیتی و قضایی هستند.

محسن منصوری دیروز سه‌شنبه ۲۹ شهریور نیز در توییتی مدعی شد «بنا به گزارش دقیق دستگاه‌های متولی، در مسائل اخیر تهران، رد پای مداخله برخی از سفارتخانه‌ها و سرویس‌های خارجی به وضوح مشاهده می‌شود» و «تبعه‌هایی از سه کشور خارجی» دستگیر شدند!

استاندار تهران همچنین روز دوشنبه در نخستین روز اعتراضات تهران گفته بود «عناصر اصلی هسته‌های اولیه تجمعات امشب تهران کاملاً سازماندهی شده، آموزش دیده و با برنامه، به دنبال ایجاد اغتشاش در تهران بودند.»

در حالی که ویدئوهایی از آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی منتشر شده آنهم در حالی که بسیاری از ایرانیان پرچم ملی کشور را پرچم شیروخورشید نشان می‌دانند، استاندار تهران گفته که معترضان اقدام به «آتش زدن پرچم»، «ریختن گازوییل در معابر»، «پرتاب سنگ، حمله به پلیس، آتش زدن





# جنگ سایبری گروه هکری «انانیموس» علیه جمهوری اسلامی در پشتیبانی و دفاع از حقوق و اعتراضات مردم ایران

آخرین اقدامات آنها، حمله سایبری علیه ولادیمیر پوتین بعد از حمله به اوکراین بود. این گروه موفق شد ۱۲ دقیقه کنترل پخش تصاویر شبکه تلویزیونی دولتی روسیه را در دست گرفته و تصاویری علیه پوتین و حمله به اوکراین به نمایش بگذارد.

در چهارمین روز اعتراضات سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی در روز سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، گروه «عدالت علی» در ایران که بیشتر تصاویری از درون زندان‌های ایران منتشر کرده بود مدعی شد صفحه نخست وبسایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر را هک کرده و تصویری از مهسا امینی را بر روی آن قرار داده است. وبسایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم‌اکنون در دسترس و فعال است. هک شدن وبسایت‌ها و سیستم‌های هوشمند در جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته نیز سابقه داشته است. یک گروه هکری به نام «گنجشک درنده» آبان سال گذشته همزمان با سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ سیستم هوشمند شمار زیادی از پمپ‌بنزین‌های ایران در شهرهای مختلف را از کار انداخت بطوری که امکان استفاده از کارت سوخت در آنها غیرممکن شد. این گروه همزمان سیستم تابلوهای الکترونیک برخی اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها را هک کرد که روی آنها نوشته شده بود: «خامنه‌ای، بنزین ما کو؟»

این حمله سایبری اشاره به گران شدن یک‌شبهی بنزین در آبان ۹۸ داشت که سرآغاز اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و کشته و زخمی شدن هزاران تن در ایران شد. گروه هکری «گنجشک درنده» کمی بعد سیستم هوشمند کارخانه فولاد خوزستان را هک کرد که سبب آتش‌سوزی گسترده در این کارخانه شد. تیمراه امسال نیز یک گروه هکری به نام «لب‌دوختگان» در حساب تلگرام خود، اقدام به افشای هویت و تصاویر پانزده نفر از اعضای سپاه سایبری و کارمندان سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) کرد.

«لب‌دوختگان» پوستری حاوی تصاویر و اسامی برخی از این هکرها را منتشر کرده که هویت آنان منصور احمدی، علی آقا احمدی، محمد آقا احمدی، مجتبی معتمد، مهدی دامیار، مصطفی عباسی، احمد خطیبی، حمید زارع، امیرحسین نیک‌آیین، مصطفی و مجتبی حاجی حسینی، شیرین محمدعلی و حیف زنگنه معرفی شده است.

بر مبنای این گزارش، این هکرها وابسته به جمهوری اسلامی حملات سایبری برای اخاذی و جاسوسی از مخالفان، روزنامه‌نگاران و فعالان عرصه‌های مختلف داشته‌اند. همچنین گفته می‌شود آنان بارها از ضعف نرم‌افزارها برای نفوذ به شبکه یک شهرداری و یک بیمارستان کودکان در آمریکا استفاده کرده‌اند.

● **وبسایت دولت جمهوری اسلامی و وبسایت اطلاع‌رسانی سخنگوی دولت از دسترس خارج شد و وبسایت خبرگزاری صداوسیما حکومت نیز طی ساعات گذشته چند بار از دسترس خارج و دوباره وصل شد.**

گروه هکری «انانیموس» یا «گمنام» در حمایت از مردم معترض ایران، از آغاز جنگ سایبری علیه جمهوری اسلامی خبر داد. ساعاتی پس از اعلام این خبر، شماری از وبسایت‌های حکومتی در ایران با اختلال روبرو شدند.

گروه هکری مشهور «انانیموس» (Anonymous) یا «گمنام» شامگاه سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ اعلام کرد در همراهی با اعتراضات سراسری مردم ایران عملیات سایبری علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرده است.

ساعاتی بعد وبسایت دولت جمهوری اسلامی و وبسایت اطلاع‌رسانی سخنگوی دولت از دسترس خارج شد و وبسایت خبرگزاری صداوسیما حکومت نیز طی ساعات گذشته چند بار از دسترس خارج و دوباره وصل شد.

صفحه اول وبسایت اطلاع‌رسانی سخنگوی دولت نیز پس از چند ساعت بازیابی شد اما دسترسی به بسیاری از قسمت‌های آن مسدود یا با اختلال روبروست. صفحه اول وبسایت دولت به نشانی [iran.gov.ir](http://iran.gov.ir) نیز برای مدت کوتاهی بازیابی شد، اما دسترسی به آن با اختلال همراه است.

گروه هکری «انانیموس» در ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی تصاویر مهسا امینی و سرکوب معترضان در شهرهای مختلف ایران را منتشر کرده و گفته «اجازه نمی‌دهد» که سرکوب برای خاموش کردن مردم ادامه پیدا کند و همچنین نمی‌گذارد «حکومت ایران در اینترنت زنده بماند». گروه هکری «انانیموس» در این ویدئو می‌گوید: «خشونت علیه زنان اکنون و سال‌های زیادیست که در ایران مشاهده شده و مهسا امینی آخرین کشته توسط گشت ارشاد است. مهسا امینی بطور کامل قانون حجاب را رعایت نکرده بود و وسط خیابان توسط پلیس اخلاق (گشت ارشاد) کتک خورد و کشته شد.»

در ادامه گفته می‌شود که «مردم علیه این وضعیت اعتراض کردند ولی آنها با کشتن مردم و قطع اینترنت در جریان اعتراضات قصد خفه کردن مردم را دارند. ما به آنها این اجازه را نخواهیم داد. شما با سانسور شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی قصد جلوگیری از انتشار اطلاعات درباره جنایاتتان علیه مردم را دارید.»

در پایان این ویدئو نیز تأکید می‌شود که «حالا انانیموس می‌خواهد شما را خفه کند، ساکت کند و مردم در خیابان شما را سرنگون خواهند کرد. خیلی دیر شده که ما را دست کم بگیرید.» گروه هکری «انانیموس» پیش از این نیز حملاتی با محور حقوق بشر و حقوق شهروندی انجام داده است. از جمله

→ **موتور و سطل زباله، تخریب اموال عمومی»** کرده‌اند و مدعی شده که این اقدامات «کار مردم عادی نیست!» این در حالیست که همه این اقدامات دفاع مشروع و بحق معترضان در برابر ضربات باتوم، شوکر برقی، گاز اشک‌آور و شلیک مستقیم نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی است.

در اعتراضات روزهای گذشته شمار زیادی از زنان و دختران در میان اعتراضات اقدام به سوزاندن روسری خود کردند. ویس کرمی نماینده خرم‌آباد مدعی شده که «زنانی که بدحجاب هستند جزو مردم عادی نیستند!»

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین به دروغ گفته «وجود گشت ارشاد یک مطالبه مردمی است. برخی با برنامه‌ریزی می‌خواهند هنجارشکنی کنند و این خیلی طبیعی است که ما این افراد را بازداشت خواهیم کرد.»

نماینده خرم‌آباد افزوده «کسانی که بدحجاب یا بی‌حجاب هستند، جزو مردم عادی نیستند؛ چون مردم عادی سرگرم زندگی و مسائل مربوط به خودشان هستند نه این چیزها! نمی‌شود که با یک خطا یا اتفاق، کل مجموعه گشت ارشاد را زیر سوال ببریم.» حمله به معترضان به بهانه‌ی «آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی» در دستور کار مأموران سایبری رژیم قرار گرفته و در شبکه‌های اجتماعی چنین اقداماتی را محکوم و معترضان را «عنصر» جدا از مردم قلمداد می‌کنند.

اعتراضات روزهای گذشته در ایران با سرکوب مردم توسط نیروهای امنیتی، نظامی و بسیجی همراه بوده است. هرچند گزارش‌هایی از بازداشت، زخمی‌شدن یا کشته شدن تعدادی از معترضان منتشر شده اما به دلیل پراکندگی و گستردگی اعتراضات و همچنین قطع پی در پی اینترنت در شهرهای محل اعتراض، هنوز آمار دقیقی از بازداشت‌شدگان، مجروحان و کشته‌شدگان در دست نیست.

منابع حقوق بشری گزارش داده‌اند که در جریان اعتراضات ارومیه در سه‌شنبه ۲۹ شهریور فرجاد درویشی جوان ۲۳ ساله بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی کشته شده است.

گزارش دیگری از درگذشت فواد قدیمی از معترضان شهر دیواندره در بیمارستان کوثر سنندج خبر داده است. فواد قدیمی روز دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۱، در جریان اعتراضات مردمی بر اثر تیراندازی نیروهای امنیتی به شدت زخمی شد و تا امروز چهارشنبه ۳۰ شهریور در بخش مراقبت‌های ویژه (ای‌سی‌یو) بستری بود.

آژانس خبری کردپا نیز از کشته شدن زکریا خیال نوجوان ۱۶ ساله اهل پیرانشهر در جریان تجمعات اعتراضی در شامگاه سه‌شنبه ۲۹ شهریور خبر داده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد دست‌کم هشت نفر تا کنون در اعتراضات جان باخته‌اند. فواد قدیمی، محسن محمدی و فرجاد درویشی اهل دیواندره، زکریا خیال ۱۶ ساله اهل پیرانشهر، رضا لطفی اهل دهگلان و فریدون محمودی اهل سقز شش تن از جانباختگانی هستند که تا کنون هویت آنها مشخص شده است.

همچنین ۱۹۰ تن از بازداشت‌شدگان در شهرهای استان کردستان به زندان مرکزی سنندج و همچنین کانون اصلاح و تربیت این شهر منتقل شده‌اند. منابع خبری حقوق بشری شمار بازداشت‌شدگان در شهرهای استان کردستان را ۱۶۱ نفر اعلام کردند.

منابع مطلع به کیهان لندن گزارش دادند دست‌کم هشت نفر در اعتراضات روز گذشته در ارومیه بازداشت شدند. خسرو کردپور و مسعود کردپور مدیر مسئول و سردبیر آژانس خبری موکریان نیز توسط نیروهای امنیتی در بوکان بازداشت شده‌اند.

● مرجان یک شهروند خانه‌دار و محبه مخالف جمهوری اسلامی می‌گوید: «تقریباً تمامی فامیل ما برای پیاده‌روی اربعین به عراق رفته‌اند، آنجا موکب دارند. مردم که از ایران به عراق می‌روند دوست ندارند پول خرج کنند، چون از نجف تا کربلا تمام راه پر از موکب است آدم‌هایی خیلی متمولی می‌شناسم که به این موکب‌ها می‌روند و به زوار خدمت می‌کنند چون فکر می‌کنند ثواب دارد.»

● یک شهروند دیگر اضافه می‌کند: «در ادارات دولتی هر سال برای راهپیمایی اربعین نزدیک یک‌سوم از کارمندان را موظف می‌کنند که در این مراسم شرکت کنند، حتی آبدارچی‌های ادارات هم از این موضوع مستثنا نیستند.»

● «در سفر سال گذشته با یک زن جوان مجرد و متمول آشنا شدم که از کرج به پیاده‌روی اربعین آمده بود می‌گفت نذر کرده بودم که اگر حاجتم برآورده شود خودم را وقف یکی از زوار امام حسین کنم! پارسال خود را به رئیس کاروانش معرفی کرد و صیغه آن مرد شد و کل سفر با هم بودند! این زن گفت: هر سال به این مراسم بیایم و برای ثواب با یک مرد صیغه شوم تا آن مرد به گناه نیفتد!»

● مهدی روزنامه‌نگار به بدعت «پیاده‌روی جاماندگان اربعین» در شهرهای مختلف اشاره می‌کند و می‌گوید: «چند سالیست این بدعت مضحک را هم به راه انداخته‌اند مثلاً پیاده‌روی از امام حسین تا شاه عبدالعظیم! هر روز یک بدعت تازه به دین و اعتقادات مردم اضافه می‌کنند، افراد ساده‌لوح بسیاری هم باور می‌کنند. چون حکومت همیشه برای گسترش اردوکنشی خیابانی عوام در تلاش است.»

فیروزه نوردستروم- امسال هم با وجود هزینه‌های هنگفت و البته بی‌برنامگی و سلطنتی دولت رئیسی (قاضی مرگ)، مانور تبلیغاتی «پیاده‌روی اربعین» به رویدادی با حداقل ۹ کشته و صدها مصدوم و افراد سرگردان و تحقیر شده تبدیل شد. با وجود بحران‌های متعدد اقتصادی و معیشتی در نقاط مختلف کشور و به ویژه مشکل کم‌آبی و بی‌آبی در بسیاری از شهرها، دستگاه‌های مختلف دولتی با بریز و پاش‌های بی‌حساب و کتاب و اختصاص بودجه‌های هنگفت در این تبلیغات حکومتی شرکت کردند.

کیهان لندن در این گزارش میدانی ضمن گفتگو با تعدادی از شهروندان داخل ایران به حواشی این مانور حکومتی و مسائل و مشکلات پیرامون آن پرداخته است.

مرجان یک زن جوان خانه‌دار محبه ساکن تهران است که پیش از شروع صحبت‌هایش تاکید می‌کند یک مسلمان مخالف جمهوری اسلامی است.

او ادامه می‌دهد: «تقریباً تمامی فامیل ما برای پیاده‌روی اربعین به عراق رفته‌اند، آنجا موکب دارند. مردم که از ایران به عراق می‌روند دوست ندارند پول خرج کنند، چون از نجف تا کربلا تمام راه پر از موکب است آدم‌هایی خیلی متمولی می‌شناسم که به این موکب‌ها می‌روند و به زوار خدمت می‌کنند چون فکر می‌کنند ثواب دارد پای زائران را می‌مالند، پتو تا می‌کنند، گروهی را می‌شناسم که با حمایت یکی از دستگاه‌های دولتی از انگلستان به آنجا می‌آیند. آنجا دو موکب مجهز دارند یکی نزدیک شهر نجف و دیگری در اواسط راه، این موکب‌ها مترجم انگلیسی و عربی دارند و برای آنها هزینه‌های زیادی کرده‌اند.»

اما احسان فارغ‌التحصیل روانشناسی ساکن مهرشهر معتقد است «بسیاری از کسانی که با حکومت مخالف هستند دلشان برای شرکت در این راهپیمایی حکومتی پر می‌کشد، این حجم از تضاد قابل درک نیست، شرکت در این مراسم یعنی ترویج بنیادگرایی جمهوری اسلامی. این جماعت بی‌سواد و متعصب با یک لقمه نان به شعف می‌آیند و

## گزارش ویژه؛ «اربعین ۱۴۰۱»؛ یا گناه می‌کنند و می‌روند تا آن را بشویند یا نذر می‌کنند و «صیغه» می‌شوند!



به خاطر رضای خدا به خوابیدن بین زباله‌ها تن می‌دهند، عجیب است تا ۱۰-۱۵ سال پیش اربعین یک روز عادی در تقویم بود اما چطور یکروز خاص؟!»

مرجان در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «وقتی از مرز رد می‌شوید باید تا شهر نجف سوار یک وسیله نقلیه بشوید چون هم مسیر طولانی است و هم موکبی نیست، آنهمه تجمع و شلوغی‌هایی که در مراسم امسال شاهد بودیم به این دلیل بود که مردم یا دلشان نمی‌خواست یا نمی‌توانستند برای این نقل و انتقال هزینه کنند چون کرایه هر نفر حداقل ۲۰۰ هزار تومان است. بیشتر این افراد فکر می‌کنند همه امکانات این مراسم مجانی است، وقتی به نجف می‌رسید عراقی‌ها در آن چند روز که پیاده‌روی شروع می‌شود تا فردای پایان اربعین سعی می‌کنند همه اقلام خوراکی و غیرخوراکی را مجانی توزیع کنند، یک موکب گوشت و برنج توزیع می‌کند، موکب بعدی ساندویچ، بعدی فلافل؛ اگر میل به ساندویچ نداری به موکب بعدی می‌روی، بعد از اینکه غذایت را می‌خوری، پاهایت را می‌مالند، دوش می‌گیری، لباسات را می‌شووی. ولی فردای روز اربعین همانجایی که دو روز پیش غذای مجانی به تو می‌دادند قیمت می‌دهند و

این زوار باید از جیب‌شان هزینه کنند.»

مهدی روزنامه‌نگار ساکن تهران نیز معتقد است: «امسال بسیار بیشتر از آنچه در رسانه‌های رسمی اعلام کرده‌اند برای این مراسم هزینه کردند، با وجود این به دلیل بی‌برنامگی و مدیریت هیئتی حاکمیت این طرف مرز، داخل خاک ایران هیچ امکاناتی در اختیار زوار قرار ندادند، آب معدنی را گران‌تر فروختند، از یک طرف مرز را بستند، پشت مرز عراق مردم شرایط سختی را گذراندند، از سرویس بهداشتی بین راهی هم خبری نبود و دستشویی‌های عمومی شهرهای مرزی به‌خصوص مرز مهران که به عراق نزدیک‌تر است کفاف این تعداد جمعیت را نمی‌داد.»

لادن که به عنوان مترجم در شرکت نفت کار می‌کند هم به این گفتگو می‌پیوندد و می‌گوید: «در ادارات دولتی هر سال برای راهپیمایی اربعین نزدیک یک‌سوم از کارمندان را موظف می‌کنند که در این مراسم شرکت کنند، حتی آبدارچی‌های ادارات هم از این موضوع مستثنا نیستند؛ در اداره ما هم تهدید کردند که اگر نیابید با کسری حقوق و تویخ روبرو می‌شوید! من هم با اینکه اصلاً اعتقادی به این چیزها ندارم مجبورم به عنوان مترجم در موکب‌های پاکستانی‌ها و هندی‌ها حضور داشته باشم.»

او ادامه می‌دهد: «در سفر سال گذشته با یک زن جوان مجرد و متمول آشنا شدم که از کرج به پیاده‌روی اربعین آمده بود می‌گفت نذر کرده بودم که اگر حاجتم برآورده شود خودم را وقف یکی از زوار امام حسین کنم! پارسال خود را به رئیس کاروانش معرفی کرد و صیغه آن مرد شد و کل سفر با هم بودند!»

لادن با خنده ادامه می‌دهد: «آب و هوای عراق می‌طلبید، هم سیاحت کردند هم زیارت! آن زن به من می‌گفت سعی می‌کنم هر سال به این مراسم بیایم و برای ثواب با یک مرد صیغه شوم تا آن مرد به گناه نیفتد!»

مرجان در ادامه صحبت‌هایش اضافه می‌کند: «بیشتر اعضای فامیل ما پیش از اربعین به کربلا رفتند و نفری ۳۰ میلیون تومان هزینه کردند و بعد از سه روز برگشتند اما افراد بی‌بضاعت برای اینکه در هزینه‌هایشان صرفه‌جویی کنند به پیاده‌روی اربعین می‌روند. مثلاً خانی را می‌شناسم که در خانه پدرشهرم کار می‌کند، با ۳۰۰ هزار تومان به این سفر رفته و با این پول می‌خواست کلی هم سوغاتی بخرد، بعد که با او تماس گرفتم می‌گفت به خاطر ازدحام جمعیت نبود آب و جای خواب پشت مرز عراق فشارش افتاده و حالش بد شده بود، در نهایت با دو روز تاخیر خود را به عراق رساند.»

او ادامه می‌دهد: «دو سال پیش در اوج اپیدمی کرونا که میزان مرگ و میر بالا بود بیشتر اعضای فامیل ما مثل امسال آرزمان هم به کربلا رفتند، حتی چند نفر از آنها به کرونا مبتلا شده بودند ولی به خاطر اعتقاد به امام حسین سفرشان را لغو نکردند. البته آن موقع هنوز در ایران تزریق واکسن به شکل جدی شروع نشده بود ولی در عراق به صورت رایگان برای آنها دو دوز واکسن فایزر تزریق کردند.»

مهدی در ادامه به بدعت «پیاده‌روی جاماندگان اربعین» در شهرهای مختلف اشاره می‌کند و می‌گوید: «چند سالیست این بدعت مضحک را هم به راه انداخته‌اند مثلاً پیاده‌روی از امام حسین تا شاه عبدالعظیم! هر روز یک بدعت تازه به دین و اعتقادات مردم اضافه می‌کنند، افراد ساده‌لوح بسیاری هم باور می‌کنند. چون حکومت همیشه برای گسترش اردوکنشی خیابانی عوام در تلاش است.»

او ادامه می‌دهد: «جمهوری اسلامی در شرایطی که مردم بیشتر شهرهای کشور مشکل آب آشامیدنی دارند، یا اینترنت را به بهانه‌های مختلف گند و قطع می‌کند، اما تمامی

## وندی شرم:

# مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به بن‌بست رسید



وندی شرمن

انرژی اتمی چند مقام و دیپلمات اروپایی و آمریکایی از جمله ند پرایس و آنتونی بلینکن سخنگو و وزیر خارجه ایالات متحده شکست مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی را تأیید کردند هرچند هنوز هم معتقدند بهترین گزینه برای مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی معامله با رژیم ایران است.

بلینکن گفته بود «پاسخ اخیر ایران به طرح پیشنهادی اتحادیه اروپا گامی رو به عقب بود و دورنمای دستیابی به توافق در کوتاه مدت را بعید می‌سازد.»

دو سوم اعضای شورای حکام در بیانیه‌ای اعلام کردند تشدید برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی بجز اهداف غیرنظامی توجیه دیگری ندارد اما مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند آژانس تحت تأثیر «لابی صهیونیست‌ها» عمل می‌کند و رافائل گروسی مدیرکل این نهاد همسو با اسرائیل نمی‌خواهد توافق اتمی شکل بگیرد.

نقش افرادی مثل جان کری و وندی شرمن در توافق آمریکا با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ غیرقابل انکار است. آنها با همراهی لایبرگن جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های آمریکا از هیچ کوششی برای معامله با جمهوری اسلامی دریغ نکردند و موفق هم شدند و میلیاردها دلار به جیب رژیم ملایان سرازیر کردند که بخشی صرف تقویت تروریسم و شبه‌نظامیان و برنامه اتمی و موشکی شد و بخشی دیگر به جیب خانواده‌ها و گروه‌های مافیایی رژیم رفت.

وندی شرمن در مصاحبه با «واشنگتن پست» تأکید کرد که آمریکا معتقد است، ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد اما از نظر دولت بایدن بازگشت به برجام بهترین راه برای تضمین آن است. او افزود: «ایالات متحده برای تمامی احتمالات در صورت شکست مذاکرات آماده است.»

وبسایت «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در واکنش به افزایش فشارهای بین‌المللی به تهران می‌نویسد «با سابقه سیاهی که آمریکا و اروپا در بدعهدی و بی‌عملی نسبت به تعهداتشان دارند نمی‌توانند از تهران انتظار داشته باشند که مجدداً با متعهد شدن در قبال محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای خود و بدون اخذ تعهد واقعی و محکم از غرب در قبال رفع همه زمینه‌هایی که می‌تواند به بهانه‌ای برای جلوگیری از انتفاع اقتصادی ایران تبدیل شود به توافق جدید تن دهد.»

● نقش افرادی مثل جان کری و وندی شرمن در توافق آمریکا با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ غیرقابل انکار است. آنها با همراهی لایبرگن جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های آمریکا از هیچ کوششی برای معامله با جمهوری اسلامی دریغ نکردند و موفق هم شدند و میلیاردها دلار به جیب رژیم ملایان سرازیر کردند که بخشی صرف تقویت تروریسم و شبه‌نظامیان و برنامه اتمی و موشکی شد و بخشی دیگر به جیب خانواده‌ها و گروه‌های مافیایی رژیم رفت.

● شرمن در برنامه زنده روزنامه «واشنگتن پست» گفته «آخرین پاسخ ایران به بسته‌ی پیشنهادی جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای آمریکا غیرقابل قبول بود... یعنی ایران در آخرین دور مذاکرات پاسخ بسیار سنگینی به ما داد، پاسخی که برای ما قابل پذیرش نبود.»

● وبسایت «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در واکنش به افزایش فشارهای بین‌المللی به تهران می‌نویسد «با سابقه سیاهی که آمریکا و اروپا در بدعهدی و بی‌عملی نسبت به تعهداتشان دارند نمی‌توانند از تهران انتظار داشته باشند که مجدداً با متعهد شدن در قبال محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای خود و بدون اخذ تعهد واقعی و محکم از غرب به توافق جدید تن دهد.»

وندی شرمن معاون وزیر خارجه آمریکا در دولت جو بایدن و از عوامل مؤثر در توافق اتمی با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ در دوران باراک اوباما می‌گوید مذاکره با جمهوری اسلامی برای «حیای برجام» به بن‌بست رسیده است.

این مقام وزارت خارجه آمریکا ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) در برنامه زنده روزنامه «واشنگتن پست» گفت «آخرین پاسخ ایران به بسته‌ی پیشنهادی جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای آمریکا غیرقابل قبول بود... یعنی ایران در آخرین دور مذاکرات پاسخ بسیار سنگینی به ما داد، پاسخی که برای ما قابل پذیرش نبود. ما پیامی درباره آنچه که معتقدیم ضروری است و مفاد حیاتی هستند ارسال کرده‌ایم.» جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که او نیز از حامیان سرسخت معامله اتمی با جمهوری اسلامی است پیش از شرمن گفته بود «مذاکرات به بن‌بست رسیده است و کار دیگری از دستم بر نمی‌آید.» همزمان با برگزاری نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی

این امکانات را با دست و دلبازی در اختیار شرکت‌کنندگان در این مراسم قرار می‌دهد.» مهدی در ادامه صحبت‌هایش به یکی از اقوام خود اشاره می‌کند که سال گذشته پای راستش بر اثر پیاده‌روی طولانی دچار خونریزی شده بود. دکتر یکی از موکب‌ها به او گفته بود از کربلا برو نجف پرواز کن و به ایران برگرد، او گفته بود نه، در هتل می‌مانم و از پنجره هتل حرم را می‌بینم، تربت می‌خورم و شفا پیدا می‌کنم! فکر می‌کرد با تربت خوردن دردش دوا می‌شود!»

او ادامه می‌دهد: «همانطور که کاتولیک‌ها به کلیسا می‌روند و اعتراف می‌کنند تا گناهانشان بخشیده شود بسیاری هم به این مراسم می‌روند تا به تصور خود گناهان سال گذشته خود را بشویند! برای مثال یکی از نزدیکان ما با وجود داشتن زن و بچه با یک زن متاهل در ارتباط است با این حال هر سال در این مراسم شرکت می‌کند!»

در این روزها که کشور غرق اعتراض و اندوه به دلیل قتل حکومتی مهسا امینی است، اضافه می‌کند: «کاش این حجم از جمعیتی که امسال به راهپیمایی اربعین رفتند در واکنش به کشته شدن مهسا امینی قیام می‌کردند و همه را از این ظلم نجات می‌دادند. آنها می‌دانند امام حسینی بوده که زیر بار ظلم نرفته و خانواده‌اش را کشتند و به اسارت گرفتند مگر نمی‌بینند که زنان، مردان و کودکان این مملکت در اسارت این حکومت‌اند؛ چرا حرکتی نمی‌کنند؟!»

مریم زن جوانی است که می‌گوید اهل نماز و روزه نیست و فقط برای کنجکاو و خوشگذرانی به این مراسم رفته است. او می‌گوید: «بعد از ورود به خاک عراق به هر موبکی که می‌رسیم التماس می‌کنند بیایید غذا بخورید، چایی بخورید، شربت بخورید، شیرینی یا میوه همه چیز فراوان است. البته همه این پذیرایی‌ها تا روز اربعین است فردای روز اربعین بیشتر این موکب‌ها جمع می‌شوند، باید برای همه چیز هزینه کنیم و از آب و غذای مفتی خری نیست.» او ادامه می‌دهد: «مشکلات ما در شروع سفر تنها آب و غذا نبود، اینجا آنقدر شلوغ است که جا برای تکان خوردن نیست، جای خواب کم است چون تعداد زائران زیاد است، البته عراقی‌ها التماس می‌کنند در خانه‌های ما بمانید، من و دخترم یک روز صبح به یکی از موکب‌هایی رفتیم که برای افراد گمشده درست شده بود، دستشویی آنجا آنقدر کثیف بود که رغبت نکردم از آن استفاده کنم و مجبور شدم از دستشویی یک هتل عراقی استفاده کنم. در موضوع پذیرایی هم بیشتر موکب‌های ایرانی به شکلی غیربهداشتی و در ظروف چند بار استفاده شده از مردم پذیرایی می‌کنند.»

او می‌گوید: «در شرایطی که پشت مرز عراق و در شهرهای مرزی خبری از خدمات و امکانات رفاهی برای زوار نیست و همه چیز را دو برابر به مسافران می‌فروشند، من به عراقی‌ها نمره ۲۰ می‌دهم. یک شب سوار ماشین شدم از کربلا به سمت نجف، می‌بایست نفری ۱۵ هزار دینار به راننده می‌دادیم من فقط ۱۰ هزار دینار داشتم، راننده که فارسی بلد بود گفت پول ایرانی قبول نمی‌کنم. وقتی گفتم دینار ندارم گفت اشکالی ندارد صلوات بفرست برو؛ مردم این کشور با وجود اینهمه مشکلات اقتصادی درستکار و دست و دلبازند.»

او ضمن انتقاد نسبت به وضعیت بد بهداشتی در مسیر پیاده‌روی اربعین و بی‌توجهی زائران ایرانی به این مسئله ادامه می‌دهد: «در تمام طول این مسیر بیشتر زائران ایرانی را می‌بینید که بطری خالی آب یا ظرف پلاستیکی و غذای ته مانده خود را به زمین پرت می‌کنند که مایه شرمندگی است در حالی که ندیدم عراقی‌ها، پاکستانی یا هندی‌ها که آشغال‌های خود را روی زمین رها کنند و بروند.»

## جزییاتی از شرایط مهسا در بیمارستان از زبان پدرش؛ خبرگزاری فارس سی‌تی‌اسکن مهسا را تأیید کرد



به بیمارستان نفرستادند! یعنی دخترم را سوار آمبولانس کردند و خودشان رفتند! اگر برادرش اشکان نبود هیچوقت نمی‌توانستیم مهسا را پیدا کنیم. پرستاران می‌گویند وقتی مهسا را به بیمارستان آوردند هیچکس همراهش نبود و نمی‌دانستیم به چه شکل به شما خبر بدهیم. یعنی دختر بیهوش مرا بدون هیچ همراهی به بیمارستان انتقال دادند! برادر ۱۶ ساله مهسا با هزار بدبختی توانست این بیمارستان را پیدا کند، چون اشکان اولین بارش بود که به تهران آمده بود و اصلاً آنجا را بلد نبود.»

ادعاهای دروغ درباره هابتلای مهسا به انواع بیماری زمینهای و تومور مغزی در کودکی ساعاتی پس از جان باختن مهسا از سوی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر و در دیگر وبسایت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب حکومتی بازنشر شد.

روز گذشته تصاویری از سی‌تی‌اسکن مهسا امینی از سوی تلویزیون «ایران اینترنشنال» منتشر شد که شکستگی جمجمه در سمت راست را بر اثر ضربه ثابت می‌کند. در تصویر دیگری مربوط به سی‌تی‌اسکن ریه مهسا، ترشحات و خون در ریه او مشاهده شده که به گفته پزشکان ناشی از «ورود به گُما در پی ضربه سنگین به سر» بوده است. با انتشار تصاویر سی‌تی‌اسکن سر مهسا مشخص شده که ضربات محکم و متعددی به ناحیه پشت سر مهسا زده شده که منجر به شکستگی جمجمه، پاره شدن عروق و خونریزی مغزی شده است.

خبرگزاری فارس کمتر از یکروز پس از انتشار تصاویر سی‌تی‌اسکن مهسا، درستی آنها را تأیید کرده و در شامگاه دوشنبه ۲۸ شهریور مدعی شده «هیچ شواهدی از ضربه به سر و خونریزی در این تصاویر به چشم نمی‌خورد.»

این خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین به نقل از یک «پزشک متخصص» که نامش را اعلام نکرده، ادعا کرد تصاویر نشان می‌دهد که مهسا «در گذشته جراحی تومور در ناحیه سر انجام داده است». خبرگزاری فارس پیشتر نوشته بود که «در سی‌تی‌اسکن

بروم. من که لباس پوشیده است اما در همین حین یکی از مأموران مهسا را هل می‌دهد و با او برخورد فیزیکی می‌کنند. این برخورد با وسایل مختلف صورت گرفته است. ضمن اینکه چند دختری که داخل ون بودند، بعد از حادثه با من تماس گرفتند و گفتند داخل ون با مهسا برخورد فیزیکی شده است.» او ادامه می‌دهد: «بنده درخواست دسترسی به دوربین‌های داخل ون و حیاط ساختمان وزرا را کردم، اما هیچ جوابی به من ندادند! هر فیلمی هم که در فضای مجازی منتشر شده، سانسور شده است.»

به گفته امجد امینی «همه حرف‌ها و فیلم‌هایی که نشان می‌دهند دروغ است و ما نتوانستیم هیچ چیزی را متوجه شویم. با وجود برخورد با مهسا و وخامت حال او، حتی سعی نکردند او را سریع‌تر به بیمارستان ببرند و در انتقال مهسا به مراکز درمانی تعلل کردند! پزشکان و پرستاران می‌گفتند اگر مهسا را زودتر به بیمارستان می‌بردند کار به اینجا نمی‌کشید.»

امجد امینی با بیان اینکه «مقامات و مسئولان هر روز در حال دروغ‌پراکنی در مورد دختر من هستند» می‌افزاید «گفتند مهسا بیماری قلبی و صرع دارد در حالی که من که پدر او هستم و ۲۲ سال او را بزرگ کردم با صدای بلند می‌گویم که مهسا هیچ بیماری‌ای نداشته و در کمال صحت و سلامت کامل بود. آن کسی که دخترم را زده است، باید محاکمه شود؛ آنهم در یک دادگاه علنی نه اینکه الکی تویبخت و اخراج کنند! اجازه نمی‌دهم خون دخترم پایمال شود.»

پدر مهسا امینی می‌گوید: «وقتی به بیمارستان رفتیم، نمی‌گذاشتند مهسا را ببینیم. همه سر و بدن او را پوشانده بودند تا ما کبودی‌های بدنش را نبینیم! فقط صورت و کف پای دخترم را توانستیم ببینیم که البته من با هزار بدبختی توانستم کبودی‌های پای مهسا را ببینم. همان ابتدا هم پرستاران بیمارستان کسری به من گفتند آنقدر دیر مهسا را به بیمارستان انتقال دادند که ما هیچ کاری نتوانستیم بکنیم.»

امجد امینی همچنین گفته «هیچکس را هم با مهسا

● امجد امینی: وقتی به بیمارستان رفتیم، نمی‌گذاشتند مهسا را ببینیم. همه سر و بدن او را پوشانده بودند تا ما کبودی‌های بدنش را نبینیم! البته من با هزار بدبختی توانستم کبودی‌های پای مهسا را ببینم.

● خبرگزاری فارس کمتر از یک روز پس از انتشار تصاویر سی‌تی‌اسکن مهسا، درستی آنها را تأیید کرده است ولی مدعی شده که اینها نشانه‌ی ضربه نیست!

● محمدباقر قالیباف اعتراضات گسترده مردمی روزهای اخیر را «التهاب‌آفرینی و ایجاد آشوب توسط دشمن» توصیف کرد.

● جریانات حکومتی می‌کوشند اعتراضات مردمی را به گروه‌های تجزیه‌طلب نسبت دهند!

امجد امینی پدر مهسا بار دیگر با رد ادعاهای مقامات حکومتی و با تأکید بر اینکه همه فیلم‌های منتشر شده سانسور شده‌اند گفته سر و بدن مهسا در بیمارستان پوشیده شده بود تا کبودی‌ها دیده نشود. با وجود اصرار مقامات جمهوری اسلامی بر «بیماری‌های زمینه‌ای» و «سکته» و «عارضه قلبی» مهسا امینی، خبرگزاری فارس شامگاه دوشنبه ۲۸ شهریور درستی تصاویر سی‌تی‌اسکن مغزی مهسا را که پیشتر از سوی تلویزیون «ایران اینترنشنال» منتشر شده بود تأیید کرد.

امجد امینی پدر مهسا امینی در گفتگو با «رویداد۲۴» ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی درباره دلایل جان باختن دخترش را بار دیگر رد کرده است. او گفته «بنده صراحتاً همه اظهارات سردار رحیمی فرمانده نیروی انتظامی را تکذیب می‌کنم؛ لباس مهسا هیچ مشکلی نداشت. ایشان می‌گویند لباس مهسا با لباسی که در فیلم دوربین‌ها به تن دارد کاملاً متفاوت است، بنده می‌گویم این حرف کذب است و اصلاً چنین چیزی وجود ندارد.»

این پدر سوگوار و داغ‌دیده می‌گوید «مهسا به مأموران گفته بود تو را خدا بگذارد من بروم. من شهرستانی‌ام، اینجا غریبم. برادرم هم ۱۶ سال بیشتر ندارد؛ بگذارید من



## قتل حکومتی مهسا امینی؛ «احتمال» برکناری رئیس «پلیس امنیت اخلاقی» تهران قطعیت یافت!



سرهنگ حاج احمد میرزایی

بر اساس گزارش‌های پلیس، مأموران هنگام بازداشت مهسا به زور قصد سوار کردن او را به ون داشتند که او و خانواده‌اش مقاومت می‌کردند. گفته می‌شود که همانجا به سر او ضربه زده‌اند. اما پلیس به استناد ویدئویی بدون تاریخ و ساعت ادعا کرده او از هوش رفته در حالی که هیچ فیلم و ویدئویی از لحظه بازداشت او و همچنین وقتی داخل ون بوده در دست نیست.

سرهنگ میرزایی هفته گذشته برای شرکت در مراسم «اربعین» به کربلا رفته بود.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی با این ادعا که موضوع جان باختن مهسا امینی «با دقت و موشکافانه پیگیری خواهد شد» موج خشم و انزجار مردم از حکومت را «عنادورزی» و «عقده‌گشایی» خوانده و گفته است «تکلیف دشمنان معلوم است اما برخی افراد نیز در قضیه پیش‌آمده اخیر غفلت کردند و بد امتحان پس دادند؛ نظام و مسئولان قوای مختلف آن، با جدیت و قدرت به موضوع ورود کرده و در حال پیگیری هستند لذا جایی برای غفلت، اقدامات تحریک‌کننده، انتشار مطالب دروغ و انجام اقداماتی که می‌تواند جنبه مجرمانه داشته باشد، باقی می‌ماند.»

اینهمه در حالیست که پس از اعلام عزای عمومی و اعتصاب در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی، واکنش‌ها و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور ادامه دارد.

و آنها را دستپاچه می‌کند، در اتافی در کلاب هاوس مردم معترض را متهم به تجزیه‌طلبی کرد. پسر او محمدرضا جلائی‌پور نیز با راه‌اندازی هشتگ «به کثافت گشت ارشاد پایان دهید» طی روزهای گذشته با همکاری دیگر حامیان نظام کوشیده خیزش مردم علیه جمهوری را به «مخالفت با گشت ارشاد» کاهش دهند. مردم اما در اعتراضات خود مانند تمامی سال‌های گذشته اصل نظام را هدف قرار داده و نابودی رژیم جمهوری اسلامی را می‌خواهند.

● شنبه ۲۶ شهریور یک منبع مطلع به کیهان لندن گفته بود «قرار شده برای آرام کردن اعتراضاتی که در پی قتل مهسا به وجود آمده سرهنگ حاج احمد میرزایی رئیس پلیس امنیت اخلاقی تهران را برکنار کنند».

● حالا رسانه‌های جمهوری اسلامی گزارش دادند که سرهنگ میرزایی رئیس «پلیس امنیت اخلاقی» تهران بزرگ برکنار شده است.

● حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی با این ادعا که موضوع جان باختن مهسا امینی «با دقت و موشکافانه پیگیری خواهد شد» موج خشم و انزجار مردم از حکومت را «عنادورزی» و «عقده‌گشایی» خوانده و گفته است «تکلیف دشمنان معلوم است اما برخی افراد نیز در قضیه پیش‌آمده اخیر غفلت کردند و بد امتحان پس دادند».

رسانه‌های جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۸ شهریور گزارش دادند رئیس پلیس جمهوری اسلامی به دنبال مرگ دلخراش مهسا امینی در محل «گشت ارشاد اسلامی» سرهنگ میرزایی رئیس پلیس «امنیت اخلاقی» تهران بزرگ را برکنار کرد.

ادعا شده برکناری این مقام نظامی «تا بررسی دقیق و کامل ابعاد پرونده مهسا امینی» است.

روز شنبه ۲۶ شهریور یک منبع مطلع به کیهان لندن گفته بود «قرار شده برای آرام کردن اعتراضاتی که در پی قتل مهسا به وجود آمده سرهنگ حاج احمد میرزایی رئیس پلیس امنیت اخلاقی تهران را برکنار کنند».

برای ایجاد اغتشاش» نسبت داد و مواردی چون «آتش زدن پرچم، ریختن گازوییل در معابر، پرتاب سنگ، حمله به پلیس و آتش زدن موتور و سطل زباله» را شواهد ادعای خود برشمرد.

از سوی دیگر جریان‌ات حکومتی می‌کوشند اعتراضات مردمی را به گروه‌های تجزیه‌طلب نسبت دهند. از جمله حمیدرضا جلائی‌پور از فعالان اصلاح‌طلب شب گذشته همزمان با اعتراضات سراسری مردم در شهرهای مختلف که همواره لرزه بر تن اصلاح‌طلبان نیز انداخته

مغزی علائمی مینی بر هیدروسفال بودن (عارضه قلبی) گزارش شده است. وی در پنج سالگی هم تومور مغزی عمل کرده و مبتلا به بیماری صرع و دیابت نوع یک بوده است. «همچنین «نامبرده مجدداً بعد از ظهر روز جمعه ایست قلبی می‌کند و نهایتاً پس از ۴۵ دقیقه عملیات احیای قلبی CPR، به علت ایست قلبی روی فوت می‌کند.»

پیشتر پزشکان زیادی از ایران و خارج کشور با انتشار مطالبی عنوان کرده بودند که کبودی زیر چشم و ترشح خون از گوش وی که در تصاویر منتشر شده از او در بیمارستان در کما بطور واضح قابل مشاهده است، نشان از ضربه مغزی و به احتمال زیاد شکستگی قاعده جمجمه دارد.

حسین کرمپور رئیس شورای هماهنگی نظام پزشکی استان هرمزگان نیز در نامه‌ای به محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران، از این سازمان خواست که برای انجام «وظایف خود در امور مرتبط با پزشکی» به بررسی موضوع مرگ مهسا امینی بپردازد.

حسین کرمپور با اشاره به تصاویر منتشر شده از مهسا امینی در بیمارستان که نشان از خونریزی از گوش و کبودی زیر چشم دارد، نوشت که این علائم «با دلایل ارائه شده از سوی برخی نهادها که علت را سکنه قلبی اعلام کرده‌اند همخوانی ندارد» بلکه بیشتر «با علائم مرتبط با ضربه به سر



پدر مهسا امینی

و خونریزی ناشی از آن همخوانی دارد.» مقامات جمهوری اسلامی در حالی با انکار و تکذیب درباره قتل حکومتی مهسا امینی خود را رسواتر می‌کنند که جان باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی به موج تازه‌ای از اعتراضات سراسری در ده‌ها شهر ایران منجر شده و مردم با همبستگی علیه جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی ساعاتی پیش در نخستین اظهارات رسمی درباره جان باختن مهسا امینی در بازداشت ارشاد اسلامی، اعتراضات گسترده مردمی روزهای اخیر را «التهاب‌آفرینی و ایجاد آشوب توسط دشمن» توصیف کرد.

در حالی که هزاران نفر شامگاه گذشته در بیش از ۱۰ شهر ایران اعتراضات گسترده علیه جمهوری اسلامی و در واکنش به مرگ حکومتی مهسا امینی به راه انداختند، رئیس مجلس شورای اسلامی گفته که «زمان نشان خواهد داد که اعتماد مردم [به نظام] درست بوده است.»

حسن منصوری استاندار تهران نیز تجمعات اعتراضی دیروز تهران را به «عناصر سازماندهی‌شده و آموزش‌دیده



## ۳۰ استان ایران با کمبود آموزگار در مدارس روبروست

● مسئله کمبود نیروی انسانی معلم یکی از اصلی‌ترین مسائل نظام آموزش و پرورش است. به‌ویژه اینکه با افزایش جمعیت بازنشدگان در دهه ۹۰، این مشکل در سال‌های اخیر به وضعیت بحرانی رسیده است.

● کاهش جدی شمار آموزگاران در مدارس ایران از دهه ۹۰ خورشیدی با بازنشدگی آموزگاران آغاز شد و اکنون آنگونه که آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد، ۳۰ استان از ۳۱ استان ایران با کمبود جدی آموزگار روبروست.

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد، ۳۰ استان از ۳۱ استان ایران با کمبود آموزگار سال تحصیلی گذشته را به پایان رسانده و این وضعیت بحرانی در سال جدید نیز ادامه خواهد داشت.

مسئله کمبود معلم همواره یکی از اصلی‌ترین مسائل نظام آموزش و پرورش در ایران است. به‌ویژه اینکه با افزایش جمعیت بازنشدگان در دهه ۹۰، این مشکل در سال‌های اخیر به وضعیت بحرانی رسیده است.

کاهش جدی شمار آموزگاران در مدارس ایران از دهه ۹۰ خورشیدی با بازنشدگی آموزگاران آغاز شد و اکنون آنگونه که آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد، ۳۰ استان از ۳۱ استان ایران با کمبود جدی آموزگار روبرو هستند!

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش اردیبهشت امسال دلیل اصلی کمبود نیرو را نبود توازن استخدام آموزگاران با روند سیر جمعیت دانش‌آموزان و بازنشدگان این وزارتخانه عنوان کرده و گفته بود: «در سال جاری به ازای ۷۱ هزار معلمی که بازنشدسته شده‌اند تنها ۳۴ هزار و ۸۱۳ معلم جدید از طریق آزمون استخدامی به‌کارگیری شده‌اند [به کار گرفته شده‌اند].»

این روند تا جایی پیش رفت که در سال تحصیلی گذشته، شاخص نسبت تعداد دانش‌آموز به آموزگار، ۲/۱۹ و در برخی از شهرستان‌های استان تهران به ۴۳/۵۷ رسید. در نقشه مدارس، استان تهران بدترین وضعیت را در بحران کمبود آموزگار دارد که ریشه در آمار بالای مهاجرت به شهرستان‌های تهران و عدم توزیع مناسب آموزگاران در این استان دارد.

مسئله کمبود آموزگار را آموزش و پرورش تلاش می‌کند با

به کار گرفتن طلاب حوزوی و یا با قراردادهای کوتاه‌مدت با کمترین حقوق جبران کند آنهم در حالی که دانشجویان دانشگاه‌های مربوطه را با سخت‌ترین آزمون‌های استخدامی به چرخه آموزش راه نمی‌دهد و کیفیت نظام آموزش را با تعریف استانداردهای ایدئولوژیک و غیرعلمی، به فقرا کشانده است.

این وضعیت در حالیست که با شیوع کرونا در ایران، آموزش و پرورش حداقل ۲ سال به صورت غیرحضور و آنلاین برگزار می‌شد و بازگشت دانش‌آموزان به مدارس طبق روال معمول، کمبودها را بیش از پیش نشان خواهد داد.

آمارهای ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی نشان می‌دهد که سال گذشته در مقطع ابتدایی ۱۶۱ هزار و ۴۸۲ نفر و در مقطع متوسطه اول بیش از ۳۹ هزار نفر کمبود معلم وجود داشته است.

صادق ستاری‌فرد معاون وزیر آموزش و پرورش ولی مدعیست، ۳۴ هزار معلم از طریق ماده ۲۸ جذب شده‌اند که دوره‌های مهارت‌آموزی را سپری و فعالیت خود را در آغاز سال تحصیلی آغاز می‌کنند.

این آمارها حتی از شاخص شورای عالی آموزش و پرورش نیز پایین‌تر است. بر این مبنای، به ازای هر ۲۰ دانش‌آموز دوره ابتدایی ۲۰ نفر، در دوره متوسطه اول ۱۸ نفر، برای دوره متوسط دوم ۱۷ نفر، و برای کل دوره‌های بعدی ۱۸ نفر کادر آموزشی باید فعالیت کنند. حال آنکه، بررسی این شاخص در سال تحصیلی گذشته نشان می‌دهد که این عدد برای مقطع ابتدایی ۸۵/۲۶، متوسطه اول ۳۱/۱۹، متوسطه دوم ۹۲/۱۲ و کل دوره‌ها ۷۲/۲۰ بوده است. تقریباً در همه پایه‌ها بجز متوسطه دوم شاخص بیش از حد استاندارد است و در مقطع ابتدایی هم وضعیت نگران‌کننده‌تر و اختلاف فاحشی با حد استاندارد وجود دارد.

این امر همچنین نشان می‌دهد که بطور تقریبی هر ۲۷ دانش‌آموز به یک کارمند آموزشی دسترسی داشته‌اند. این در حالیست که به‌گفته مسئولان آموزش و پرورش میزان کمبود نیروی انسانی در ۱۴۰۰، به ۲۰۰ هزار نفر رسیده و آن را با توجه به افزایش جمعیت بازنشدگان به بحرانی بزرگ در آموزش و پرورش تبدیل کرده است.

در مقطع ابتدایی استاندارد نسبت دانش‌آموز به آموزگاران ۱۹ اعلام شده و تمام استان‌های بجز ایلام در سال تحصیلی گذشته با کمبود معلم مواجه بوده‌اند. بیشترین نسبت

دانش‌آموز به معلم در شهرستان‌های تهران با شاخص ۹۳/۵۲ است که ۷۳/۳۳ واحد بیشتر از استاندارد است.

این شاخص در مناطق شهری به ۴۳/۵۷ هم رسیده است. با توجه به اینکه جمعیت دانش‌آموزان دولتی مقطع ابتدایی بیش از ۷ میلیون نفر و جمعیت آموزگاران ۲۲۲ هزار و ۳۱۷ نفر بوده، کمبود آموزگار به شکلی کلی (نه به‌صورت نقطه‌ای) معادل ۱۶۱ هزار و ۴۸۲ نفر تخمین زده می‌شود. در مقطع متوسطه اول، استاندارد نسبت دانش‌آموز به گروه معلمان ۱/۱۹ است و همه استان‌ها به جز اردبیل، ایلام، خراسان‌شمالی و کهگیلویه و بویراحمد دارای کمبود معلم هستند.

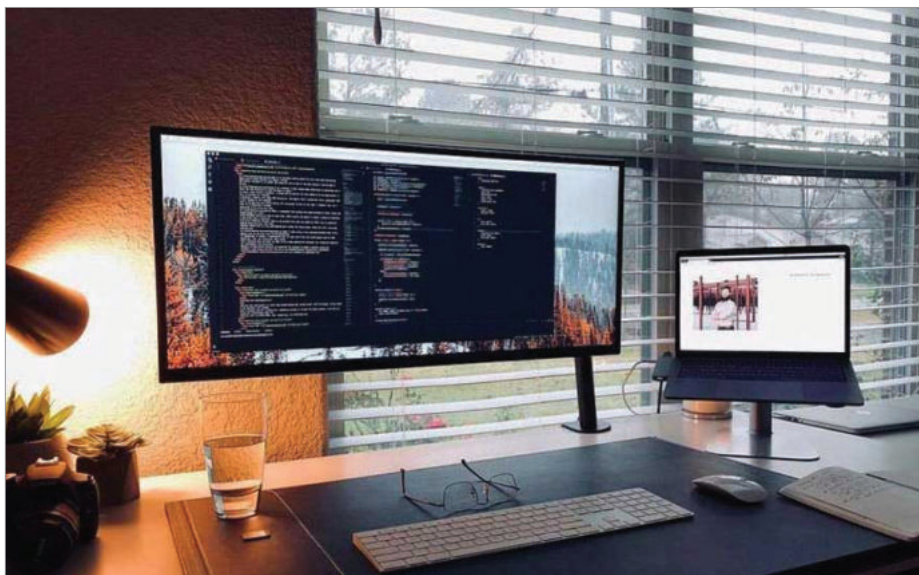
شاخص کل ایران ۰۲/۲۵ است و با استانداردهای داخلی و بین‌المللی فاصله دارد. با توجه به جمعیت دانش‌آموزان دولتی مقطع متوسطه اول که بیش از ۳ میلیون نفر و جمعیت معلمان که ۱۲۷ هزار و ۵۹۵ نفر بوده، کمبود معلم به شکلی کلی (نه به‌صورت نقطه‌ای) معادل ۳۹ هزار و ۵۲۰ نفر تخمین زده می‌شود.

در سالنامه آماری وزارتخانه آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، آمار آموزگاران متوسطه به تفکیک دوره نظری و فنی و حرفه‌ای ارائه نشده و نمی‌توان مانند مقطع ابتدایی و متوسطه اول اعلام کرد دقیقاً چه میزان کمبود آموزگار در متوسطه دوم وجود دارد.

در راهکارهایی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای تأمین نیروی انسانی مدارس ارائه داده به مواردی مانند «افزایش سقف موظفی نیروهای تمام‌وقت به ۳۰ ساعت مشروط به جبران خدمات»، «لغو تقلیل ساعت کاری نیروهای ۲۰ سال به بالا به ۲۰ ساعت»، «تدریس موظف معاونان و عوامل اجرایی»، «حذف یا ادغام واحدهای اداری و سازمان‌های موازی و کاهش نسبت نیروهای پشتیبان به معلم»، «ساماندهی نقل‌وانتقالات به جهت رفع همزمانی کمبود و مازاد نیرو»، «دو شیفته شدن مدارس»، «اصلاح فوری قانون منع به‌کارگیری بازنشدگان»، «لغو معلمان مأمور به دستگاه‌های دیگر و مدارس غیردولتی»، «الزام به تدریس استخدامی‌های جدید و ممنوعیت به‌کارگیری ایشان در سمت‌های اداری»، «استفاده از ظرفیت تدریس دانشجو معلمان سال چهارم» و «تعریف دوره‌های کاردانی تربیت معلم» اشاره شده است.



## موج مهاجرت از کشور به طراحان بازی‌های کامپیوتری رسید



خروجی هر روز در حال افزایش است. اختلاف درآمدی که بین ایران و کشورهای دیگر به واسطه پایین بودن ارزش پول ملی به وجود آمده باعث شده در سال‌های اخیر موج مهاجرت سرعت بیشتری پیدا کند و این یک معضل جدی است.

به گفته او، از آنجا که در دانشگاه‌های کشور رشته کامل و مجزایی برای بازی‌سازی وجود ندارد و تمامی فعالان این حوزه با علاقه شخصی و به صورت مجزا اقدام به یادگیری در زمینه بازی‌سازی کرده‌اند، بنیاد می‌تواند در تربیت نیروی متخصص نقش بسزایی داشته باشد. همان‌طور که در گذشته هم آکادمی بنیاد نیروی متخصص در حوزه گیم تربیت می‌کرد اما امروزه چندان فعال نیست و خروجی مشخصی ندارد.

شهریار ازهریان‌فر هم بنیان‌گذار استودیو نردبان اندیشه و سازنده بازی «آمیرزا» گفته «بلا تکلیفی طرح صیانت و اینکه همه چیز در حالت معلق قرار دارد بسیار نگران‌کننده است. به‌خصوص اینکه واکنش بازار به این اتفاق مشخص نیست و حتماً با سیل مهاجرت عظیمی پس از اجرا شدن این طرح روبرو خواهیم شد.»

به گفته شهریار ازهریان‌فر یکی دیگر از مشکلات، نبود شرکت‌های خارجی این حوزه در ایران است: «بسیاری از شرکت‌های برجسته و بزرگ بازی‌سازی دور تا دور ایران مشغول فعالیت هستند و حتی در کشورهای همسایه مانند امارات، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان فعالیت رسمی دارند. این در حالی است که هیچ شرکت بازی‌سازی خارجی‌ای در ایران فعالیت ندارد و نه تنها از همکاری‌های بین‌المللی محرومیم، بلکه دانش فنی روز دنیا را هم در اختیار نداریم و این مسئله باعث شده تا به لحاظ علمی و فنی بسیار پایین‌تر از سطح اول دنیا باشیم.» جالب اینکه بنیادی به نام «بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای» نیز سال‌هاست در ایران فعال شده اما به نظر می‌رسد نه نفوذی بر قانونگذاران دارد و نه توانایی مالی برای حمایت از فعالان این صنف؛ این در حالیست که طبق قانون بودجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است از عرضه‌کنندگان بازی‌های خارجی قابل نصب در رایانه، تلفن همراه و کنسول، ۱۰ درصد قیمت فروش را به عنوان عوارض دریافت کند و آن را در اختیار بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای برای حمایت از توسعه بازی‌های داخلی قرار دهد. به گفته فعالان اما اینها همه روی کاغذ مانده و سبب ناامیدی بیشتر فعالان در صنف بازی‌های رایانه‌ای شده است.

موج مهاجرت این صنف در حالیست که به گفته رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای «شرکت‌های مستقل توانمندی در کشور داریم که بازی‌های بسیار خوبی تولید کرده‌اند و برنده جوایز جشنواره‌های مختلف شده‌اند، اما در نبود حمایت‌ها شاهد آن هستیم که سالانه حداقل دو تا سه مورد از این شرکت‌ها و تیم‌های بازی‌سازی، یعنی کل تیم و یا شرکت به کشورهای دیگر از جمله ترکیه، کانادا و کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنند.»

در این میان ترکیه توانسته به یکی از مقاصد اصلی طراحان ایرانی بازی‌های کامپیوتری تبدیل شود. رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای در اینباره توضیح داده که «در سال‌های اخیر ترکیه مقصد اصلی مهاجرت متخصصان بازی‌سازی کشور بوده است. ترکیه فضای بسیاری در این حوزه پیدا کرده و بازی‌سازان به اطلاعات و ارتباطات با سایر بازی‌سازها و ناشران بازی‌ها دسترسی آزاد دارند. ترکیه در حال حاضر به‌عنوان قطب بازی‌سازی منطقه شناخته می‌شود و کشورهای بسیاری ترغیب به سرمایه‌گذاری در آن شده‌اند. در صورتی که بازی‌سازان ایرانی همچنان برای این‌که ناشران بازی‌ها انتشار بازی‌های تولیدی‌شان را بپذیرند باید با رابطی خارجی با این ناشران ارتباط برقرار کنند.»

حمزه آزاد متولد سال ۶۹ موسس شرکت «بازی‌سازان جوان» و نماینده رسمی «گلوبال گیم جم» (Global Game Jam) در ایران دو سال پیش درباره مشکلاتی که بر سر فعالان این صنف در ایران وجود دارد و در مقایسه با شرایط ترکیه گفته بود یکی از مشکلات در ایران بی‌توجهی مسئولان به بخش «آکادمیک» است: «زمانی در زمینه بازی‌سازی کامپیوتری رشته‌ای در دانشگاهی راه افتاد که بعد از مدت کوتاهی تعطیل شد. برخلاف ترکیه که خیلی حساب شده در این زمینه کار می‌کند. مثلاً فقط دانشگاه باهجه شهیر در استانبول یک مرکز تخصصی بازی‌سازی دارد و یک آزمایشگاه تخصصی بازی‌سازی شش طبقه در دسترس دانشجویان است. بسیار جدی و با امکانات خوب مشغول به کار هستند.»

احسان کنگرانی مدیر بخش بازی «کافه‌بازار» نیز فروردین امسال درباره انگیزه‌های مهاجرت طراحان و سرمایه‌گذاران بازی‌های کامپیوتری گفته بود: «اکثر نیروهای متخصص در حال مهاجرت هستند. ورودی خاصی به این حوزه نداریم اما

● به گفته رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای، تحریم‌ها امکان رقابت شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی را از بین می‌برد و این موضوع یکی از انگیزه‌های انتقال کسب و کار به کشوری دیگر است.

● مسدود شدن سرورهای مورد نیاز طراحان بازی توسط دولت در ایران، عدم توجه جمهوری اسلامی به بخش آکادمیک این حرفه و اختلاف قیمت دستمزدها در درون ایران و خارج از کشور از جمله عواملی است که سبب مهاجرت این متخصصان شده است.

● ترکیه توانسته به یکی از مقاصد اصلی طراحان ایرانی بازی‌های کامپیوتری تبدیل شود و جذابیت‌های زیادی برای سرمایه‌گذاران ایرانی در این حرفه ایجاد کند.

رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای از موج گسترده مهاجرت طراحان بازی‌های کامپیوتری یا «گیم دیزاینرها» به خارج از ایران خبر داده است. او محدودیت‌هایی از قبیل مسدود شدن سرورهای مورد نیاز طراحان بازی توسط دولت در ایران را از جمله عواملی دانست که سبب مهاجرت این متخصصان شده است.

ابوالفضل صادق رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای گفته که «متأسفانه بازی‌سازان ایرانی باید چندین برابر بازی‌سازان خارجی برای تولید تلاش کنند و موانع بسیاری را برای انتشار بازی‌های خود پشت سر بگذارند و همین هم موجب می‌شود تا مایل باشند کشور را به مقصد کشوری‌هایی که در آن‌ها دسترسی آزاد به اطلاعات، موتورها، ناشران و رسانه‌ها دارند، ترک کنند.»

طراحی بازی‌های کامپیوتری دارای بخش‌های مختلفی از طراحی «گیم پلی»، طراحی مراحل، طراحی مکانیک و قوانین یک بازی است که طراحان و دست‌اندرکاران هر بخش به عنوان «طراح بازی» یا «گیم دیزاینر» شناخته می‌شوند. یعنی متخصصانی که باید به برنامه‌نویسی و نرم‌افزارهای مختلف طراحی و گرافیک آشنا باشند و سال‌ها برای آموختن تلاش می‌کنند تا به یک نیروی حرفه‌ای تبدیل شوند.

اکنون به گفته رئیس کمیسیون نرم‌افزارهای سرگرمی و بازی‌های رایانه‌ای، تحریم‌ها امکان رقابت شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی را از بین می‌برد و این موضوع یکی از انگیزه‌های انتقال کسب و کار به کشوری دیگر است.

اما مشکلات ناشی از عملکرد جمهوری اسلامی هم برای این حرفه بحران‌زا بوده است. به گفته ابوالفضل صادق «برخی فیلترها از خارج کشور برای بازی‌سازها اعمال می‌شود؛ رابطه با برنامه‌های کاربردی و موتورهای بازی‌سازی در دسترس؛ و برخی دیگر از داخل خود کشور. برای مثال ممکن است سرورهایی که خدمات داخلی و خارجی ارائه می‌دهند از داخل کشور تحریم و مسدود شوند و کاربران خود را از دست بدهند.» این مشکلات سبب شده نه تنها طراحان حرفه‌ای بازی‌ها بلکه حتی کارآموزانی که به گفته ابوالفضل صادق دو سال برای آموزش آنها زمان گذاشته نیز به محض پایان دوره از داشتن بازار کار منصفانه و آزادی عمل در ایران ناامید شده و به دیگر کشورها مهاجرت می‌کنند.

در این میان موضوع دستمزد و بی‌ارزش بودن پول ایران هم یکی از انگیزه‌های مهم مهاجرت طراحان بازی‌های کامپیوتری است. بسیاری از نیروهای متخصص به دلیل اختلاف قیمت قابل توجه ارز کشور، به عنوان شاغل آزاد (فریلنس) با شرکت‌های خارجی کار می‌کنند چون شرکت‌های داخلی توان پرداخت این مبالغ را به نیروهای خود ندارند.

## گزارش میدانی؛ تجاری از گشت ارشاد اسلامی؛ ما نیز نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم!

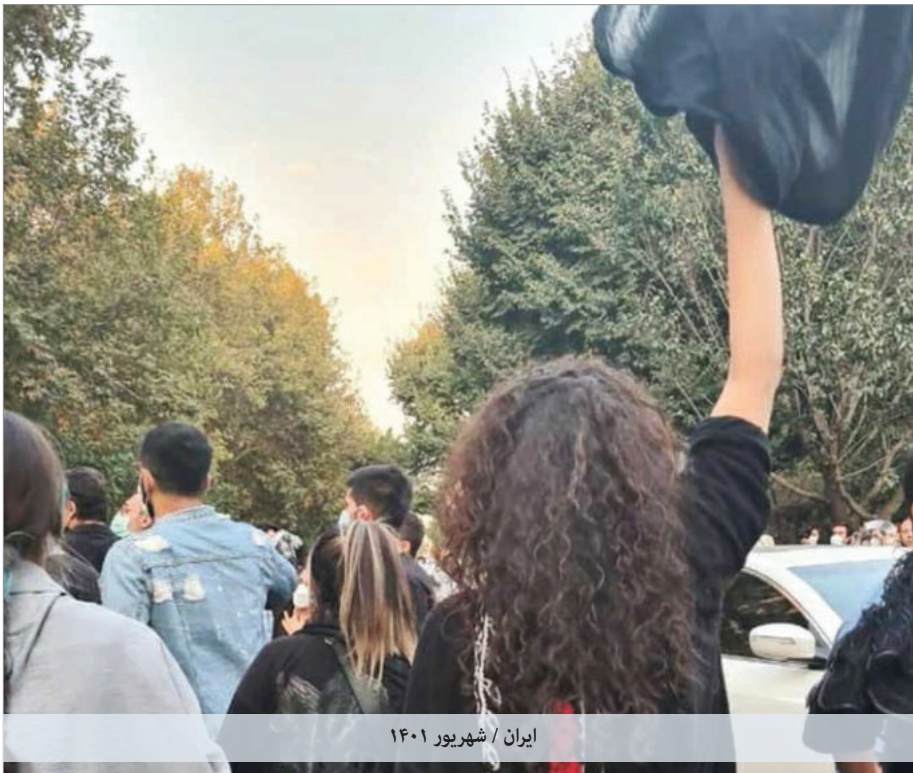
● «زن مأمور گشت ارشاد اسلامی ضربه‌ای به شکم خواهرم که باردار بود زد و گفت: یک همچین مادر ولنگ و بازی نیازی نیست مادر بشه! لیاقت نداره! خواهرم یک ساعت بعد دچار خونریزی شد؛ به اورژانس زنگ زدیم، آمدند و او را به بیمارستان منتقل کردند اما متأسفانه خواهرم جنین‌اش با این ضربه سقط شد.»

● «ماموران گشت ارشاد جلوی من و مادرم را در حوالی میدان سعادت آباد گرفتند و به وزرا بردند. ظاهرهم هم کاملاً پوشیده بود. یک مانتوی بلند جلو باز که زیرش یک پیراهن بلند پوشیده بودم و فقط جوراب به پا نداشتم. در وزرا به مادرم فحش‌های رکیک می‌دادند و می‌گفتند «خاک بر سر شوهر بی‌غیرت کنند که تو و دخترت رو تو خیابونا ول کرده!»

● «جوانان فکر نکنند که جمهوری اسلامی همینطور آمد و تثبیت شد! در چند سال اول هم عین الان فقط سرکوب کرد و خون ریخت تا بماند! تابستان ۵۸ کشور ملتهب بود. روبروی دانشگاه تهران همیشه شلوغ بود و گروه‌های مختلف تظاهرات می‌کردند. من در اتوبوسی به سوی میدان ۲۴ اسفند که بعد شد «انقلاب» می‌رفتم. اتوبوس مجبور شد در ترافیک توقف کند. ناگهان دو سه جوان حزب‌اللهی با دهان کف کرده از بدنه اتوبوس بالا رفته و از شیشه که باز بود دست‌شان را دراز کردند تا موهای دختر جوانی را که روی شانه‌هایش ریخته بود بکشند! آنها داد می‌زدند: یا روسری یا توسی! راننده با حرکت سریع اتوبوس آنها را پایین انداخت!»

● «چند سال بعد در دهه شصت در میدان هفت حوض نارمک خودم شاهد بودم که چند مأمور چادری که آزمان به آنها «کلاغ» می‌گفتند، زن جوانی را که روژ قرمز داشت نگه داشته و در کف دست‌اش تُف کردند و گفتند: حالا لب‌هایت را پاک کن!»

فیروزه نوردستروم- یک روز پس از قتل حکومتی مهسا امینی دختر ۲۲ ساله‌ای که در پی دستگیری و ضرب و جرح ماموران گشت ارشاد اسلامی به کما رفته بود، موجی از اعتراضات گسترده علیه جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف کشور آغاز شد. کیهان لندن در این گزارش میدانی، تجربه‌های تعدادی از شهروندان ساکن ایران را در مورد آزارهای ماموران گشت ارشاد اسلامی از زبان خود آنان مرور کرده است. آزارهایی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شعار «یا روسری یا توسی» آغاز شد و در تمام چهار دهه گذشته به صورت قانونی و همچنین خودسر ادامه یافته و شهروندان بسیاری به ویژه زنان را راهی زندان کرده و به بسیاری دیگر آسیب‌های جسمی و روحی وارد کرده است. دختری دانشجو که خواهرش در دوران بارداری تجربه‌ی برخورد با ماموران گشت ارشاد اسلامی را داشته، درباره رویارویی خواهرش با آنها می‌گوید: «پارسال همراه با خواهرم به یکی از پاساژهای حوالی شهرک غرب رفته بودیم.



ایران / شهریور ۱۴۰۱

دستش را بالا بگیرد و بنویسد، در حالی که زیر چشمش کبود و حالش بد بود گفته بود «خانم، من تازه عمل کردم حامله اصلاً خوب نیست خواهش می‌کنم اجازه بدید برم»، گفته بودند «نه، باید بشینی تا برات روسری بیارن». بعد گفتند «باید چک کنیم ببینیم اگر تا به حال موردی نداشتی می‌تونی بری»؛ وقتی دخترم داخل ون نشست سریع تلفن همراهش را از او گرفتند و او را به وزرا بردند. بعد از چند ساعت با مصیبت توانستیم دخترم را از چنگ آنها نجات بدهیم.» کارمند یک شرکت خصوصی هم با یادآوری برخوردی مشابه می‌گوید: «اواخر فروردین بود که ماموران گشت ارشاد جلوی من و مادرم را در حوالی میدان سعادت آباد گرفتند و به وزرا بردند. ظاهرهم هم کاملاً پوشیده بود. یک مانتوی بلند جلو باز که زیرش یک پیراهن بلند پوشیده بودم و فقط جوراب به پا نداشتم. در وزرا به مادرم فحش‌های رکیک می‌دادند و می‌گفتند «خاک بر سر شوهر بی‌غیرت کنند که تو و دخترت رو تو خیابونا ول کرده!» مادرم به آنها می‌گفت «من معلم این حرف‌های زشت را نزید، زشته!» اما اهمیت نمی‌دادند. بعد از چند دقیقه مادرم به گریه افتاد، من به آنها گفتم «بس کنید! مادرم دیابت داره حالش بد میشه قندش میره بالا»؛ اما آنها همینطور به فحش دادن ادامه می‌دادند تا اینکه مادرم دچار حمله عصبی شد و قند خونش بالا رفت. بعد که دیدند حال مادرم بد شده به اورژانس زنگ زدند مادرم را بردند ولی به من گفتند باید مانم تا برابم لباس بپاروند.»

دختری دانشجو هم از برخورد با ماموران گشت ارشاد چنین می‌گوید: «چند ماه پیش بود که ماموران گشت ارشاد مرا در حوالی میدان «هفت‌تیر» [میدان ۲۵ شهریور] گرفتند و به داخل ون گشت ارشاد هل دادند. همراه با من یک خانم محجبه را هم گرفته بودند که فقط جوراب به پا نداشت. آن خانم ضجه می‌زد که «بچه‌ام رو از صبح پیش مادرم تنها گذاشتم شیر می‌خواد» اما آنها کوتاه نیامدند. وقتی به وزرا رسیدیم از ما مثل جانی‌ها عکس گرفتند. آن خانم محجبه از دختری که کفش ورزشی به پا داشت خواهش کرد

موقع برگشتن ماموران گشت ارشاد جلوی ما را گرفتند و ما را به وزرا بردند، خواهرم باردار بود ولی هنوز شکم‌اش برآمده نشده بود. به آنها گفتم خواهرم باردار است، خواهش می‌کنم اجازه بدید بره ولی من بجای او می‌مونم. یکی از زنان گشت ارشاد با آرنجش محکم به شکم خواهرم کوبید و گفت «یک همچین مادر ولنگ و بازی نیازی نیست مادر بشه! لیاقت نداره!» خواهرم یک ساعت بعد دچار خونریزی شد؛ به اورژانس زنگ زدیم، آمدند و او را به بیمارستان منتقل کردند اما متأسفانه خواهرم جنین‌اش با این ضربه سقط شد.»

یک خانم ۳۸ ساله ساکن تهران هم با خاطره‌ای مشابه به این بحث می‌پیوندد و می‌گوید: «تابستان پارسال بود که یک عمل اورژانسی داشتم و در میدان ونک به سمت مطب دکترم می‌رفتم؛ یک مانتوی بلند جلو باز تنم بود و یک شال خیلی پوشیده هم بر سر داشتم. یکهو ماموران گشت ارشاد جلوی من ظاهر شدند و گفتند «خانم بیا اینجا، تا حالا شما را گرفته‌اند؟ پرونده‌ای ندارید؟» گفتم نه؛ بعد گفتند «بفرمایید اینجا در ون بنشینید تا استعلام بگیریم»، اسم و فامیل و شماره کارت ملی مرا هم گرفتند. به محض اینکه در ون نشستم در ون را بستند و یکی آمد و گوشی مرا از من گرفت. گفتم من مشکلی ندارم، وقت دکتر دارم باید برم، یکی از دخترانی که آنجا نشسته بود خندید و گفت ما رو هم همینطوری سوارمون کردند، خلاصه بعد از چند ساعت ماندن در وزرا و یک گریه مفصل و البته فشار عصبی زیاد به خودم و خانواده‌ام از من تعهد گرفتند و بعد آزادم کردند.»

یک خانم آرایشگر هم از بازداشت دخترش در حوالی میدان ونک می‌گوید: «میدان ونک به خاطر وجود مطب‌ها و کلینیک‌های تخصصی همیشه پررفت و آمد و شلوغ است. چند ماه پیش ماموران گشت ارشاد دخترم را که در حاشیه میدان منتظر اسنپ بود بازداشت کردند به این خاطر که روسری حریر سر کرده بود و گوش‌هایش پیدا بود، آن زمان سه روز بود که سینه‌هایش را عمل کرده بود به او گفته بودند یک تعهد بنویس و امضا کن، دخترم حتی نمی‌توانست



معاصر ایران» دو رویداد بیانگر پیروزی نهایی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود: تسخیر رادیوتلوویزیون ملی ایران و شکست حکومت نظامی.

شماره ۱ از کاربران پرمخاطب در توئیتر که از مردم خواسته‌اند با رعایت الگوهای مبارزات و نافرمانی مدنی در مقابل مأموران و مزدوران جمهوری اسلامی بایستند بر ضرورت «حق دفاع مشروع» نیز تأکید می‌کنند.

مهدی حاجتی فعال سیاسی و نماینده پیشین شورای اسلامی شهر شیراز در توئییتی با اشاره به فعالیت «باشگاه چرچیل» در دوران نازی‌ها پیشنهاد «خرابکاری شرافتمندانه» را مطرح کرده است.

فریبرز کریمی‌زند از افسران جداشده‌ی نیروی انتظامی علاوه بر آنکه در مورد نقاط ضعف یگان‌های سرکوب و نحوه محافظت و دفاع شخصی و گروهی در برابر هجوم آنها مردم را راهنمایی می‌کند، پیشنهاد «ایجاد ترافیک مصنوعی و راه‌بندان» را مطرح کرده و «روش‌های محافظت از سر و صورت و نقاط حساس بدن در مقابل گلوله‌های ساچمه‌ای» و مسائلی از این دست را مطرح کرده که با استقبال زیادی در بین کاربران مواجه شده است.

عرفان کسرابی پژوهشگر مطالعات علم و فناوری و عضو انجمن فلسفه علم آلمان در توئییتی از ایلان ماسک مدیرعامل شرکت «اسپیس ایکس» در مورد ارائه اینترنت آزاد به ایرانی‌ها پرسیده که او نیز پاسخ داد «برای پوشش ماهواره‌ای اینترنت ایران از دولت آمریکا تقاضای معافیت از تحریم‌ها خواهد کرد.» شهرام سبزواری افسر پیشین ارتش نیز می‌نویسد «عامل ترافیک و قطع ارتباط نیروهای سرکوبگر با مقر فرماندهی باعث برتری مردم بر آنها خواهد شد. پس حتا با ایجاد ترافیک به هر شکلی به هموطنانمان می‌توانیم یاری برسایم. از هر وسیله‌ای برای مسدود کردن راه‌ها و ارتباط نیروهای سرکوبگر استفاده کنیم.»

در این میان حکومت به تبلیغات دروغین و تهدید علیه مردم مشغول است. هرچند خانواده مهسا امنیتی دائم اطلاعات و ادعاهای نیروی انتظامی در مورد نحوه جان باختن دخترشان را رد می‌کنند، حجت‌الاسلام عبدالرضا پورذهبی نماینده علی خامنه‌ای در کردستان روز سه‌شنبه برای آرام کردن اوضاع به خانه آنها رفت. محسن منصوری استاندار تهران نیز ادعا کرده «عناصر اصلی هسته‌های اولیه تجمعات تهران کاملاً سازماندهی شده، آموزش دیده و با برنامه به دنبال ایجاد اغتشاش در تهران بودند.»

رسانه‌ها و مقامات حکومتی مدام تکرار می‌کنند که ضدانقلاب و جریان‌های تجزیه‌طلب به دنبال سناریوهای شوم هستند و «تروریست‌ها میداندار شدند.» این در حالیست که سناریوی شوم در بهمن ۵۷ در ایران اتفاق افتاد که طی آن تروریست‌ها به قدرت رسیدند و ملت و مملکت را به ویرانی کشاندند.

## پیشنهاد معترضان برای ایستادگی در مقابل سرکوبگران؛ از «خرابکاری شرافتمندانه» تا «ترافیک مصنوعی» و «تسخیر صداوسیما»

● گزارش‌ها از ایران حاکیست درمقابل صداوسیما رژیم در تهران و مراکز رادیو و تلویزیون استان‌ها نیروهای امنیتی مستقر شده‌اند.

● بر اساس گزارش «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» دو رویداد بیانگر پیروزی نهایی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود: تسخیر رادیوتلوویزیون ملی ایران و شکست حکومت نظامی. اما شمار زیادی از اکانتهای سایبری در پوشش کاربران عادی مخالف رژیم در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام و توئیتر دائم با عبارات تهدیدآمیز به مردم هشدار می‌دهند از رفتن به سمت مراکز صداوسیما حکومت خودداری کنند!

● مهدی حاجتی فعال سیاسی و نماینده پیشین شورای شهر شیراز در توئییتی با اشاره به فعالیت «باشگاه چرچیل» در دوران نازی‌ها پیشنهاد «خرابکاری شرافتمندانه» را مطرح کرده است. ● شماری از افراد پیشنهاد «ایجاد ترافیک مصنوعی و راه‌بندان» را مطرح کردند و برخی دیگر «روش‌های محافظت از سر و صورت و نقاط حساس بدن در مقابل گلوله‌های ساچمه‌ای» را آموزش می‌دهند.

● رسانه‌ها و مقامات حکومتی مدام تکرار می‌کنند که ضدانقلاب و جریان‌های تجزیه‌طلب به دنبال سناریوهای شوم هستند و «تروریست‌ها میداندار شدند.» این در حالیست که سناریوی شوم در بهمن ۵۷ در ایران اتفاق افتاد که طی آن تروریست‌ها به قدرت رسیدند و ملت و مملکت را به ویرانی کشاندند.

گزارش‌ها از ایران حاکیست به دنبال گسترش اعتراضات ضدحکومتی از روز سه‌شنبه ۲۹ شهریور نیروهای امنیتی در مقابل صداوسیما رژیم در تهران و مراکز رادیو و تلویزیون استان‌ها مستقر شده‌اند تا از ورود احتمالی معترضان به آنها جلوگیری کنند.

همزمان شمار زیادی از اکانتهای سایبری در پوشش کاربران عادی مخالف رژیم در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام و توئیتر دائم با عبارات تهدیدآمیز به مردم هشدار می‌دهند از رفتن به سمت مراکز صداوسیما حکومت خودداری کنند. این درحالیست که پس از قتل حکومتی مهسا امینی در پایگاه «گشت ارشاد اسلامی» اعتراضات گسترده شکل گرفته و موجی از انگیزه برای ایستادگی در مقابل کلیت جمهوری اسلامی به راه انداخته است. اما صداوسیما رژیم که مردم آن را «نگ» می‌دانند، طبق معمول در بخش‌های متعدد خبری معترضان را «اغتشاشگر» و «تجزیه‌طلب» خوانده و حتا ادعا کردند که «قرآن را آتش زدند!»

در شرایطی که بسیاری از مردم پیشنهاد رفتن به سمت مراکز سیاسی و مهم حکومتی را مطرح می‌کنند کانال‌های «عرزشی» و مقامات مدام به مردم در همین مورد هشدار می‌دهند. این در حالیست که بر اساس گزارش «مؤسسه مطالعات تاریخ

جورابش را به او بدهد، او هم جوراب را گرفت، پوشید و ماموران را راضی کرد که از آنجا بیرون بروند!» این دانشجوی در ادامه به بازداشت خواهرش در سال ۹۱ اشاره می‌کند: «یک هفته پس از عروسی خواهرم او و همسرش را نزدیک سینما شهرفرنگ به اسم دوست دختر و پسر گرفتند و به وزرا بردند؛ در زیرزمین وزرا به شوهر خواهرم چند سیلی زده بودند. وقتی مادرم به عنوان ولی آنها با عقدنامه و شناسنامه رفت که آنها را بیرون بیاورد، ماموران گشت ارشاد نمی‌خواستند زیر بار بروند! در نهایت بعد از ۶ ساعت کلنجار رفتن مادرم آنها را از آنجا بیرون آورد.»

بانویی ۵۵ ساله نیز با یادآوری برخورد با ماموران کمیته در دهه شصت تعریف می‌کند: «سال ۶۵ حدوداً ۲۰ ساله بودم و هنوز وارد دانشگاه نشده بودم. از مادرم شنیده بودم که پدرم در زمان جوانی به پارک ساعی می‌رفته و درس می‌خوانده، یکبار تصمیم گرفتم به آنجا بروم و درس بخوانم، سوار اتوبوس شدم و به پارک ساعی رفتم، یک ساعتی بود که در آنجا راه می‌رفتم و درس می‌خواندم تا اینکه یکبار ماموران کمیته جلویم را گرفتند و با تمسخر به من گفتند « اینجا اومدی پسر بازی؟! آرزو برای اولین بار اصطلاح «پسر بازی» را شنیدم!»

او به نقل از مادرش می‌گوید: «اوایل انقلاب، کمیته چی‌ها مردم را می‌گرفتند، دست و پایشان را داخل یک پیت پر از سوسک می‌کردند یا دستشان را تیغ می‌کشیدند و یا موهایشان را از ته می‌زدند ولی امروز آنها را می‌کشند.»

بانوی دیگری نیز از برخورد حزب‌اللهی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید: «جوانان فکر نکنند که جمهوری اسلامی همینطور آمد و تثبیت شد! در چند سال اول هم عین الان فقط سرکوب کرد و خون ریخت تا ماند! تابستان ۵۸ کشور ملت‌هپ بود. زوربری دانشگاه تهران همیشه شلوغ بود و گروه‌های مختلف تظاهرات می‌کردند. من در اتوبوسی به سوی میدان ۲۴ اسفند که بعد شد «انقلاب» می‌رفتم. اتوبوس مجبور شد در ترافیک توقف کند. ناگهان دو سه جوان حزب‌اللهی با دهان کف کرده از بدنه اتوبوس بالا رفته و از شیشه که باز بود دست‌شان را دراز کردند تا موهای دختر جوانی را که روی شانه‌هایش ریخته بود بکشند! آنها داد می‌زدند: یا روسری یا توسی! راننده با حرکت سریع اتوبوس آنها را پایین انداخت!» وی ادامه می‌دهد «چند سال بعد در دهه شصت در میدان هفت حوض نارمک خودم شاهد بودم که چند مأمور چادری که آنزمان به آنها «کلاغ» می‌گفتند، زن جوانی را که روزی قرمز داشت نگه داشته و در کف دست‌اش تَف کردند و گفتند: حالا لب‌هایت را پاک کن!»

یکی از آموزگاران بازنشسته ساکن تهران هم در پایان این گفتگو اضافه می‌کند: «سال ۵۸ بود، در میدان بهارستان کمیته مرکزی انقلاب در کنار مجلس شورای اسلامی قرار داشت و آنجا تعدادی سرباز گذاشته بودند که دختران بدون روسری یا بی‌جوراب را بگیرند، البته پسرهای جین‌پوش با تی‌شرت و موی بلند را هم می‌گرفتند. صبح بود و من با کت و دامن داشتم به سر کارم می‌رفتم که سربازهای کمیته آمدند جلو و دست مرا گرفتند که به کمیته بهارستان ببرند، چنان کنکی از من خوردند که تا مدت‌ها باعث خنده خودم و خانواده بود. رییس کمیته بهارستان، آن زمان، مهدی طالقانی پسر آیت‌الله طالقانی بود. البته بعدها تجربه‌های تلخ دیگری از آنها داشتم. هم از تحقیر این رژیم نسبت به خودم بغض فروخورده دارم و هم فکر می‌کنم همه همین حس را دارند. من امروز ۶۰ ساله هستم و می‌گویم نه می‌بخشم و نه فراموش می‌کنم.»

# فرش دستباف ایرانی در بازار داخلی هم جای خود را به فرش «ترک» و «افغان» داده است



بازار صادراتی به آن معنا ندارد، بنابراین تولید هم متوقف می‌شود.»

از رونق افتادن صنعت فرش دستباف در بازارهای داخلی و خارجی سبب شده طراحان فرش ایرانی، رفوکنندگان و بافندگان طی چند سال گذشته به کشورهای دیگر از جمله ترکیه مهاجرت کنند.

عبدالله بهرامی مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های فرش دستباف دی‌ماه ۱۴۰۰ گفته بود بزرگترین طراحان فرش دستباف را در ایران داریم ولی همه آنها در حال رفتن به ترکیه هستند چون حمایت نمی‌شوند.

احمد کریمی اصفهانی عضو هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش ایران با تأیید این خبر گفته بود که ترکیه در فراخوانی، از طراحان و بافندگان ایرانی دعوت به همکاری کرد که این موضوع باعث مهاجرت برخی طراحان فرش به ترکیه شده است.

صنعت فرش ماشینی ایرانی هم با وجود اینکه تا چند سال پیش از رونق خوبی برخوردار بود، مانند صنعت فرش دستباف، رو به زوال قرار گرفته است.

محمدهادی کهالیان رئیس اتحادیه فرش ماشینی و موکت، نیز به خبرگزاری ایلنا گفت که «برخی تولیدکنندگان فرش ماشینی روی محصول خود نام یک نشان تجاری ترک را حک می‌کنند.»

به گفته او، «در شرایط فعلی و با نوسان‌های نرخ ارز، واردات فرش مقرون به صرفه نیست اما فرش ترک از سال‌ها پیش در بازار موجود است و در بازار ایران به راحتی خرید و فروش می‌شوند.»

آنطور که رئیس اتحادیه فرش ماشینی و موکت می‌گوید، در حال حاضر تولید فرش ماشینی در داخل بیش از تقاضا است؛ با این حال «صادرات این محصول مدیریت شده نیست زیرا تجار کشورهای همسایه از جمله عراق مستقیم به کارخانه‌های کاشان مراجعه و به ریال فرش می‌خرند که بر این نحوه خرید و فروش نمی‌توان نام صادرات گذاشت.»

در سال ۱۳۷۲ درآمد ایران از محل صادرات فرش حدود دو میلیارد دلار بود اما این رقم در سال ۱۴۰۰ به حدود ۶۴ میلیون دلار رسید.

مسعود سپهرزاد رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف معتقد است: «با وجود ۳ میلیون تولیدکننده فرش ایرانی به انضمام خانواده هایشان که همگی بافنده و تولیدکننده هستند و جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر را در کشور تشکیل می‌دهند، افرادی که هیچ توقعی از هیچ برای جا و مکان بافندگی در اختیارشان قرار نمی‌گیرد؛ دولت تنها باید ریزن برای صادرات در کشورهایی بیابد که راحتی و بدرستی طالب فرش ایرانی هستند. آنها بهتر از خودمان ارزش فرش ایران را می‌دانند.»

به گفته مسعود سپهرزاد، سفیران و کاردان‌های ایرانی در کشورهای هم راستا با سیاست‌های ایران، در این رابطه فعالیت کنند. خود می‌دانند که از هویت ایران و ۱۲ میلیون جمعیت دفاع خواهند کرد. بسادگی می‌توان فرش ایران را جایگزین نفت خام کرد. چه بسا این کار جدید نیست، متأسفانه بازارهای جهانی منتظر هیچ کشور و فردی نمی‌ماند.

مرتضی میری عضو هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف زمستان گذشته درباره وضعیت صنعت فرشبافی گفته بود که کاهش تولید و صادرات تبعات زیادی برای این کالای غیرنفی داشت. نخست آن که بخشی از روستایی‌ها برای کسب درآمد به شهرها مهاجرت کردند. در ثانی گروهی از مرمت‌کاران و رفوکاران کشور را به مقصد کشورهای خارجی ترک کردند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف توضیح داده بود که «پیشران فرش دستباف و اشتغال این بخش به صادرات بستگی دارد. بنابراین چون صادرات این کالا در سال‌های اخیر کاهش قابل توجهی داشت، بنابراین تولید این کالا به شکل معنادار و خطرناکی کم شد. علت کاهش تولید فرش دستباف این است که فرش‌های تولیدی باید فروخته شوند. وقتی فرش دیگر

فرش ایرانی در حالی در داخل کشور نیز جایگاه خود را در بازار به فرش افغان می‌دهد که سوء مدیریت جمهوری اسلامی سبب شده این محصول پرآوازه ایران، بازارهای جهانی را نیز از مدت‌ها پیش به رقبا ببازد.

طراحان فرش ایرانی، رفوکنندگان و بافندگان طی چند سال گذشته به کشورهای دیگر از جمله ترکیه مهاجرت کردند.

فرش ایرانی نه تنها بازار خارجی را به رقبا باخته بلکه در بازار داخلی نیز فرش افغانستان در حال تثبیت جایگاه ویژه بجای فرش ایرانی است.

رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف با اشاره به وضعیت ناگوار صنعت فرش دستباف ایران با بیان اینکه فرش ایرانی حتی در بازار داخلی هم از رونق افتاده، گفته که «فرش‌های دستباف افغان در بازار به وفور موجودند و بدون پرداخت عوارض گمرکی به ایران وارد می‌شوند.»

مسعود سپهرزاد رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف گفته که «قیمت فرش افغان نسبت به فرش ایرانی ارزان‌تر است اما از نظر کیفیت، با فرش ایرانی فرقی ندارد. به همین دلیل استقبال برای خرید این فرش‌ها نسبت به فرش داخلی بیشتر است.»

او همچنین با بیان اینکه «فرش‌های دستباف افغان در بازار به وفور موجودند و بدون پرداخت عوارض گمرکی به ایران وارد می‌شوند» گفته که «موقع خرید این فرش‌ها، فروشنده به خریدار اعلام نمی‌کند که این فرش را بافندگان افغان بافته‌اند و زمانی که خریدار بعد از چند سال می‌خواهد فرش را بفروشد، متوجه می‌شود که باید پایین‌تر از نرخ فرش ایرانی آن را به فروش برساند.»

فرش ایرانی در حالی در داخل کشور نیز جایگاه خود را در بازار به فرش افغانستان می‌دهد که سوء مدیریت جمهوری اسلامی سبب شده این محصول پرآوازه ایران، بازارهای جهانی را نیز از مدت‌ها پیش به رقبا ببازد.

فعالان صنعت فرش دستباف هشدار داده‌اند که صادرات فرش ایران نفس‌های آخر را می‌کشد. بر اساس آمار رسمی،

## شامگاه «۳۰ شهریور» ۱۴۰۱؛ شبی که مردم فُرق نیروهای مسلح را شکستند



مردم در شهرهای مختلف ده‌ها موتور و ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند؛ منبع تصویر: الجزیره ۳۰ سپتامبر

جمعیت انبوهی به خیابان‌ها آمدند. در خیابان‌های غرب و شرق تهران نیز اعتراضات جریان داشت و همین پراکندگی جابجایی نیروهای امنیتی را دشوار کرد. حومه پایتخت در «اسلامشهر» (شادشهر)، شهریار، ورامین (پیشوا) و رباط کریم اعتراضات گسترده بود. گزارش شد که اغلب دستگاه‌های خودپرداز (عابرانک‌ها) پایتخت و حومه از سرویس خارج شده است.

در کرج محلات مهرشهر و گوهردشت معترضان شب را بیرون ماندند و با روشن کردن آتش و ایجاد موانع خیابان‌ها را در کنترل خود گرفتند.

خبرگزاری تسنیم گزارش می‌دهد در شهر مشهد در میدان «تقی‌آباد» و تقاطع خیابان «راهنمایی» تجمع برگزار شد «اما وجود اینکه برخی مسئولان از جمله فرماندار مشهد آنها را دعوت به آرامش کرده این افراد اقدام به تخریب اموال عمومی کردند... چند دستگاه خودرو و موتور نیروی انتظامی نیز به آتش کشیده شد.»

در اصفهان در «چهارباغ عباسی» نیز تظاهرات جریان داشت. تسنیم در اینباره نیز گزارش داده «شعارهای هنجارشکنانه» سر داده شد و دامنه اعتراضات به «میدان انقلاب» و حتا «بستر زاینده رود» و خیابان‌های «میر» و «شیخ صدوق» رسید.

همچنین گزارش شد که در سقز نیروی‌های ارتش و سپاه با یکدیگر درگیر شدند و بین آنها تبادل آتش صورت گرفته است.

در بهبهان مردم شعار می‌دادند: «بسیجی بی‌غیرت، داعش ما شمایی!»

هنوز تعداد جانباختگان و بازداشتی‌ها مشخص نیست. امین معروفی نوجوان ۱۶ ساله از اشنویه که در اعتراضات جان باخت، شبانه در میان گریه و ماتم خانواده‌اش دفن شد.

خبرگزاری‌های حکومتی گزارش دادند یک بسیجی در تبریز کشته شده است. در شیروان مردم به دفتر امام جمعه هجوم بردند. در مشهد مردم دوربین‌های امنیتی شهری را آتش زدند.

برای ساعاتی اینترنت در سراسر ایران قطع بود. اما بعضی اوپراتورها بطور محدود با سرعت بسیار پایین فعال بودند و ارسال ویدئوها و اخبار میدانی از همان طریق صورت گرفت. برخی معتقدند حضور ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در نیویورک عاملی شده تا رژیم مجبور شود از سرکوب گسترده پرهیز کند و مثل «آبان ۹۸» بطور مطلق ارتباطات اینترنتی قطع نشود.

از سوی دیگر، حملات سایبری هک‌های بین‌المللی و گروه معروف «انانیموس» به شبکه‌های دولتی رژیم ایران تشدید شده است. منابع غیررسمی می‌گویند زیرساخت‌های حساس جمهوری اسلامی نیز توسط هک‌های ناشناس هدف قرار گرفتند.

● حضور گسترده نوجوانان و همچنین جمعیت زنان در این اعتراضات از نقاط عطف جنبش‌های اجتماعی در ایران است که اینبار بسیار چشمگیرتر از همیشه دیده می‌شود.

● اعتراضات شبانه ۳۰ شهریور درست در شرایطی برگزار شد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای برگزاری «مراسم سالانه رژه ۳۱ شهریور» در تمام شهرهای بزرگ محدوده رژه و خیابان‌های منتهی میدان برگزاری این مراسم را فُرق می‌کنند. درواقع «تأمین امنیتی» قبل از برگزاری مراسم رژه یعنی تشدید حضور نیروهای مسلح در شهرها! برخلاف ادعای خبرگزاری‌های حکومتی که مدعی شده‌اند اوضاع آرام‌تر شده اعتراضات دیشب گسترده‌تر از دو شب پیش از آن بود.

● طولانی شدن این دور از اعتراضات و پراکندگی آن در شهرها باعث تحلیل توان مأموران سرکوبگر شده است.

● در تهران مناطق شمال شهر (تجریش، زعفرانیه و پارک‌وی) که تقریباً برپایی اعتراضات در آنها کم‌سابقه است جمعیت انبوهی به خیابان‌ها آمدند.

● خبرگزاری تسنیم گزارش می‌دهد در شهر مشهد در میدان «تقی‌آباد» و تقاطع خیابان «راهنمایی» تجمع برگزار شد «اما وجود اینکه برخی مسئولان از جمله فرماندار مشهد آنها را دعوت به آرامش کرده این افراد اقدام به تخریب اموال عمومی کردند... چند دستگاه خودرو و موتور نیروی انتظامی نیز به آتش کشیده شد.»

با وجود سرکوب شدید و تیراندازی نیروهای امنیتی در ایران اعتراضات ضدحکومتی شامگاه چهارشنبه ۳۰ شهریور در «شرایط ویژه» ادامه یافت و در بسیاری شهرها مردم دست خالی مقاومت کردند و تا نیمه‌شب در خیابان‌ها ماندند.

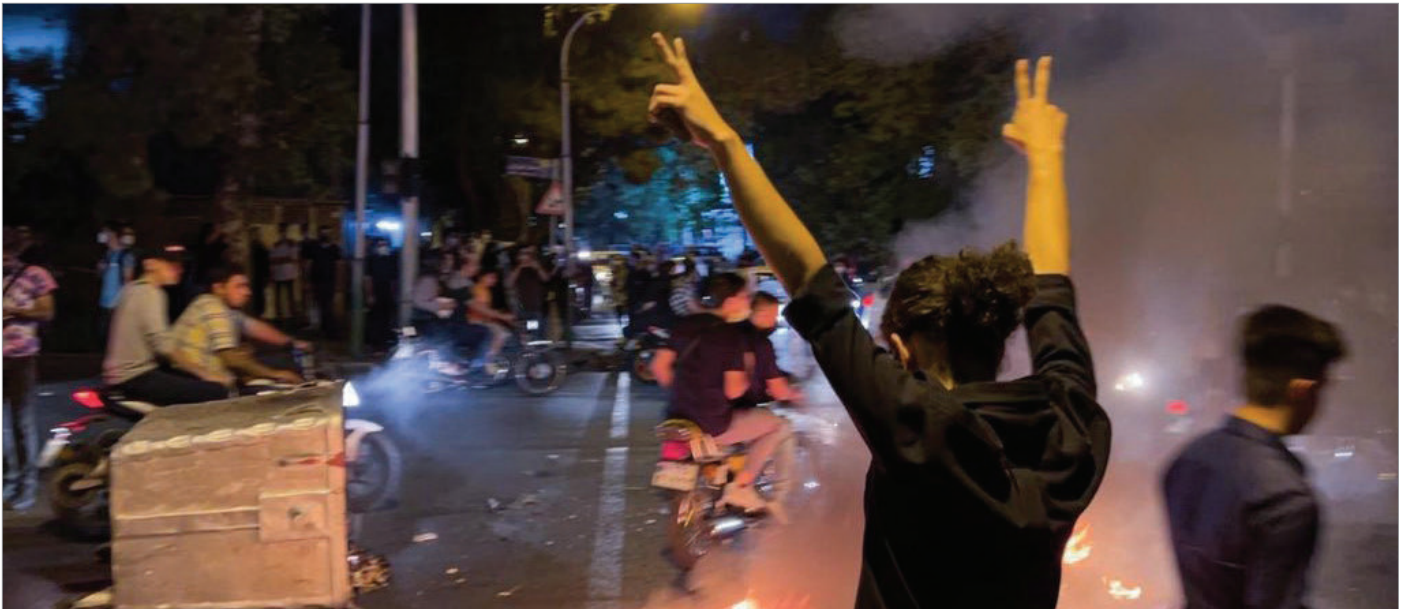
حضور گسترده نوجوانان و همچنین جمعیت زنان در این اعتراضات از نقاط عطف جنبش‌های اجتماعی در ایران است که اینبار بسیار چشمگیرتر از همیشه دیده می‌شود.

اعتراضات شبانه ۳۰ شهریور درست در شرایطی برگزار شد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای برگزاری «مراسم سالانه رژه ۳۱ شهریور» در تمام شهرهای بزرگ محدوده رژه و خیابان‌های منتهی میدان برگزاری این مراسم را فُرق می‌کنند. درواقع «تأمین امنیتی» قبل از برگزاری مراسم رژه یعنی تشدید حضور نیروهای مسلح در شهرها! در این میان، برخلاف ادعای خبرگزاری‌های حکومتی که مدعی شده‌اند اوضاع آرام‌تر شده، اعتراضات دیشب از دو شب پیش از آن گسترده‌تر بود.

طولانی شدن این اعتراضات و پراکندگی آن در شهرها باعث تحلیل رفتن توان مأموران سرکوبگر شده است. شاهدان عینی می‌گویند وضعیت در استان‌های گیلان و رشت به نحویست که گویی شهرها دست مردم افتاده است. در مواردی ساختمان فرمانداری و شهرداری به تسخیر مردم درآمد.

در تهران مناطق شمال شهر (تجریش، زعفرانیه و پارک‌وی) که تقریباً برپایی اعتراضات در آنها کم‌سابقه است،

# اعتراضات سراسری در بیش از ۱۰۰ شهر؛ با وجود سرکوب مسلحانه، خیابان‌ها در دست مردم ایران است



مشروع از خود در برابر معترضان می‌پردازند و با آتش زدن سطل‌های زباله و لاستیک اتومبیل تلاش می‌کنند اثرات گاز اشک‌آور را خنثی کنند. مردم همچنین با کندن نرده‌های فلزی در بلوارها و خیابان‌ها، از ورود ماشین‌های سرکوب جمهوری اسلامی به مناطقی که اعتراض در آنها در جریان است جلوگیری می‌کنند.

به دلیل پراکنده شدن اعتراضات از میدان‌ها و چهارراه‌های اصلی شهرها به همه محله‌ها، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی برای سرکوب نیروی کافی ندارد. خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه گفتند که برای اولین بار از نیروهای یگان ویژه زن برای سرکوب معترضان استفاده شده است.

فرمانده «یگان زنان» یگان‌های ویژه فراجا در گفتگو با خبرگزاری مهر مدعی شد که در جریان تجمعات اعتراضی سه‌شنبه شب «هشت لیدر زن» بازداشت شده‌اند. در بسیاری از تجمعات اعتراضی برگزار شده زنان روسری خود را آتش زدند و شعار «زن، زندگی، آزادی» سردادند. حضور گسترده زنان در سنین مختلف در اعتراضات روزهای گذشته کاملاً پرتنگ بوده است.

تصاویر از ایران نشان می‌دهند که زنان در مقابل نیروهای مسلح انتظامی روسری از سر برمی‌دارند و روسری خود را آتش می‌زنند.

همبستگی مردم در روزهای گذشته صحنه‌های متعددی از فرار نیروهای امنیتی و ضد شورش از دست مردم معترض را به نمایش گذاشته است. در چند شهر ایران از جمله کرمانشاه، رشت، لنگرود، شیروان گزارش‌ها از قرار گرفتن اختیار برخی محله‌های اصلی شهر در دست مردم دست‌کم برای ساعاتی حکایت دارد.

در شهرهای بزرگ اعتراضات در مناطق و محله‌های مختلف گسترده شده بطوری که شب گذشته در تهران دست‌کم در ۱۰ منطقه اعتراضات در جریان بود.

اعتراضات سراسری شهریور ۱۴۰۱ در شامگاه گذشته در بیش از ۱۰۰ شهر ایران و با حضور صدها هزار نفر از شهروندان برگزار شد. جمهوری اسلامی در حالی با قطع اینترنت موبایل و فیلتر شبکه‌های اجتماعی به سرکوب مسلحانه مردم اقدام کرده اما خیابان‌ها در دست مردم معترض و اعتراضات به حدی گسترده است که مقاومت‌های محله‌ای و کوچه به کوچه شکل گرفته است. همچنین پراکندگی اعتراضات در کلانشهرها امکان سرکوب را از نیروهای جمهوری اسلامی سلب کرده است.

ارومیه، تهران، منجیل، آمل، سردشت، سمنان، اسلام‌آباد، غرب، اردبیل، گنبدکاووس، ورامین، تالش، تنکابن، زرین‌شهر، زاهدان، قشم، دهلران، بابل، نورآباد، سراپله، تبریز، سنندج، نوشهر، مرودشت، مهاباد، همدان، اشنویه، ساوه، شیروان، قائمشهر، گرمسار، بابلسر، کیش، لاهیجان، قم، اهواز، کاشان، رودسر، پاره، کرمان، قوچان، پاکدشت، دهگلان، انزلی از جمله شهرهایی بودند که اعتراضات گسترده مردمی در آنها برگزار شد.

«می‌جنگیم می‌میریم ایران رو پس می‌گیریم»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «مرگ بر دیکتاتور»، «این آخرین پیامه، هدف خود نظامه»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «وای به روزی که مسلح شویم»، «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «سید علی قاتله، حکومتش باطله» از جمله شعارهای مردم معترض در اعتراضات دیروز و دیشب بود.

گزارش‌ها از شهرهای مختلف نشان می‌دهد مأموران نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی برای مقابله با تظاهرات کنندگان اقدام به شلیک گاز اشک‌آور، گلوله ساچمه‌ای و در برخی شهرها استفاده از دیگر دیگر اسلحه‌های جنگی می‌کنند. استفاده از شوکر برقی و ضربه به سر معترضان با باتوم یکی از شگردهای نیروهای حکومتی است که موارد متعددی از آن گزارش شده است.

در آنسوی میدان مبارزه، مردم با سنگ و چوب به دفاع

«می‌جنگیم می‌میریم ایران رو پس می‌گیریم»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «مرگ بر دیکتاتور»، «این آخرین پیامه، هدف خود نظامه»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «وای به روزی که مسلح شویم»، «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «سید علی قاتله، حکومتش باطله» از جمله شعارهای مردم معترض در اعتراضات دیشب بود.

همبستگی مردم در روزهای گذشته صحنه‌های متعددی از فرار نیروهای امنیتی و ضد شورش از دست مردم معترض را به نمایش گذاشته است.

وسایط حقوق بشری هه نگاه گزارش داده که شب گذشته نیروهای سپاه پاسداران در سقز به شدت معترضان را زیر رگبار گرفتند و شلیک به طرف معترضین در محله کریم آباد سقز بحدی بی‌رحمانه بوده که برای دقایقی نیروهای ارتش در اعتراض با سپاه پاسداران مبادله آتش داشته‌اند.

به دلیل گستردگی اعتراضات و قطع شدن اینترنت در مناطق مختلف هنوز آمار دقیقی از جانب‌بختگان و مجروحان اعتراضات در دست نیست اما گزارش‌های پراکنده از جان باختن حدود ۲۰ نفر حکایت دارد.

در ویدئوهای منتشر شده سرخوردگی و درماندگی بخشی از نیروهای حکومتی و حتی اکراه آنها در سرکوب مردم کاملاً مشهود است. این موضوع نشانه‌ی ریزش از درون نهادهای امنیتی و انتظامی را پرتنگ می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه چهارشنبه در پیامی خطاب به مردم ایران گفت: خیابان دست شماست. نگهش دارید!

نیروهای سرکوبگر با فرستادن نیروهای لباس شخصی به میان معترضان، از یکسو تلاش کردند تا حلقه‌های اعتراضی را در هم بشکنند و شعارها را کنترل کنند، و از سوی دیگر با کشاندن معترضان به کوچه‌ها امکان بازداشت آنها را آسان می‌کردند.

این قرارگاه، هویت کشته شده را حسین اوجاقی اعلام کرد. همچنین شهرام کرمی دادستان کرمانشاه زخمی شدن ۲۵ شهروند و کشته شدن دو تن دیگر در جریان اعتراضات سه شنبه ۲۹ شهریور در کرمانشاه را تأیید کرد.

حسین حسن پور جانشین فرمانده انتظامی گیلان از بازداشت ۶۸ تن از شهروندان در شهر رشت در دو روز اخیر خبر داد و گفته که ۴۳ نفر از عوامل انتظامی، بسیج و سپاه نیز در حوادث اخیر مجروح شده‌اند.



خرگزاری کرد یا نیز از مصدومیت یک شهروند با هویت نچیروان معروفی، ۱۸ ساله در سقز خبر داد. این شهروند در جریان اعتراضات مورد هدف شلیک نیروهای امنیتی قرار گرفته و بینایی چشم راست خود را بطور کامل از دست داده است. همزمان خرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی گزارشی مدعی به آتش کشیده شدن یک پلیس خبر داد و نوشت بدن این پلیس با سوختگی‌های جدی مواجه شده است.

ویدئوهایی نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد بسیاری از مجروحان این اعتراضات که با اسلحه ساخته‌ای زخمی شده‌اند، برای پنهان ماندن هویت و حفظ امنیت به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مراجعه نکرده و توسط پزشکان و پرستار و بهیاران در خانه درمان می‌شوند.

پیشتر گزارش شده بود که مأموران امنیتی با مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها افرادی که در اعتراضات زخمی شده را شناسایی و یا آنها را بازداشت یا در همان بیمارستان تشکیل پرونده امنیتی داده و بهیاران را مورد بازجویی قرار می‌دهند تا بعد آنها را احضار کنند.

در حالی که دسترسی به اینترنت در روزهای گذشته با محدودیت‌هایی روبرو شده بود و در مناطقی که محل برگزاری اعتراضات بود اینترنت موبایل قطع می‌شد اما از روز گذشته اینترنت موبایل بطور سراسری قطع شد و شبکه اینستاگرام که تنها شبکه اجتماعی فیلتر نشده در ایران بود نیز فیلتر شد.

گروه هکری «انانیموس» یا «گمنام» در حمایت از مردم معترض ایران، از آغاز جنگ سایبری علیه جمهوری اسلامی خبر داد. ساعاتی پس از اعلام این خبر، شماری از وبسایت‌های حکومتی از جمله وبسایت خبرسانی دولت، وبسایت صداوسیما و وبسایت وزارت ارشاد اسلامی برای ساعاتی در ایران با اختلال روبرو شدند.

داده که شب گذشته نیروهای سپاه پاسداران در سقز به شدت معترضان را زیر رگبار گرفتند و شلیک به طرف معترضین در محله کریم آباد سقز بعدی بی‌رحمانه بوده که برای دقایقی نیروهای ارتش در اعتراض با سپاه پاسداران مبادله آتش داشته‌اند.

ریزش از حکومت در میان افشار دیگر نیز به شکل بی‌سابقه‌ای آغاز شده است. روز گذشته محسن چاووشی خواننده با انتشار توییتی نوشت «در کمال صحت و

سلامت» اعلام می‌کند که برای همراهی با مردم دیگر با وزارت ارشاد جمهوری اسلامی همکاری نخواهد کرد.

مهران مدیری برنامه‌ساز و کارگردان صداوسیما جمهوری اسلامی که همواره از جمله منفعت‌طلبان شناخته می‌شد با انتشار ویدئویی صداوسیما را تحریم و با مردم اعلام همراهی کرد.

به دلیل گستردگی اعتراضات و قطع شدن اینترنت در مناطق مختلف هنوز آمار دقیقی از جانباختگان و مجروحان اعتراضات در دست نیست اما شبکه حقوق بشر کردستان اعلام کرد در جریان اعتراضات به کشته شدن مهسا امینی، دست‌کم یک نوجوان ۱۶ ساله به نام امین معروفی و دو شهروند دیگر به نام‌های دانش راهنما، ۲۵ ساله و صدرالدین لیثان، ۲۷ ساله، با تیراندازی نیروهای بسیج و ضدشورش در روستای بالو در استان آذربایجان غربی کشته شدند.

بر اساس این گزارش، در جریان اعتراضات در استان‌های غربی ایران تا کنون ۱۰ شهروند به نام‌های محسن محمدی، فریدون محمودی، رضا لطفی، فرجاد درویشی، زکریا خیال، فواد قدیمی، مینو مجیدی، دانش راهنما، صدرالدین لیثان و امین معروفی در نتیجه تیراندازی نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.

گزارش دیگری از جان باختن سه تن در «قائم‌شهر» (شاهی) بر اثر اصابت تیرهای جنگی مأموران امنیتی حکایت دارد. پیشتر خبرهای غیررسمی از جان باختن یک معترض در کرج منتشر شده بود.

فرمانده نیروی انتظامی کردستان کشته شدن ۴ شهروند در جریان اعتراضات را تأیید کرده است. لطف‌الله شیبانی فرماندار شهر شیراز نیز گفته است «برخی افراد با مأموران انتظامی درگیر شدند که طی آن، یکی از همیاران پلیس، آسمانی شد.»

قرارگاه سایبری «عمار» نیز از کشته شدن یک بسیجی در تبریز در مقابل مصلاي این شهر و به ضربه چاقو خبر داد.

بلوار کشاورز، چهارراه «ولیعصر» (چهارراه پهلوی)، نارمک، تهرانپارس، میدان «صادقیه» (آرپاشهر)، تجریش، پل حافظ، پارک وی، کریمخان و شهرک اندیشه از جمله مناطقی بودند که اعتراضات شب گذشته در آنها جریان داشت. حتی مردم در برخی محله‌ها به صورت کوچه به کوچه اعتراضات را پیش می‌بردند. در اطراف تهران هم از قرچک گرفته تا رباط کریم و شهرری اعتراضات گسترده‌ای برگزار شد. اعتراضات شب گذشته همچنین از کرج تا شهریار و ورآمین کشیده شد.

لنگرود یکی از شهرهایی بود که اعتراضات دیشب مردم در آن به شدت گسترش یافت. یک منبع مطلع درباره این اعتراضات به خبرگزاری هرانا گفته «مأموران لباس شخصی با باتوم و شوکر در دو منطقه‌ی «سه راه راپشته» و «پارک فجر» لنگرود به مردم معترض حمله کردند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. حجم گاز اشک‌آور شلیک شده به قدری زیاد است که برای ساکنین داخل منازل نیز مشکلات تنفسی ایجاد کرده. تا این لحظه سه تن از شهروندان مصدوم شدند که اغلب شامل شکستگی سر به دلیل ضربه‌ی باتوم است.»

معترضان در مشهد کلانتری احمدآباد را به آتش کشیدند و در خیابان‌های شهر شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. نیروهای جمهوری اسلامی با استقرار در کلانتری در حال شلیک به مردم بودند که مردم پس از فهمیدن این موضوع به کلانتری حمله کردند. اتفاق مشابهی نیز در گرمسار افتاده و شلیک به مردم از درون کلانتری سبب شد مردم به کلانتری حمله کنند. در شهرستان شیروان نیز مردم به دفتر امام جمعه حمله کرده و شیشه‌ها را شکستند.

ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد مردم در شهرهای مختلف پس از فراری دادن نیروهای حکومتی که اتومبیل‌ها را گذاشته و در رفته‌اند، اقدام به آتش زدن ماشین‌های یگان ضد شورش و انتظامی زدند. ویدئوی دیگری که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد یکی از شعبه‌های بانک سپه در تبریز همزمان با شعار معترضان در آتش می‌سوزد.

تصاویر و ویدئوهای دیگر نشان از پاره کردن و به آتش کشیدن تصاویر روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای رهبران پیشین و کنونی جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف دارد. معترضان در کرمان، زادگاه قاسم سلیمانی، بن بسیار بزرگی با تصویر وی را پاره کردند و شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

نیروهای سرکوبگر با فرستادن نیروهای لباس شخصی به میان معترضان، از یکسو تلاش کردند تا حلقه‌های اعتراضی را در هم بشکنند و شعارها را کنترل کنند، و از سوی دیگر با کشاندن معترضان به کوچه‌ها امکان بازداشت آنها را آسان می‌کردند.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه چهارشنبه در پیامی خطاب به مردم ایران از آنها خواست در خیابان‌ها بمانند؛ وی گفت: «رود بر شما هموطنان شجاع و دلیرم. آرزوی همیشگی من این بود اتحادی را که اکنون از خود نشان می‌دهید در سراسر کشور ببینم. شما با هم نیرومندید و با هم از هر نیروی سرکوبی قوی‌ترید. همین روند اگر ادامه باید مسلماً پیروزید. خیابان دست شماست. نگاهش دارید!»

در ویدئوهای منتشر شده سرخوردگی و درماندگی بخشی از نیروهای حکومتی و حتی اکراه آنها در سرکوب مردم کاملاً مشهود است. این موضوع نشانه‌ی ریزش از درون نهادهای امنیتی و انتظامی را پررنگ می‌کند.

در همین رابطه، وبسایت حقوق بشری هه نگاه گزارش



شهریور ۱۴۰۱ در ایران